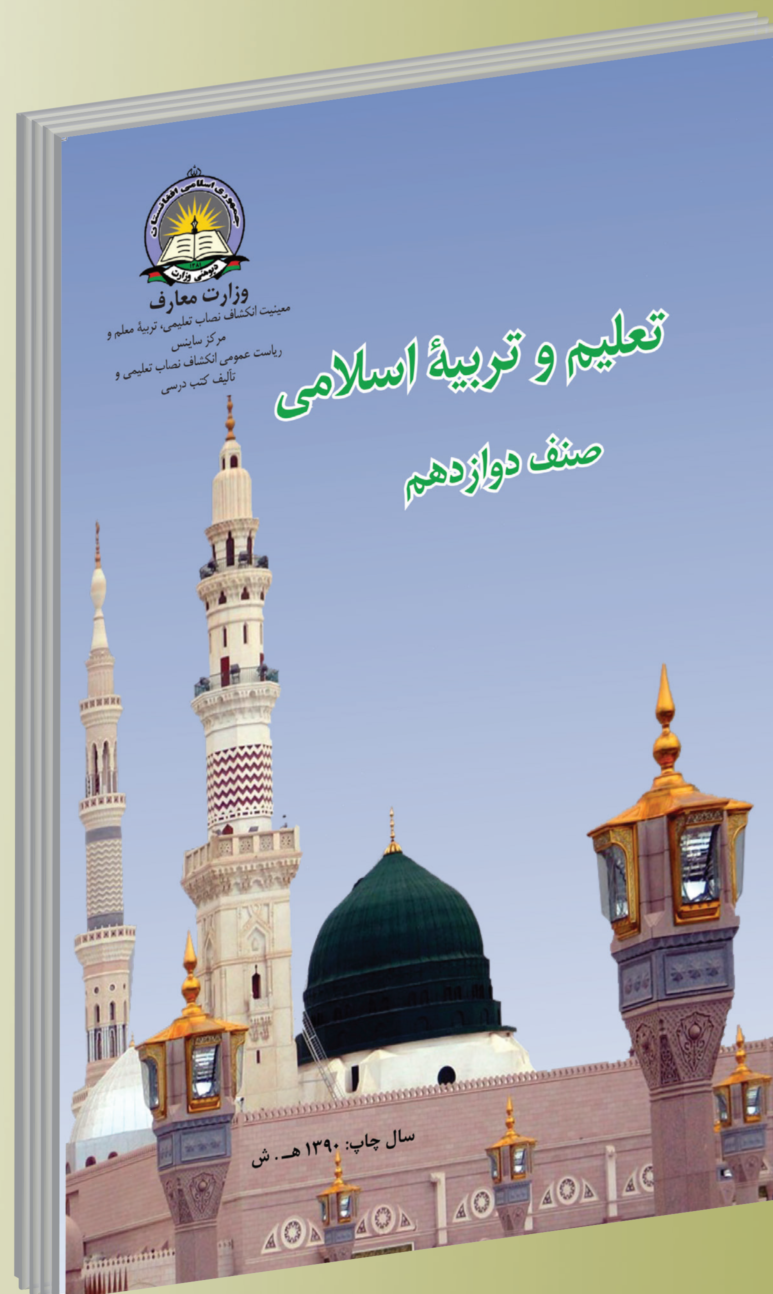


وزارت معارف
معینیت انکشاف نصاب تعلیمی، تربیهٔ معلم و مرکز ساینس
ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب درسی

کتاب معلم

رهنمای تدریس تعلیم و تربیهٔ اسلامی

صنف ۱۲



رهنمای تدریس تعلیم و تربیهٔ اسلامی - صنف ۱۲



سال چاپ: ۱۳۹۲ هـ ش.



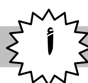
وزارت معارف
معینیت انکشاف نصاب تعلیمی، تربیۀ
معلم و مرکز ساینس
ریاست عمومی انکشاف تعلیمی و
تألیف کتب درسی

کتاب معلم

رهنمای تدریس تعلیم و تربیۀ اسلامی

صنف دوازدهم

سال چاپ: ۱۳۹۲ هـ ش



مؤلفان

- مولوی عبدالوکیل عضو علمی و مسلکی دیپارتمنت عقاید
- قاری مایل آقا متقی عضو علمی و مسلکی دیپارتمنت حدیث
- محمد اصغر وکیلی پوپلزائی عضو علمی و مسلکی دیپارتمنت فقه و اصول فقه

ایدیت علمی و مسلکی

- محمد آصف کوچی

ایدیت زبانی

- معاون مؤلف عین الدین اسدی

کمیتهٔ دینی، سیاسی و فرهنگی

- محمد آصف کوچی.

کمیتهٔ نظارت

- دکتور اسدالله محقق معین انکشاف نصاب تعلیمی، تربیهٔ معلم و مرکز ساینس.
- دکتور شیر علی ظریفی مسؤول پروژهٔ انکشاف نصاب تعلیمی.
- معاون سرمؤلف عبدالظاهر گلستانی رئیس عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب درسی.

کمپوز و دیزاین: حمیدالله غفاری و فیض محمد فیاض

تنظیم امور چاپ: محمد کبیر حقمل رئیس نشرات و اطلاعات وزارت معارف

بسم الله الرحمن الرحيم



سرود ملی

دا وطن افغانستان دی	دا عزت د هر افغان دی
کور د سولې کور د تورې	هر بچی یې قهرمان دی
دا وطن د ټولو کور دی	د بلوڅو د ازبکو
د پښتون او هزاره وو	د ترکمنو د تاجکو
ورسره عرب، ګوجر دي	پامیریان، نورستانیان
براهوي دي، قزلباش دي	هم ایماق، هم پشه یان
دا هیواد به تل ځلیږي	لکه لمر پر شنه آسمان
په سینه کې د آسیا به	لکه زړه وي جاویدان
نوم د حق مودی رهبر	وایو الله اکبر وایو الله اکبر

بسم الله الرحمن الرحیم

پیام وزیر معارف،

استادان و معلمان محترم،

تعلیم و تربیه اساس توسعه و انکشاف هر کشور را تشکیل می‌دهد و نصاب تعلیمی یکی از عناصر بنیادی تعلیم و تربیه می‌باشد که مطابق انکشافات علمی و نیازمندی‌های جامعه وضع می‌گردد، واضح است که انکشافات علمی و ضرورت‌های جامعه همواره در حال تَطَوُر می‌باشد؛ بناءً لازم است نصاب تعلیمی نیز به صورت علمی و دقیق مطابق ایجابات عصر و زمان انکشاف نماید. البته نباید نصاب تعلیمی تابع تغییرات سیاسی، نظریات و تمایلات اشخاص گردد.

کتاب رهنمای معلم که امروز در دسترس شما قرار دارد بنابر همین مشخصات تهیه و ترتیب گردیده و با تکیه بر میتودهای جدید تدریس، فعالیت‌ها و مواد معلوماتی نیز در آن اضافه شده است که یقیناً برای فعال نگاه داشتن شاگردان در عملیهٔ تدریس مفید و مؤثر می‌باشد.

امیدوارم محتویات این کتاب که با استفاده از روش های آموزش فعال تألیف و تدوین شده است، مورد استفادهٔ شما استادان عزیز قرار گیرد. با استفاده از فرصت از اولیای محترم شاگردان تقاضا بعمل می‌آید تا در تعلیم و تربیهٔ با کیفیت دختران و پسران خود همکاری متداوم نمایند، تا به این وسیله اهداف و آروزهای نظام معارف بر آورده گردد و نتایج و دست آوردهای خوبی برای نسل جوان و کشور ما داشته باشد.

استادان و معلمان گرانقدر ما در تطبیق مؤثر نصاب تعلیمی رسالت و مسؤولیت بزرگ دارند.

وزارت معارف همواره تلاش می‌نماید تا نصاب تعلیمی معارف مطابق اساسات و ارزشهای دین مبین اسلام، نیازمندی های جامعه و منافع ملی و وطندوستی با معیار های جدید علمی ساینس و تکنالوژی انکشاف نماید.

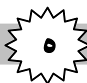
به منظور نیل به این مأمول بزرگ ملی از تمام شخصیت های علمی، دانشمندان تعلیم و تربیهٔ کشور و اولیای محترم شاگردان تمنا دارم، تا با ارائه نظریات و پیشنهادات رهنمودی و سودمند خویش مؤلفان ما را در بهبودبخشی بیشتر از پیش تألیف کتب درسی و رهنماهای معلمان یاری نمایند.

از همهٔ دانشمندانی که در تهیه و ترتیب این کتاب سهم گرفته اند، و نیز از مؤسسات محترم ملی و بین المللی و سایر کشور های دوست که در تهیه و ترتیب نصاب تعلیمی جدید، طبع و توزیع کتب درسی و رهنماهای معلمان زمینه سازی و یا همکاری های مادی یا معنوی نموده اند صمیمانه اظهار امتنان و قدردانی نموده تداوم همکاری های شان را آرزو می‌نمایم.

و من الله التوفیق

فاروق «وردک»

وزیر معارف جمهوری اسلامی افغانستان



فهرست

سخنی چند با معلم

جناب معلم!

السلام علیکم ورحمهٔ الله و برکاته

یک نهاد تعلیمی و تربیتی خوب باعث ساختار یک جامعه خوب و مترقی می گردد.

جامعه خوب و مترقی آن جامعه یی است که ارزشهای اسلامی و مزایای اخلاقی در آن رعایت گردیده باشد. زیرا با رعایت اخلاق و هدایات الهی هویت اسلامی و ملی افراد جامعه محفوظ و مصؤن می ماند که این خود هدف اساسی و بنیادی وزارت معارف است.

استادان گرامی:

برای اینکه اولاد وطن اشخاص مسلمان و برومند و برخوردار از سجایای دینی و آگاه از مصلحت های اجتماعی، ملی و بین المللی و هم با روحیه و فرهنگ اصیل افغانی پرورش یابند. و در رفتار، سلوک و ذهنیت ایشان اثر مثبت پدید آید امید. که استادان محترم تدریس را مطابق شیوه و هدایات این رهنما که با زحمات دست اندر کاران ریاست انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب درسی ترتیب و به میان آمده است به پیش برند.

این کتاب رهنمای معلم برای مضمون تعلیم و تربیهٔ اسلامی صنف دوازدهم ترتیب یافته و طوری که بعد از پشتی کتاب (بسم الله الرحمن الرحیم) تزیین داده شده سپس سرود ملی و پیام جناب وزیر و بعد معرفی مؤلفان، فهرست موضوعات گنجانیده شده است.

ساختار رهنمای دروس طوری است که عنوان درس با ذکر شماره و صفحهٔ آن با تعیین و تقسیم (۴۵) دقیقه برای طول ساعت درسی با ذکر هدف و معنی بعضی از لغات در بعضی از دروس و بیان شیوه و روش تدریس، معرفی مواد ممد درسی و فعالیت های معلم که در بر گیرندهٔ احوال پرسی، تنظیم صنف، گرفتن حاضری و فعالیت های مشترک میان معلم و شاگرد که در بر گیرندهٔ روشهای تدریس از جمله سؤال و جواب، تکرار انفرادی و گروپی و مسابقه و...... است، گنجانیده شده است و سپس غرض به دست آوردن هدف، ارزیابی صورت گرفته و در اخیر خلاصه درس و سپردن کار خانه گی به شاگردان قرار دارد.

برای تدریس بهتر بعد از عنوان درس، دانش لازمی در راستای تشریح و بیان همان درس غرض معلومات مزید ذکر گردیده است.

صفات یک معلم

_ تقوی، دیانت، و اخلاق حمیده داشته باشد.

_ دارای آرزوهای عالی باشد.

_ اعتماد به نفس داشته باشد.

_ شخصیت عالی داشته تحت تأثیر خواسته های دیگران نباشد.

_ قادر به حفظ و آرامش حالت روانی و تنظیم وظایف خود باشد.

_ شکیبا بوده و از تحمل مشکلات هراس نداشته باشد.

_ با شاگردان روابط نیک و حسنه دا شته باشد.

_ با انگیزه و زحمت کش بوده و پابند به وظیفه باشد.

_با علم و معرفت علاقه مندی داشته باشد.

_ به خاطر مطالعه و دانش او قات فراغ خود را غنیمت به شمارد.

_ در تعلیم وتربیهٔ شاگردان کوشا بوده در مطالعه و مذاکره از روش علمی استفاده نماید.

_ با همه روابط خوب داشته باشد.

_ در جستجوی معلوماتی باشد که نمی داند و از نصایح دیگران استفاده نماید.

_ صادق با دیانت باشد و هیچگاهی به خیانت نیندیشد.

_ باید در همه زمینه ها برای شاگردان سر مشق و الگو باشد.

صفات یک شاگرد خوب

۱_ به معلم احترام می گذارد.

۲_ از پدر و مادر فرمانبرداری مینماید.

۳_ با علاقه مندی فراوان به دروس معلم گوش فرا میدهد.

۴_ به وقت معین در مکتب و صنف حاضر میشود.

۵_ در قدم اول دروس خود را مطالعه نموده و وظایف خانه گی را اجرا می کند.

۶_ نکات مهم درس را در هر ساعت درسی در کتابچه یاد داشت می کند.

۷_ احترام به دیگران و بر گزیدن دوستان خوب.

۸_ پابند بودن به جماعت در پنج وقت نماز.

۱۰_ در استفاده ار نعمت های خداوندﷻ اسراف نمی کند.

پلان درسی

پلان در لغت تدبیر، سنجش و تصمیم گیری برای اجرای یک کار را گویند و در اصطلاح پلان عبارت از طرح نقشهٔ ذهنی است که برای انجام یک کار، فعالیت های آنرا تنظیم می نماید.

پلان درسی عبارت از طرح یا نقشهٔ ذهنی بوده که معلم تمام فعالیت های تدریس را که در یک ساعت درسی انجام می دهد، درج می کند.

فواید عمده و وظایف پلان درسی

۱_ ترتیب و تنظیم بهتر مواد و حل مطالب مغلق و پیچیده

۲_ استفاده از روش های مختلف در تدریس

۳_ سهم دادن به شاگردان در فعالیت های درسی

۴_ به معلم کمک مینماید تا به اطمینان خاطر تدریس نماید.

۵_ معلم را در تدریس به هدف می رساند.

توضیح محتویات چوکات کاری رهنمای معلم

۱_ اصطلاحات

اصطلاحات کلمۀ عربی بوده و جمع اصطلاح میباشد، که از ریشۀ صلح گرفته شده است که معنای اتفاق هم آمده است.
اصطلاح اسم مطابق فرهنگ بر ترمینالوژی(Terminology) کاربرد اصطلاحات، حقایق و نظریه های خاص هر قوم، ملت، مذهب و فرا گیر همه ماهیت های علوم است که به اتفاق جمع کثیر بر یک مفهوم اساسی حوزه علمی، مهارتها و طرز فکر و ذهنیت خود وضع کرده اند.
مثلاً: اصطلاحات آیت، سوره، رکوع و غیره در قرآن کریم و یا اصطلاحات کلمه، نماز، زکات و حج کعبه شریفه در تعلیمات دینی و غیره.

۲_ اهداف

اهداف جمع هدف است در فرهنگ معین، هدف چنین تعریف شده است: هر چیز بلند و بر افراشته، نشانه، تیر، آن چه آدمی برای رسیدن به آن بکوشد، مقصود و غایت.
اهداف یک واحد درسی بر اساس اهداف وآرمان ملی و کلی نظام تعلیم و تربیۀ اهداف دوره های تعلیمی، مفردات، مضمون درسی در یک صنف در حیطه دانش، مهارت و ذهنیت محتوا طرح می گردد.
تعیین اهداف کلی و جزیی در یک مضمون و در یک واحد درسی، به قصد ایجاد تغییرات در رفتار شاگردان و انکشاف ذهنی و توسعه در معلومات ایشان اجرا می شود که این تغییرات همان هدف های بر نامه درسی میباشد.
رابطۀ هدف با برنامۀ درسی تا آن حد مهم و اساسی است که اگر ما هدف نداشته باشیم برنامۀ هم نمی توانیم داشته باشیم به عبارت دیگر بر نامه ریزی(طرح و تهیه مواد آموزشی چون کتاب درسی، راهنمای معلم....) تنها زمانی صورت علمی و منطقی به خود می گیرد که هدف مشخص را دنبال کند.
در حقیقت محتوای یک درس را، اهداف دانشی (شاگردان چقدر می دانند؟) اهداف مهارتی، (شاگردان چه سان عمل کرده می توانند؟) و اهداف ذهنی و یا طرز تلقی، (تغیر در رفتار و سلوک شاگردان) تشکیل می دهد.

تعریف مواد درسی

مواد درسی عبارت از اشیاء و وسایلی است که معلم و شاگردان را برای رسیدن به هدف درس کمک می نماید و یا به عبارۀ دیگر آن وسایل سمعی و بصری که معلم در تدریس از آن کار می گیرد.

۳_ مواد ممد درسی

مواد ممد درسی شامل مواد طبیعی ساده محیطی چون دانه های لوبیا، نخود، سنگریزه و غیره و مواد غیر محیطی چون چارت، فلش کارت مودلها چون(کره زمین، نقشه، تصویر) و غیره از نگاه نوعیت و ماهیت مواد به دودسته تقسیم می شود مواد عمومی از قبیل کتاب درسی، تخته، تباشیر و غیره مواد خصوی مثلاً مودلها، گرافها، سی دی، فلم، پرجکتور، لابراتوارها، کارت های مصور و ساده، چارت مقوایی، فلب چارت، بکس هندسی، نقشه و غیره ه توسط معلم و شاگردان تهیه و در یک درس از آن ها استفاده می شود.
مواد درسی شاگردان را از مرحله میخانیکی(که طوطی وار درس را به حافظه بسپارند) به مرحله عینیت و فهم عمیق میرساند. در را هنمای معلم هدف ما از مواد درسی مواد عمومی نیست مانند کتاب، شاگرد، تخته و تباشیر، بلکه هدف آن مواد کمکی و مؤثری است که از منابع دیگر به شکل ساده و یا مدرن که معلم آنرا تهیه میکند و یا تو سط فابریکه و یا کدام مرجع دیگر چون دفتر تکنالوژی آموزشی به اختیار مکاتب قرار می دهند، می باشد.

٤_ فعالیت های آموزشی

هدف از آوردن فعالیت ها، اشتغال فراگیر شاگردان است به شکل مجموعی، انفرادی و گروپی در ایفای نقش، رونویسی، متن خوانی، مشاهده، بر قراری ارتباط، طبقه بندی کردن و غیره که در فضای آموزشی انجام می گیرد و یا بیرون از صنف در میدان مکتب، سیر علمی، اشتراک در جلسات و برنامهٔ های فرهنگی و دینی و غیره.

برای فعالیتها در پلان درسی بفرصت بیشتر اختصاص داده شده است تا درس به صورت مؤثر در ذهن شاگردان بنشیند و شاگردان از دانش کسب شده، مهارت انجام شده و ذهنیت مثبت ایجاد شده در زنده گی روزمره استفاده بتوانند و شاگردان به ارزش و اهمیت درس که در انکشاف شخصیت و سلوک فردی و اجتماعی شاگردان نقش اساسی دارد، پی ببرند.

٥_ارزیابی

یکی از ارکان برنامهٔ درسی است که ارزیابی پایان یک درس و ارزیابی مستمر را در بر می گیرد.

ارزیابی انعکاسگر تحلیل و تفسیر اطلاعاتی است که به شکل سیستماتیک در دانش آموز، هدفهای مورد نظر سیستم آموزشی (درسی) تحقق یافته اند و یا در حال تحقق یافتن هستند و به چه میزانی ما را مطمئن می سازد که به چه اندازه به اهداف دانشی و نگرشی درس مورد نظر رسیده ایم که از طریق مشاهده، آموزش کتبی و یا جدول معیاری نمرات صورت می پذیرد.

٦_ اهمیت درس

در زنده گی روزمره شاگردان متن خوانی درس، مهارتها و تک مهارتها (مهارت های خورد و کوچک از یک روش تدریس) چقدر کار برد عینی و عملی دارد و رشد فردی و روابط اجتماعی شاگردان به کدام مقیاس پیشرفت به دست می آید مورد ارزیابی قرار می گیرد.

معلم محترم می تواند ارزش و نتیجهٔ حاصل هر درس را از طریق مشاهده و تغییرات در رفتار، سلوک، طرز برخورد و ارتباط شاگرد با شاگرد کشف و سنجش نماید و خود را متیقن بسازد.

٧_ کار خانه گی

از اینکه شاگرد بیشتر اوقات خود را در فامیل با اعضای خانواده می گذرانند بنا بر آن کار خانه گی که در حقیقت پیما یشگر اهداف درس و جزء لا ینفک یاد گیری و یاد دهی است موافق توانمندی شاگردان به شیوه بسیار ساده داده شود و شاگردان تشویق به اجرای آن در اوقات فراغت به کمک دوستان و اولیاء و اعضای خانواده می شوند.

اصول یا روش های تدریس

این یک حقیقت مسلم است که انسانها هر کاری راکه میکنند باید اصول آنرا بدانند هر گاه اصول آنرا ندانند از اجرای آن نتیجهٔ مثبت گرفته نمی توانند اصول جمع اصل و به معنی اساس و بنیاد است. و در تعلیم و تربیهٔ عبارت از یک سلسله مقررات و روش های منظم است که استاد در تدریس یک موضوع از آن کار می گیرد و در نتیجه وی را به هدف تدریس می رساند.

به هر اندازه که معلم به روش های بیشتر آشنا باشد محتوی و مواد دلخواه خویش را با در نظر داشت شرایط زمانی و مکانی در اختیار شاگردان قرار می دهد و هیچ شاگرد در جریان تدریس غیر فعال نبوده و تدریس استاد دلپذیر می باشد.

تدریس: عبارت از آن سلسله فعالیت های منظم تعمیری است که معلم و شاگرد هر دو را به هدف تدریس می رساند و این اصول تدریس را میتود تدریس و یا روش تدریس نیز می گویند

میتود یا روش تدریس

برای انجام یک کار طی نمودن مراحل لازم را میتود می گویند و یا روش یا میتود راه منظم و با قاعده و منطقی برای ارائه درس است پس معلوم شد که آن فعالیتهای لازم که معلم به کمک آن از طریق آسان در وقت کم مطلب را به شاگردان آموزش بدهد میتود است.

اصول تدریس اقسام زیاد دارد مانند لکچر، خطابه، مشق و تمرین، سؤال و جواب، نمایش، مسابقه اجرای نقش، کار گروپی، سیر علمی، مناقشه و مذاکره، روش انفرادی، مطالعه و غیره. ما صرف آن هایی را که در این رهنما از آن استفاده نموده ایم به شما معرفی مینماییم.

روش کارگروپی

شاگردان یک صنف به چند گروپ تقسیم شوند هر گروپ بالای یک موضوع که از طرف معلم برایشان داده می شود به طور مشترک کار و فعالیت مینمایند نظریات و افکار خود را باهم یکجا و شریک نموده بخاطر یاد گرفتن یک موضوع از یکدیگر می پرسند. بحث و مناقشه صورت می گیرد در این روش معلم حیثیت رهنما و مشاهد را داشته هر گاه در گروپ ها مشکل پیدا شود به سؤال های شان جواب می دهد (تجارب ثابت ساخته که از آموزش انفرادی آموزش گروپی مؤثر تر است)

نکات عمدۀ که معلم باید در وقت اجرای کار گروپی در نظر داشته باشد:

۱_ بهتر است اعضای گروپ از ۳_۶ نفر باشد و گروپ ها نام گذاری گردند.

۲_ هدایت کار گروپی باید خوب و واضح باشد.

۳_ در صورت امکان در کار گروپی شاگردان به شکل دایروی تنظیم شوند.

۴_ در بین گروپ ها باید فاصله موجود باشد تا معلم بخوبی گشت و گذار کرده بتواند.

۵_ معلم گروپ ها را بررسی و نظارت نموده و سؤال های آنها را جواب می دهد.

۶_ در کار گروپی باید به شاگردان چنان موضوع داده شود که قدرت اجرای آنرا داشته باشند.

۷_ در کارگروپی آینده باید شاگردان تغییر و تبدیل شوند.

۸_ در کار گروپی وقت تعیین شود.

۹_ در آخر کار گروپی نتیجۀ آن اعلان می شود.

۲_روش اجرای نقش

شاگردان سهم می گیرند و آن موضوع خوانده شدۀ درس که قابل تمثیل باشد به شکل صحنه حقیقی تمثیل می نمایند.

نکات عمده که در روش اجرای نقش باید در نظر گرفته شود.

۱_ از این روش وقتی استفاده گردد که مردم آنرا بد نبینند.

۲_ موارد یکه برای اجرای نقش ضرورت است باید قبلاً تهیه شود.

۳_ معلم باید در مورد اجرای نقش شاگردان موقف تسهیل گر و یک رهنما را داشته باشد.

۴_ در وقت اجرای نقش معلم باید کنترول صنف را مد نظر داشته باشد.

۵_ در روش اجرای نقش باید برای شاگردان هدایات واضح داده شود که کدام شاگرد در کدام نقش، چه کار ها را، چه وقت انجام دهد.

۶_ در روش اجرای نقش باید شاگردانی انتخاب شوند که قدرت اجرای آنرا داشته باشند.

۷_ اجرای نقش در همان نقطۀ صنف اجرا شود که تمام شاگردان دیده بتوانند.

ترتیب روش سؤال و جواب

در این روش موضوع درس به قسمت های کوچک تقسیم گردیده و از هر قسمت آن سؤالات طرح می شود نکات عمده که در این روش باید در نظر گرفته شود قرار ذیل است.

۱_ معلم باید طوری بپرسد که شاگرد مفهوم پرسش را بداند.

۲_ وقتیکه یک شاگرد سؤال مینماید معلم باید سؤال این شاگرد را به شاگرد دیگر راجع سازد تا او جواب بدهد.

۳_ به شاگردان موقع داده شود تا از یکدیگر سؤال نمایند.

۴_ در وقت سؤال و جواب باید معلم از موضوع خارج نشود.

۵_ در روش سؤال و جواب به اکثریت شاگردان سهم داده شود.

۶_ شاگردی که همیشه می خواهد سؤال را جواب بگوید و چانس جواب دادن شاگردان دیگر را از بین می برد باید کنترول شود.

۷_ باید وقت در نظر گرفته شود.

۸_ شاگردیکه در سؤال و جواب سهم نمی گیرد در سؤال و جواب شامل ساخته شود.

۹_ معلم باید شاگرد را در صورت ادامه جواب غلط تهدید نکند.

۱۰_ معلم باید شاگرد را در صورت ارائه جواب صحیح تشویق نماید.

٤_ ترتیب روش مسابقه

مسابقه یکی از روش های اصول تدریس میباشد، در این روش رقابت مثبت بین شاگردان ایجاد شده و یک گروپ از شاگردان کوشش می نمایند، از گروپ دیگر مسابقه را ببرند، در این روش شاگردان زیاد فعال بوده و مرکز فعالیت قرار میگیرند. در این اصول(روش) شاگردان به دو گروپ یا بیشتر ازآن نظر به لزوم دید تقسیم می شوند و از هر گروپ به سویه های مساوی به تعداد مساوی شاگردان انتخاب می شوند و از این روش در صنوف ابتدائی و ثانوی میتوان کار گرفت.

نکاتی که در روش مسابقه باید در نظر گرفته شود، قرار ذیل است:

۱_ هدایت مسابقه باید واضح باشد.

۲_ در وقت مسابقه صنف باید کنترول شود.

۳_ در توزیع نمرات عدالت مراعات شود.

۴_ سؤالات مسابقه باید از آسان تا مشکل ترتیب گردیده، و از هر گروپ مساویانه پرسش صورت گیرد.

۵_ در روش مسابقه یک شاگرد از شاگرد سؤال می کند و اگر شاگرد سؤال کرده نتواند معلم سؤال خواهد کرد.

۶_ در اخیر باید نتیجه مسابقه اعلان شود.

۱_ روش مباحثه و گفت و گو

درین نوع روش معلم سؤالات تفکر بر انگیز را ارائه می نماید، و فرصت مناقشه را برای شاگردان می دهد، بعد جوابات صحیح را از بین آن اختیار نموده، و آنرا در روی تخته می نویسد، به همینطور تا که همه عناصر موضوع به پایه اکمال رسد، و در اخیر جمع بندی می نماید و ارتباط بین افکاری که همراه شاگردان به توافق رسیده باشند با استدلال از آیات، احادیث، سیرت، و دلایل فقهی و اقوال و اعمال سلف صالح باشد با سهم گیری شاگردان، و برای اینکه تا منابع شریعت سر چشمه های اساسی برای اندیشیدن و استدلال باشد، استفاده می گردد.

۲_ شیوه حل مسأله

درین شیوه از طرح کردن یک شکل و یا یک پرسشی که مربوط به زنده گی روزمره است کار گرفته می شود تا توجه شاگردان را جلب نموده و آنان را به کاوش وا داشته تا راه رسیدن به حل مشکل و یا پرسشی را در یابند.

با به کارگیری این شیوه توا نایی شاگردان در اندیشیدن و جستجو نمودن افزایش یافته و مهارت بکار گیری منابع و مراجع و تنظیم معلومات پدید می آید زیرا احکام و دساتیر اسلامی رابطهٔ تنگاتنگی با زنده گی روزمرهٔ شاگردان داشته و به قضایای زنده گی و مشکلات آنان ارتباط دارد، و درست بکار گیری این اسلوب که شاگردان توانایی سهم گیری فعال در درس را بدست می آورد و شاگردان را به درک حکمت شریعت کمک می نماید درک شریعتی که روابط انسان ها را نظم بخشیده و مصلحت های آنان را بهتر بر آورده می سازد و علایق شاگرد را با خداوند بزرگ محکم و عمیق ترمی سازد.

۳_ شیوه تحلیل(تجزیه)مفاهیم

در این روش محدود ساختن درس که دارای مفاهیمی باشد و استوار با مثالها ارائه گردد این کار با بکار گیری یکی یا بیشتر از استراتیژی های این اسلوب تدریس انجام می پذیرد مثلاً:

_ مثالهای مثبت و منفی، تعریف، فشرده خصایص.

_ تعریف مفهوم، مثالهای مثبت و مثالهای منفی.

_ مثالهای مثبت و منفی، تعریف مفهوم.

استخدام چنین روش در تدریس تربیهٔ اسلامی کمک نموده و برای شناختن بیشتر و ترسیخ آن در ذهن شاگردان صورت می گیرد و شاگردان را به فهمیدن حقایق اسلامی به صورت واضح دور از شبهه و فهم نادرست قادر می سازد.

٤_شیوه قصه و حکایت

معلم جهت تدریس تاریخ و واقعیات از اسلوب قصه استفاده می نماید در صورتیکه اساسات قصه را مراعات نماید تا مورد د لچسپی و علا قمندی شاگردان قرار گیرد، و چیزهای که شیوهٔ قصه در پی دارد مثل تحلیل و نتیجه گیری از

حکمت های که در آن نهفته است مراعات گردد، و فشرده نمودن قصه، و واضح نمودن اندرزهای که در آن موجود می باشد، چنین روش معمولا برای خورد سالان و بزرگ سالان بکار برده می شود، و همچنان از روش قصه جهت تدریس سیرةالنبیﷺ و اخلاق بیشتر استفاده می شود.

در اسلوب قصه نکات ذیل باید در نظر گرفته شود.

_ کوتاه بوده و قبل از ختم ساعت درسی تمام شود.

_ در اسلوب قصه فهم شاگردان مد نظر گرفته شود.

_ مورد علاقه و دلچسپی شاگردان قرار گیرد.

٥_ شیوۀ نمایش:

در ین شیوه معلم موقف برخی از موضوعات درس رابه نوعی تحریر در میآورد، بعد برای هر شاگرد نقشی را ایفاء می نماید تا آنرا به طور فعال و مؤثر بازی نموده تاکه تأثیر آن در ذهن شاگردان باقی بماند.

برای بر آوردن این هدف می توانیم از نمایش های شنیدنی و یا دیدنی مثل رادیو ویدیو استفاده نماییم.

لازم است تا در شیوه تمثیل از انبیاء کرام علیهم السلام و کبار صحابۀ رضی الله عنهم جداً خود داری نموده تا که خدای نخواسته به شخصیت آنها صدمه وارد نشود.

٦_ شیوه لکچر

معلم زمانی این شیوه را بکار می برد که قبلاً برای شاگردان مفاهیم مهم را ارائه کرده باشد، و خود را متأکد سازد تاچه حد معلومات و مفاهیم در اذهان شاگردان جاگزین گردیده است قابل تذکر میباشد که در این شیوه معلم از اطالت و دراز ساختن بیش از حد موضوع پرهیز نماید تا سبب خستگی و پراگنده گی اذهان شاگردان نگردیده و همچنان سخن های استاد در بر گیرنده سؤالاتی باشد تا جلب توجه شاگردان گردد و هم زمان ایشان بتواند سهم فعال درمضمون تعلیمی داشته، تا اسلوب سخنرانی و خطابه در آن تحقق یابد.

٧_ شیوه مشق و تمرین(تکرار)

از این شیوۀ در تدریس قرآن کریم، احادیث و متن های که از شاگردان دقیق خوانی آن مطالبه و مقصود می باشد کار گرفته می شود، به شاگرد قرائت و نطق کلمات و متن ها را با تطبیق احکام تجوید می شنواند.

در آموزش تلاوت برای صنوف ابتدایی به خصوص برا ی حفظ سوره ها و احادیث توسط شاگردان، معلم نا گزیر از این شیوه کار می گیرد.

به گونه ای که استاد یک آیه و یا یک جزء آن را می خواند و شاگردان در گروه ها و دسته ها با آن تکرار می نمایند، چنانکه کلمات دشوار و عباراتی که به توضیح بیشتر نیاز دارد جدا گانه تکرار می نمایند.

تمرین عملی

تمرین عملی در به دست آمدن مهارت های عملی در موضوعاتی که به عمل نیازمند است آشکار می گردد، مانند نماز، وضو، تیمم و مهارت کامل تلاوت، و مهارت های تحقیق و به کار گیری مراجع و رسم نقشه ها و خواندن آنها درین شیوه شاگردان آنچه را قابل تطبیق است در داخل و یا خارج از صنف زیر نظر معلم و به رهنمایی که از فهم خود شاگرد با شد عملی می نماید.

۸_ شیوه جستجو و کشف

درین شیوه شاگرد مکلف به مراجعه و به مصادر و منابع علمی، منابع مضمون درسی و مؤظف به در یافت معلومات ضروری و تعمق در آیات قرآن کریم، کتب تفسیر، باز دید از اماکن و مراکز تخصصی و استفاده از نشریات و روز نامه ها، می گردد.

درین شیوه نقش شاگردان بحث و اکتشاف و جمع آوری معلومات است، سپس منظم نمودن آن ها و تقدیم نمودن و مناقشه آنها با شاگردان و تهیه خلاصهٔ آنچه مناقشه شده برروی تخته است، تا خلاصه کار شاگرد برای دیگر شاگردان سرمشق قرار گیرد، سپس برای معلم که شیوه های یاد شده را بکار می بندد مناسب است تا موارد آتی را مد نظر داشته باشد.

_ مقدمه درس را آماده نموده و اذهان شاگردان را به وسیلهٔ یکی از شیوه های یاد شده آماده سازد، مانند بر انگیختن به اشکال، و یا طرح سؤال، خوانش قصه جالب، نمایش تصویر یا تکرار درس گذشته و یاچیز های دیگری که در اسلوب مقدمه و وسایل آن توضیح داده شده است.

_ عقیده اسلامی مبدأ و سر چشمهٔ همه موضوعات مربوط به تعلیمات اسلامی باشد.

_ شاگردان را تشویق به سهم گیری فعال در جریان استفاده از شیوه های یاد شده نماید، تا آنجا که ممکن است خود آموزی را در آنان تقویه نماید.

_ در هنگام استفاده از شیوه های تدریس تنوع را به کار برده تا اهداف مد نظر بر آورده شده و تفاوت های فردی که در میان افراد صنف است را در نظر داشته باشد، بنا برین، تدریس خود را با بکار گیری شیوه گفت و گو و داستان، تمثیل و جستجو، تحلیل مفاهیم، و تمرین عملی متنوع سازد، تا کفایت خوبی در تدریس از خود بروز داده و مشارکت وسیع شاگردان را جذب نماید، بدیهی است که از تدریس ملالت آور استفاده از یک روش تدریس دراز مدت اجتناب خواهد کرد.

_ معلم باید بیشتر کوشش نماید تا شواهد را از قرآن کریم با توجه به سطح دانش و توانایی های عقلی و علمی آنان انتخاب نماید.

در اخیر توجه استادان گرامی را روی چند اصل آتی خواهانیم تا باشد که با رعایت آن اثر بیشتر در سلوك و ذهنیت شاگردان، هویدا گردد.

۱_ معلم محترم به رعایت هدایات و رهنمایی های این کتاب مکلف است و در عین حال از هر آنچه که در تدریس مفید واقع می گردد می تواند استفاده کند.

۲_ از و جایب معلمین ماست که رهنما را قبلاً مطالعه نموده و برای ارائه درس آماده گی لازم بگیرند.

۳_ دا نش های لازمی را عمیقاً مطالعه نموده محتویات آن را در صورت امکان به زبان ساده به شاگردان انتقال دهند.

۴_ معلم محترم حین ورود به صنف بعد از ادای سلام به تدریس آغاز نماید و با گفتن نام خدا و طهارت و در نظر داشت کسب ثواب، تعالی و ترقی وطن و اولاد وطن درس را به پیش ببرد.

۵_ از اظهار سخنان اضافی و بی مورد خود داری نموده، حقایق علمی و شرعی را از شاگردان نپوشاند.

۶_ در صورت مواجه شدن به اغلاط طباعتی کتاب درسی و رهنمای معلم در تصحیح آن بکوشند.

در اخیر از خداوند بزرگ برای همهٔ معلمین و ابنا و بنات وطن خویش توفیق مزید را خواهانیم.

با احترام

مؤلفان کتاب رهنمای معلم صنف دوازدهم.

بخش عقاید

درس: اول

عنوان: وزن کردن اعمال

صفحه: ۱

وقت: (یک ساعت درسی)

اهداف: شاگردان باید:

- دلایل اثبات وزن اعمال انسان ها را به صورت درست بدانند.
- محو بدی ها را توسط عمل نیک در عمل نامه بیان کنند.
- اهمیت اعمال نیک را به دیگران بیان کنند.

وزن کردن اعمال

مراد از وزن کردن اعمال اندازه گیری آنها با ترازو است. و منظور از میـزان وسـیله یـی اسـت کـه بـا آن انـدازه و مقـدار افعال شناخته می شود. چنانکه آیاتی زیادی بر وجود آن دلالت می کند از جمله آیهٔ هشتم سوره اعراف «**وَالْوَزْنُ يَوْمَئِـذٍ الْحَقُّ**» (وزن اعمال در آن روز حق است) با وجود این که از ابن عباسﷺ نقل شده که گفته است: حسنات و سیات در ترازویی نهاده می شود که، مکلّف به شناخت کیفیت آن نیستیم؛

و آیت ۶ تا ۹ سورهٔ القارعه نیز « **فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ (٦) فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ (٧) وَأَمَّا مَنْ خَفَّــتْ مَوَازِينُــهُ (٨) فَأُمُّــهُ هَاوِيَةٌ**»

ترجمه: پس اما کسی که ترازوی (حسنات و نیکی های او) سنگین باشد او در زنده گی رضایت بخشی بـه سـرمی بـرد و اما کسی که ترازوی (حسنات و نیکی های او) سبک باشد جایگاه او دوزخ است.

معتزله، میزان و ترازو را انکار کرده و میگویند:

۱_ اعمال اعراض اند و اعادهٔ آنها ممکن نیست چرا که سپری شده و از بین رفته اند.

۲_ اگر اعادهٔ آن فرضاً ممکن باشد، وزن کردنشان ممکن نیست به دلیل اینکه عمل متـصف، بـه سـبکی و سـنگینی نمـی شود.

۳_ اعمال خوب و بد انسان برای خدا معلوم است؛ پس وزن کردن آنها بیهوده است.

جواب به این رأی چنین است:

۱_ ممکن است بگوییم: آنچه که وزن می شود خود اعمال نیـست؛ بلکـه نامـه و کتـابی اسـت کـه اعمـال در آن اسـت و کتاب هم در خود سبکی و سنگینی است.

۲_ برای خداوند مشکل نیست که اعمال را متصف به سبکی و سنگینی کند، آیا صحیح نیست که در روز قیامت مرگ، به صورت قوچی آورده می شود و در بین جنت و دوزخ ذبح می شود؟ (عبدالله بن عمر می گوید رسول اللهﷺ فرمود:

إِذَا صَارَ أَهْلُ الْجَنَّةِ إِلَى الْجَنَّةِ وَأَهْلُ النَّارِ إِلَى النَّارِ جِيءَ بِالْمَوْتِ حَتَّى يُجْعَلَ بَيْنَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ ثُمَّ يُذْبَحُ ثُمَّ يُنَادِي مُنَادٍ يَا أَهْلَ الْجَنَّةِ لَا مَوْتَ وَيَا أَهْلَ النَّارِ لَا مَوْتَ فَيَزْدَادُ أَهْلُ الْجَنَّةِ فَرَحًا إِلَى فَرَحِهِمْ وَيَزْدَادُ أَهْلُ النَّارِ حُزْنًا إِلَى حُزْنِهِمْ) ([1]). (متفق علیه)

---

[1] صحیح البخاری

ترجمه: هنگامیکه جنتیان وارد جنت و دوزخیان وارد دوزخ شدند، مرگ (به صورت قوچی) آورده می شود و در میان جنت و دوزخ گذاشته می شود و ذبح می گردد، آنگاه ندا دهنده یی ندا میدهد که ای اهل جنت و دوزخ مرگی در کار نیست پس برای شادی و سرور جنتیان افزوده می شود و غمهای دوزخیان اضافه می گردد.
و همچنان در نصوص آمده است که اعمال به شکل اجسام خلق می شوند و وزن دارند و برپشت حمل می شوند.
{حَتَّى إِذَا جَاءَتْهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا يَا حَسْرَتَنَا عَلَى مَا فَرَّطْنَا فِيهَا وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَى ظُهُورِهِمْ أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ}[1]
ترجمه: تا آنگاه که نا گهان قیامت فرا می رسد (و زیان می بینند) می گویند: افسوس و دریغ که در دنیا کوتاهی کردیم در حالیکه گناهانشان را بر دوش می کشند، هان (بدانید) چه بد چیزی بدوش می کشند.
۳_ مسلماً وزن و سنجش اعمال با وجود علم خداوندﷻ به آنها، بیهوده نیست؛ زیرا به اقتضای حکمت است و عدم اطلاع ما از حکمت آن موجب بیهوده بودن آن نمی شود.
گذشته از این سرشت انسان به تحکیم و فراهم نمودن اسباب و مسبّبات عجین و خو گرفته است پس حکمت الهی اقتضا کرده که انسان خود بر اعمالی که در دنیا انجام داده است آگاه شود و اثر و بازتاب آن را برخود ببیند همانطور که زارع ثمرۀ کشت خود را می بیند، به گونه یی که برایش یقین حاصل می شود که جزا و پاداش او به سبب چه اعمالی است و اگر به او گفته شود که اعمالی را که در دنیا انجام داده یی خداوندﷻ میداند و این جزا و پاداش اخروی آنها است یقین حاصل نمی شود و این حکمت هنگامی است که خداوند اعضاء را به نطق در می آورد تا علیه صاحبش گواهی دهند، خداوندﷻ در قرآنکریم می فرماید:
«وَقَالُوا لِجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ[2]**»**
ترجمه: و گویند: برای پوست ها (و سایر اعضای خود): چرا گواهی دادید برما؟! گویند: گویا کرد ما را الله (برین گواهی)، آنکه گویا ساخته است هر چیز (سخن گوینده) را؛ و او بیافرید شمارا اول بار، و به سوی او باز گردانیده می شوید.
آیا اعمال کافران هم وزن می شود؟
در این مورد دو رأی است:
۱_ برخی گفته اند وزن نمی شود، زیرا به هر صورتی که باشد حبط می شود و از بین میرود.به دلیل آیۀ ۱۰۵ سوره کهف { **فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا**}
ترجمه: پس در روز قیامت برای آنان وزنی بر پا نمی کنیم.
۲_ قول درست تر آن است که وزن می شود. و مراد از آیۀ مذکور این است که ارزشی برای ایشان قائل نمی شویم و نفعی به حالشان ندارد. (۳)

روش تدریس: سؤال و جواب، مباحثه، تشریحی و توضیحی

[1] آیۀ ۳۱ سورۀ انعام.
[2] - آیه ۲۱ سورۀ فصلت
[3] شرح عقاید اهل سنت صفحه ۱۵۶ الی ۱۶۰

مواد ممد درسی....

جریان درس

وقت	فعالیت ها
۵ دقیقه	- بعد از ادای سلام و احوال پرسی سال جدید تعلیمی را برای شاگردان تبریک گفته و در بارهٔ کتاب تعلیم و تربیهٔ اسلامی برای آنها معلومات کافی میدهد. _ نکات چند در مورد اهمیت و ارزش تعلیم وتربیهٔ اسلامی برای شاگردان بیان می نماید.
۳۰ قیقه	- عنوان درس جدید (وزن کردن اعمال) را روی تخته نوشته و برای شاگردان هدایت میدهد تادرس جدید را خاموشانه مطالعه نمایند. _ با استفاده از وقت عناوین جانبی • چگونه گی وزن کردن اعمال • دلایل اثبات وزن شدن اعمال • محوشدن بدی ها از دفتر اعمال • برخی از نیکی هاکه در امحای(از بین بردن) بدیها کمک می کند. (نیکی کردن بعد از بدی، مغفرت خواستن بعد از ارتکاب گناه) • اعمال قابل توجه و با ارزش در ترازوی اعمال درس را روی تخته نوشته و هر یک از عناوین جانبی را برای شاگردان تشریح می کند و بعد از چند شاگرد می خواهد تا هر کدام یک عنوان جانبی را تشریح کند. **خلاصه** ۱- در روز قیامت زمانیکه انسان ها زنده میشوند با سفارش خواهی حضرت محمدﷺ شمارش اعمال شروع می شود اعمالنامهٔ مردم نیکو کار به دست های راست و از مردم بد کار به دست چپ شان داده میشود ۲- وزن کردن اعمال در قرآن کریم و احادیث شریف ثابت شده است ۳- نیکی بدی را محومی کند (نیکی ها بدی ها را از بین میبرد) ۴- نیکی پس از ارتکاب گناه، مثل وضوء کردن و سپس دو رکعت نماز خواندن و از خدای تعالی مغفرت خواستن **ارزیابی** جهت اطمینان خویش با استفاده از سؤالات کتاب درسی با طرح چند سؤال شاگردان را ارزیابی می کند.
۱۰دقیقه	**کار خانه گی** شاگردان در بارهٔ اخلاق نیکو یک مقاله نوشته ودر ساعت بعد باخود بیاورند.

درس: دوم

عنوان: حوض

صفحه: ۵

وقت: (یک ساعت درسی)

اهداف: شاگردان باید

- دلایل اثبات حوض را به صورت دقیق بدانند.
- حکم ایمان داشتن به حوض را بیان کرده بتوانند.
- اشخاص محروم از حوض را درک کنند و به دیگران بیان کنند.
- ارزش آب حوض را درک نمایند.

دانش لازمی

حوض

حوضی که برای پیغمبرﷺ در روز آخرت داده می شود، در احادیث و آیهٔ قرآنکریم ثابت است. دلیل ثبوت حوض کوثر سوره کوثر است که خداوند فرموده است: (**إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ**) ای پیغمبر! ما کوثر را به تو عطا کردیم. آنچه که از اختلاف روایات راجع به مکان آن مطرح می شود این است که آیا این حوض در موقف {محل تجمع مردم در محشر قبل از عبور از صراط} است یا در جنت؟

موضوع این است که در قیامت دو حوض است: یکی در موقف و دیگری در جنت.

کوثر به معنای خیر فراوان است و فقط بر حوضی که خاص به رسول اللهﷺ است اطلاق شده است به روایت عبد الله بن عمر رسول اللهﷺ فرمود: {**حَوْضِي مَسِيرَةُ شَهْرٍ مَاؤُهُ أَبْيَضُ مِنْ اللَّبَنِ وَرِيحُهُ أَطْيَبُ مِنْ الْمِسْكِ وَكِيزَانُهُ اَكثَرُ مِن نُجُومِ السَّمَاءِ مَنْ شَرِبَ مِنْهَا فَلَا يَظْمَأُ أَبَدًا**} (متفق علیه)

ترجمه: طول کنارهٔ حوض من آنقدر است که در یک ماه پیموده شود وآبش از شیر سفید تر وبویش از مشک خوشبوتر و آبخور هایش بیشتر از ستارگان آسمان است، هرکس که از آن بنوشد هر گز تشنه نمی شود.

و نوشیدن از آن خاص برای مؤمنان است.

روش تدریس: سؤال و جواب، تشریحی و توضیحی، مباحثه

مواد ممد درسی:....

جریان درس

وقت	فعالیت ها
۵ دقیقه	- بعد از موضوعات مقدماتی درس گذشته را با طرح چند سؤال چنین ارزیابی می کند: ۱_ اعمال انسانها چی وقت وزن می شود؟ ۲_ کی میتواند دلایل اثبات وزن کردن اعمال انسانها را بیان نماید؟ ۳_ کی میتواند اسباب محو کردن گناهان را بیان کند؟ بعد از شنیدن جوابات عنوان درس جدید (حوض) را روی تخته نوشته و برای شاگردان هدایت میدهد تا درس را خاموشانه مطالعه نمایند.
۳۰دقیقه	_ استفاده از وقت: عناوین جانبی: ✓ تعریف حوض ✓ دلایل اثبات حوض ✓ حکم ایمان داشتن به حوض ✓ کدام اشخاص از حوض محروم اند درس را روی تخته می نویسد. _ در مورد حوض معلومات میدهد. _ از چند شاگرد میخواهد تا با استفاده از عناوین جانبی، درس را تشریح نمایند.
۱۰ دقیقه	در اخیر درس را جمع بندی نموده و چنین خلاصه کنید: - **خلاصه** - حوض محل تجمع آب را گویند و در این جا مراد از حوضی است که الله تعالی به پیامبر خود جهت تکریم و نوازش آن حضرت عنایت فرموده تا امت ایشان از آن بنوشند - حوضی را که الله تعالی در آخرت به پیامبر ارزانی می فرماید در قرآن کریم و احادیث نبوی ﷺ ثابت گردیده است - کسانی که ایمان و یقین به وجود حوض رسول الله ﷺ را به جانکرده اند از حوض رانده شده و هیچگاه از آن آب نخواهد نوشید.
۵ دقیقه	**ارزیابی** جهت اطمینان خویش با استفاده از سؤالات کتاب درسی شاگردان را ارزیابی کنید. **کار خانه گی** شاگردان در مورد اینکه در کدام صورت اشخاص از حوض محروم میشوند در کتابچه های خود یک مقاله بنویسند و در ساعت بعدی با خود بیاورند.

درس: سوم

عنوان: صراط

صفحه: ۸

وقت: (دو ساعت درسی)

اهداف: شاگردان باید

- صراط را به صورت درس بدانند.
- دلایل اثبات صراط را بیان نمایند.
- حال عبور کننده گان از پل صراط را درک کرده به دیگران بگویند.

صراط

در حشر مقام دیگری هست که به قبول آن مکلف و نام آن صراط است.

صراط عبارت از پلی که بر فراز دوزخ ترتیب گردیده، و نزدیک آن مقام دیگریست که بنام ظلمت یا سیاهی یاد میشود وقتیکه مردم از ایستگاه حشر جدا شوند در همین ظلمت و سیاهی داخل شوند که حالت مذکور را حدیث شریف چنین بیان کرده است: بی بی عائشه رضی الله تعالی عنها فرموده اندکه از رسولﷺ پرسیده شد روزیکه این زمین بدل و آسمان در هم پیچیده شود مردم کجا خواهند بود در جواب رسولﷺ فرمودند: که مردم در ظلمت جائیکه نزدیک صراط است آنجا میباشند. در این مقام منافقین از مؤمنین جدا می شوند و میان آنها دیواری (پرده) کشیده می شود به مؤمنان به مقدار اعمال نیک شان از جانب خداوندﷻ نور و روشنائی داده می شود. هر مؤمن به تناسب عمل نیک نور و روشنایی خود هنگام عبور از پل صراط سرعت رفتار نشان میدهد، ورود به پل صراط برای هر کسی یک امر حتمی بوده و آیهٔ مبارکه ذیل چنین بیان می کند:

«وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا»[1]

ترجمه: و نیست از شما هیچکس مگر رسنده به آن؛ هست این وعده بر پروردگار تو لازم مقرر.

« ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا»[2]

ترجمه: باز، رستگاری می دهیم آنان را که می ترسیدند، و می گذاریم ظالمان را در آن به زانو در افتاده.

روش تدریس: سؤال و جواب، مباحثه و تشریح

مواد ممد درسی:

---

[1] ـ سورهٔ مریم آیهٔ ۷۱

[2] ـ سورهٔ مریم آیهٔ ۷۲

جریان درس

وقت	فعالیت ها
۵ دقیقه	- بعد از موضوعات مقدماتی با طرح چند سؤال درس گذشته را چنین ارزیابی می کند: ۱_ کی میتواند دلایل اثبات حوض را بیان کند. ۲_ کدام اشخاص اند که به حوض راه داده نمی شوند. ۳_ کی میتواند حکم ایمان را در بارهٔ حوض بیان کند؟ بعد از شنیدن جوابات عنوان درس جدید (صراط) را روی تخته نوشته و برای شاگردان هدایت میدهد تا درس را خاموشانه مطالعه نموده و نکات مهم درس را باخود یاد داشت می نماید. با استفاده از وقت، عناوین جانبی درس را روی تخته نوشته و هر یک را برای شاگردان تشریح می نماید. ✓ تعریف صراط ✓ دلیل اثبات صراط ✓ صفت پل صراط ✓ حال عبور کننده گان از پل صراط ✓ ایمان داشتن به صراط _ از چند شاگرد می خواهد تا مقابل صنف آمده هر کدام یک عنوان جانبی درس را تشریح نمایند. _ در اخیر درس را جمع بندی نموده و خلاصه می کند.
۳۰دقیقه	**خلاصه** ۱- صراط از نظر لغت به مفهوم راه کلان است و در اصطلاح عبارت از پلی است که برای همهٔ مردم در روز قیامت بالای جهنم اعمار می گردد، مردم نیک از بالای آن عبور می نماید و مردم بد کار از بالای آن به جهنم می افتد. ۲- پل صراط و عبور کردن از آن به قرآن کریم و احادیث نبوی و اجماع امت ثابت شده است ۳- در قرآنکریم پل صراط به صورت اجمالی یاد شده مگر در احادیث شریف معلومات کافی و موجه ارائه گردیده است. ۴- عبور کنندگان پل صراط نظر به اعمال شان یکسان نمی باشند. ۵- ما باور کامل و ایمان جازم داریم که در روز قیامت الله تعالی بر فر از دوزخ پل صراط را می نهد و انسان ها از آن عبور می کنند. **ارزیابی** جهت اطمینان خویش با استفاده از سؤالات کتاب درسی با طرح چند سؤال شاگردان را ارزیابی می کند.
۱۰دقیقه	**کار خانه گی** شاگردان در بارهٔ عبور انسان ها از پل صراط یک مقاله نوشته ساعت بعدی با خود بیاورند.

درس: چهارم

عنوان: جنت

صفحه: ۱۰

وقت: (دو ساعت درسی)

اهداف: شاگردان باید:

- دلایل اثبات جنت را به صورت درست بدانند.
- ورود جنتی ها به جنت را بگویند.
- ایمان داشتن به وجود جنت را درک کرده و آنرا به دیگران بیان کنند.

بهشت

بهشت، سرای نعمت و خوشی است که مومنان وارد آن می شوند و برای همیشه در آن به سرمی برند در بهشت نه گرما و نه سرما، نه بیماری و نه مرگ است آن و ساکنانش از بین نمی روند خداوند در مورد مومنان و خلودشان در بهشت فرموده است:" **أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ** " اینان اهل بهشت بوده و جاویدان در آن خواهند ماند و در آیهٔ ۱۰۷و ۱۰۸ سورهٔ کهف میفرماید: "**إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا**" بیگمان کسانیکه ایمان آورده اند و کار های شائسته کرده اند باغ های بهشت جایگاه پذیرائی از ایشان است و جاویدانه در آنجا میمانند. ده ها آیه و صدها حدیث شریف در مورد ثبوت جنت موجود است بنا بر همین دلیل علما منکرین بهشت را کافر می پندارند یعنی کسانیکه از وجود بهشت منکر میشوند کافر میگردند.

طوریکه از آیات و احادیث نبوی معلوم میگرد نعمات بهشت خیلی ها زیاد بوده که بیان آن از حوصله این عنوان خارج است معلمان و استادان گرامی میتوانند از مطالعهٔ کتب آنرا به دست آورند.

ولی ما در اینجا صرف به ذکر چند شخص مستحق بهشت که قرآنکریم از آنها یاد آور شده است می پردازیم. خداوندﷻ جنت را برای انانی اماده ساخته است که ایمان به خداوندﷻ و رسول و رسالت اسلام دارند و این گروه را خداوند در قرآنکریم به این او صاف یاد نموده است.

۱. متقین: (**لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِندَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ**) ال عمران
۲. أبرار: (**إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِن كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا**) دهر
۳. صادقون: **هَذَا يَوْمُ يَنفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ**. مائده
۴. طائعون: (**وَمَن يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ**) نساء
۵. مؤمنین با استقامت: (**إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۱۳) أُوْلَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاء بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ**) (احقاف)
۶. مؤمنین نیکوکار: (**وَبَشِّرِ الَّذِين آمَنُواْ وَعَمِلُواْ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ**) بقره
۷. مقربون: (**فَأَمَّا إِن كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ (۸۸) فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّةُ نَعِيمٍ**) الواقعه

علاوه بر اشخاص فوق قرآنکریم صالحین آنانیکه به بخدا و رسول و روز آخرت ایمان آورده اند و آنانیکه شرک نور زیده اند، تائبون، خاشعون، قائمون بالليل، ساجدون، منفقون، مهاجرون، انصار، مهاجرین، و صابرون و امثالهم را نیز به

بدخول بهشت وعده داده و از ایشان یاد آوری نموده است: "وَالسَّابِقُونَ الأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالأَنصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُم بِإِحْسَانٍ رَّضِيَ اللّهُ عَنْهُمْ وَرَضُواْ عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ ".

روش تدریس: سؤال و جواب، مباحثه، توضیحی و تشریحی

مواد ممد درسی:

جریان درس

وقت	فعالیت ها
۵ دقیقه	- بعد از ادای سلام از موضوعات مقدماتی با طرح چند سؤال درس گذشته را چنین ارزیابی می کند: ۱. کی میتواند بگوید که در قیامت، اولتر از همه کی از پل صراط عبور می کند؟ ۲. پل صراط حقیقی است و یا مجازی. ۳. پل صراط در کجا گذاشته می شود؟ - بعد از شنیدن جوابات عنوان درس جدید (جنت) را روی تخته نوشته و برای شاگردان هدایت میدهد تا درس جدید را خاموشانه مطالعه نمایند. _ با استفاده از وقت در طرف است تخته عناوین جانبی درس را و در طرف چپ تخته آیات و احادیث را که در درس ذکر شده است؛ چون: {سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ} با خط درشت و خوانا می نویسد. • تعریف جنت • دلایل اثبات جنت • جنتی ها • ورود جنتی ها به جنت • ایمان داشتن به وجود جنت _ هریک آیات را که در درس ذکر شده است به ترتیل چندین بار میخواند تا در ذهن شاگردان جاگزین شود. _ از چند شاگرد میخواهد تا آیات و حدیث که در درس ذکر شده است هر کدام به نوبه یک آیت را
۳۰ دقیقه	بخواند. _ در اخیر، درس را جمع بندی نموده و خلاصه می کند. **خلاصه** - جنت واژهٔ عربی است و به معنا باغ فراخ و گسترده میاید که زمین آن با درختان گوناگون پوشانیده شده باشد - در شرع شریف جنت عبارت از آن خانهٔ است که الله ﷻ برای مؤمنان آماده ساخته که همیش در آن بودوباش خواهد کرد.

۱۰دقیقه	- دلایل اثبات وجود جنت به آیات قرآنکریم و احادیث شریف ثابت گردیده است. - اهل جنت گروه گروه شادمان و سواره به سوی آن راه می افتد. - عقیده و باور باید داشت که الله تعالی جنت را قبل از پیدایش دیگر مخلوقات آفریده است و اکنون هم موجود است. **ارزیابی** با طرح چند سؤال شاگردان را ارزیابی می کند. **کار خانه گی** شاگردان در مورد اعمال نیکویی که سبب دخول انسان ها به جنت می شود در کتابچه های خود بنویسند و آنرا حفظ کنند. به شاگردان وظیفه دهید که تا در مورد اعمال نیکو یی که سبب دخول انسان ها به جنت می شود مقاله یی بنویسند.

درس: پنجم

عنوان: جهنم

صفحه: ۱۳

وقت: (دو ساعت درسی)

اهداف: شاگردان باید:

- جهنم را به صورت دقیق بدانند.
- دلایل اثبات آنرا بیان نمایند.
- چگونگی عذاب دوزخیان را درک کرده و آنرا به دیگران بگویند.

جهنم

دوزخ سرای کیفر است کافران جاودان در آن به سرمی برند؛ قرآنکریم این موضوع را چنین وانمود میکند: (**إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ**)([1]) البینه آیه ۱۶ مسلماً کافران اهل کتاب و مشرکین جاودانه در میان آتش دوزخ خواهند ماند. وآیه ۷۷ سورهٔ زخرف قسمی از احوال شانرا چنین بیان میکند: (**وَنَادَوْا يَا مَالِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُمْ مَاكِثُونَ**) فریاد میزنند (دوزخیان) ای مالک (ای رئیس فرشته گان نگهبان دوزخ) پروردگارت مارا بمیراند و نابود مان گرداند (تا پیش از این رنج نبریم) مالک گوید هراینه نما همیشه باشنده گانید و این جهنم را قرآنکریم چنین وصف مینماید: (**إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصْلِيهِمْ نَارًا**) نسأ آیه ۵۶.
و در سورهٔ انفال فرموده است که: (**وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ**) و در سوره کهف میفرماید (**إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نُزُلًا**) و هکذا دخول کفار، منافقین، مجرمین، غاوون، ظالمون، طاغون و کسانی که زنده گی دنیا را بر آخرت ترجیح داده اند همچنان فساق و فجار و امثال اینها را یکایک در آیات قرآن پاک خود با اوصاف و اندازه و مکان آن معرفی نموده است و نیز بیان نموده است که چگونه این آتش به مجرمین پیش کرده می شود وهست آتش را طبقات و ابواب (دروازه ها) و ملائکه موظف و هست دوزخ را سرپرده ها و شراره های عظیمی از آتش وهست در دوزخ اقسام عذاب دردناک گردن بندهای آتشین و خوراک آنها و شراب یعنی نوشیدنی ایشان همه عذاب کننده است (**إِنَّ شَجَرَتَ الزَّقُّومِ (٤٣) طَعَامُ الْأَثِيمِ**) و در سورهٔ غاشیه میفرماید: (**لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ (٦) لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ**) و در مور نوشیندنی ایشان فرموده است: (**لَهُمْ شَرَابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ**) و اینکه این خورد و نوش چه اثرات منفی و عذاب عظیم در وجود دوزخیان دارد از آیات دیگر معلوم میگردد و استادان میتوانند در مورد نعیم جنات و کیفیت دوزخیان و احوال بهشتیان و دوزخیان از تفاسیر معلومات کافی به دست آرند.

روش تدریس: سؤال و جواب، مباحثه، تشریح و مسابقه

مواد ممد درسی:

[1] البینه آیهٔ۶

جریان درس

وقت	فعالیت ها
۵ دقیقه	- بعد از موضوعات مقدماتی با طرح چند سؤال درس گذشته را چنین ارزیابی میکند: ۱_ جنتی ها چطور به جنت برده می شوند؟ ۲_ کی میتواند دلایل اثبات جنت را بگوید؟ ۳_ حکم ایمان در مورد به جنت چگونه است؟
۳۰ دقیقه	بعد از شنیدن جوابات عنوان درس جدید (جهنم) را روی تخته می نویسد. - قبل از آغاز درس در رابطۀ به مزایای جنت و تلخی های دوزخ مختصراً تبصره می نماید. _ با عناوین جانبی درس را روی تخته می نویسد. • تعریف جهنم • دلایل اثبات دوزخ • جهنمی ها • بردن دوزخیان به جهنم _ با استفاده از عناوین جانبی، درس را برای شاگردان تشریح می کنید. _ از چند شاگرد می خواهد تا هر کدام یک عنوان جانبی درس را تشریح کند. در اخیر درس را جمع بندی نموده و چنین خلاصه می کند. **خلاصه** - جهنم به معنا کنده وگودال است و در اصلاح شرح جهنم نام آن آتشی است که الله تعالی جهت تعذیب و مجازات کفار و مسلمانان گنهگار آفریده است - جهنم جای ابدی و دایمی کافران است و مسلمانان گنهگار به اندازۀ جرم و گناه شان در دوزخ عذاب می شوند - جهنم جای کافران، منافقان، مجرمان، ظالمان، گمراهان دوستداران دنیا در برابر آخرت، بد کرداران و جایگاه کسانی است که با الله ﷻ و با رسول او تعالی دشمنی می ورزند ایمان به موجودیت دوزخ فرض است و کسیکه منکر آن باشد از دائره اسلام خارج می شود. **ارزیابی** جهت اطمینان خویش با استفاده از سؤالات کتاب درسی با طرح چند سؤال شاگردان را ارزیابی می کند.
۱۰ دقیقه	**کار خانه گی** - برای شاگردان هدایت میدهد درس ششم (نواقض ایمان) را درست خوانده و در ساعت بعدی آنرا تشریح نمایند.

درس: ششم

عنوان: نواقض ایمان (شرک اکبر)

صفحه: ۱۷

وقت: (دو ساعت درسی)

اهداف: شاگردان باید:

- شرک در ذات، صفات، تصرفات و عبادت را به صورت درست بدانند.
- اقسام شرک اکبر را بیان نمایند.
- حکم شرک اکبر را درک کرده و به دیگران بیان کرده بتوانند.

نواقض ایمان (شرک اکبر)

شرک از نواقض ایمان است که ذیلا معنای شرک و اضرار آن بیان می گردد.

شرک که در لغت حصه و قسمت راگویند و در شریعت شرک ضد توحید بوده، چنانچه ایمان ضد کفر است پس شرک حصه دادن به کسی در توحید الله راگویند یا به عباره دیگر شرک عبارت است از: شریک گردانیدن چیزی با الله تعالی در آنچه که تنها حق الله ﷻ باشد، چنانچه به غیر الله طاعت و عبادت گردیده و از آنها طلب استعانت شود و یا با غیر الله محبت افراطی صورت گیرد و یا با غیر الله چنان معامله صورت گیرد که مستحق آن الله ﷻ میباشد.

پس اگر انسان به همچو شرک بمیرد تمام اعمال اونزد الله تعالی غیر مقبول است حتی شرک صلاحیت هیچ نوع عمل پسندیده راندارد؛ زیرا نخستین شرط قبول و صلاحیت عمل ایمان است.

الله تعالی میفرماید: "**فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا**" الکهف آیه: ۱۱

ترجمه: پس هرکسیکه امید دارد لقای پروردگار خود را پس باید بکند کار پسندیده و در عبادت پروردگار خود کسی را شریک نسازد.

شرک به دو نوع است: شرک اکبر، شرک اصغر.

شرک اکبر

عبادت به غیر الله، شریک ساختن غیر در ربوبیت و الوهیت ویا برابر کردن غیر الله با الله تعالی را شرک اکبر گویند.

و شرک اکبر عبارت از گناهی است که اگر انسان بر آن بدون توبه بمیرد به هیچ صورت آمر زیده نمی شود؛ چنانچه الله تعالی میفرماید: (**إِنَّ اللّهَ لاَ يَغْفِرُ أَن يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَن يَشَاء**) نسأ: ۱۱۶

ترجمه: هر آئینه الله نمی آمر زد انرا که شرک آرد بروی و آمر زد سوی شرک کسی راکه خواهد (که برایش مغفرت نماید) هم چنان در رابطهٔ با شرک اکبر الله تعالی می فرماید: (**مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ**) المائده آیه: ۷۲

ترجمه: هر آیینه کسیکه شریک قرار دهد به الله پس به راستیکه حرام کرده است الله بروی بهشت را جای او دوزخ است ونیست ستمگاران را هیچ یاری دهنده

روش تدریس: سؤال و جواب، مباحثه، تشریح و گروهی

مواد ممد درسی:

جریان درس

وقت	فعالیت ها
۵ دقیقه	- بعد از موضوعات مقدماتی طرح چند سؤال درس گذشته را چنین ارزیابی می کند: ۱_ کی میتواند دلایل اثبات دوزخ را بیان کند. ۲_ کدام اعمال سبب داخل شدن انسان به دوزخ شود. ۳_ دوزخ جای کدام مردم است؟ ۴_ دوزخیان چگونه به طرف دوزخ کشانیده می شوند؟
۳۰ دقیقه	- بعد از شنیدن جوابات از شاگردان می پرسد عنوان درس امروز چیست؟ بعد از شنیدن جواب عنوان درس(نواقض ایمان شرک اکبر) راهمرا با عناوین جانبی آن که عبارت اند از: • تعریف شرک • شرک در ذات و صفات • شرک در عبادت • اقسام شرک • شرک در طاعت • شرک در محبت • حکم شرک اکبر روی تخته می نویسد. - از چند شاگرد می خواهد تا درس را تشریح نمایند. - از شاگردان میپرسد که شرک در دعا چگونه است؟ و چگونه باید شخص مؤمن دعا کند. در اخیر درس را چنین خلاصه می کند.
۱۰ دقیقه	**خلاصه** - شرک درلغت حصه و قسمت را گویند و در اصطلاح در ذات و صفات تصرفات و عبادت الله تعالی به شریک قایل شدن را شرک گویند. - شرک به دوگونه است: شرک اکبر، شرک اصغر - حکم شرک اکبر مرتکب این نوع شرک را مشرک گفته می شود و تا ابد در دوزخ می ماند. **ارزیابی** جهت اطمینان خویش با استفاده از سؤلات کتاب درسی با طرح چند سؤال شاگردان را ارزیابی می کند. **کار خانه گی** شاگردان در بارۀ اقسام شرک نظریات خود را در کتابچه های خود بنویسند.

درس: هفتم

عنوان: شرک اصغر

صفحه: ۲۰

وقت: (دو ساعت درسی)

اهداف: شاگردان باید:

- شرک اصغر را با اقسام آن درست بدانند.
- شرک آشکار در میان افعال را بیان نمایند.
- شرک خفی را درک کرده و آنرا به دیگران برسانند.

شرک اصغر

ریا شرک اصغر عبارت از معاصی است که به اندازه شرک اکبر نرسیده باشد. مثل:

و اگر کسی بر شرک (که بر آن مداومت نموده قبل از توبه) بمیرد خوف آن میرود که بر شرک مرده باشد.

برخی علما شرک را از سه نوع ذیل خارج نمیدانند.

۱. شرک اکبر که اسلام را نفی میکند، یعنی کسیکه از وی شرک اکبر صادر گردد از دین خارج گردیده و تمام اعمال او ضائع می شود.

۲. شرک اصغر که در جمله گناهان کبیره محسوب میگردد.

۳. شرک خفی که فقط عملی را باطل می نماید که شرک در آن واقع گردیده است.

پس شرک دا رای انواع مفاسد است که چندی از آن ذیلاً بیان میگردد.

الف: شرک سبب تذلیل و اهانت انسان میگردد شریک گرفتن به الله تعالی در حقیقت توهین کرامت انسانی و تذلیل حیثیت او محسوب میگردد. زیرا الله تعالی همراه باعلمی که به انسان داده تمام موجودات زمین و اسمان را برای انسان مسخر گردانیده است؛ ولی انسان با وجود این فضیلت و امتیاز قدر خود را نشاخته و عناصر و اجزای این کائنات را (که الله تعالی برایش مسخر گردانیده) برای خود الهه و معبودان گرفته و به آن تضرع و بنده گی می نماید و بدین ترتیب حیثیت خود را پائین می آورد الله تعالی در این مورد میفرماید: (**وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ**) فصلت: ۲۷.

ترجمه: از دلائل قدرت او (الله) شب و روز و آفتاب و مهتاب است سجده نکنید افتاب و مهتاب را و سجده کنید الله را که آفرید این چیزها را اگر هستید که خاص او را عبادت میکنید

ب: شرک اشیانه خرافات است:

ج- شرک ظلم بزرگ است: خداوند شرک را ظلم بزرگ خوانده است و میفرماید: (**إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ**) سورۀ لقمان. مشرک برخلاف حقیقت یک چیز رابه خدایی گرفته وکسی دیگر جز الله تعالی را رب خود می گوید پس این

ظلم است که در مقابل خداوند ﷻ نموده است زیرا خود را بنده مخلوقی مثل خود گردانیده در حالیکه الله تعالی او را آز او حُرّ (آزاد) خلق نموده است؛ و همچنان این عمل وی بردیگران نیز ظلم است؛ زیرا به او انچه را قائل شده که حق او نیست.

(د): شرک مصدر خوف وبی اطمینانی است چون کار درست را اختیار نکرده است. عقل وی هم اطمینان کامل پیدا نمی کند؛ پس از جوانب مختلف در هراس و او هام می باشد و خداوند این مطلب را چنین بیان میکند: "**سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا**" آل عمران: ۱۰۱

ترجمه: اکنون می افگنیم در دلهای کافران هیبت را به آن سبب که شریک قرار دادند با الله چیزی را که فرود نیاورده الله به آن هیچ دلیل.

(هـ): شرک سبب تأخیر کارهای مفید میگردد شرک بنا بر عقیده یی که الهه و معبودان در مورد جرائم وی نزد الله شفاعت او را خواهند کرد به اتکا وتوکل برمشفعین مرتکب انواع گناه و جرایم میگردند خداوند در ین مورد میفرماید: "**وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ**" یونس: ۱۸

ترجمه: و می پرستند این مشرکان به جز الله ﷻ چیزی را که ضرر نکند ایشانرا و سود نرساند ایشانرا میگویند (مشرکان) این ها شفیعان ما اند نزد الله ﷻ.

برخی از اعمال شرک:

۱. رفتن به زیارت به قسمیکه عقیده کند که صاحب قبر بر حال من آگاه است و حاجت مرا رفع میکند.
۲. هر گونه عبادت مالی و بدنی که برای شخص منحیث عقیده صورت گیرد.
۳. نسبت دادن هرگونه علم غیب به شخص.
۴. هر ذبح که به غیر نام الله صورت گیرد.
۵. هر نذریکه برای غرض نزدیکی به یک شخص غیر از خداوند تعالی باشد.
۶. سوگند یاد کردن به غیر الله ﷻ در حال داشتن اعتقاد و احترام.
۷. انداختن کره ها مهره ها و امثال آن به امید شفاء.
۸. عمل سحر، کهانت و جادو و فال حرام و از جمله شرکیات محسوب می شود و کسانی که به آن اعتقاد و باور دارند مشرک هستند زیرا در سحر علاوه از خداوند از جنیات و شیاطین استعانت خواسته می شود.

روش تدریس: سؤال و جواب، مباحثه، تشریح و گروهی

مواد ممد درسی:

جریان درس

وقت	فعالیت ها
۵ دقیقه	- بعد از موضوعات مقدماتی با طرح چند سؤال درس گذشته را چنین ارزیابی می کند: ۱_ کی میتواند بگوید که شرک به چند گونه است؟ ۲_ شرک در قصد و نیت چه را می گویند؟ ۳_ شرک اکبر به چند قسم است؟ ۴_ آیا الله ﷻ مشرک را خواهد بخشید؟ بعد از شنیدن جوابات عنوان درس جدید (شرک اصغر) را روی تخته نوشته و برای شاگردان هدایت میدهد تا درس جدید را خاموشانه مطالعه نمایند.
۳۰ دقیقه	با استفاده از وقت عناوین جانبی درس را روی تخته می نویسد و درس جدید را برای شاگردان مفصلاً تشریح می نماید. ✓ تعریف شرک اصغر ✓ شرک آشکارا ✓ الفاظ، افعال شرک ✓ شرک خفی در بارۀ پیوند درس جدید با درس گذشته از شاگردان میپرسد که: ۱_ تفاوت میان شرک اکبر و شرک اصغر چیست؟ ۲_ هدف حدیث شریف که پیامبرﷺ فرموده: «**مَنْ حَلَفَ بِغَيْرِ اللَّهِ فَقَدْ كَفَرَ أَوْ أَشْرَكَ**» چیست؟ و چه نوع قسم را در برمی گیرد. ۳_ اشخاصیکه به سر فرزندان خود و یا بر سر پدر و مادر خود قسم میخورد آیا در حکم این حدیث شامل است و یا خیر. - بعد از شنیدن جوابات خلاصه درس را چنین بیان می کند.
۱۰ دقیقه	**خلاصه** - شرک اصغر عبارت از گناهی است که الله تعالی در آیات و یا حضرت پیامبراکرمﷺ در احادیث برای سرزنش و تهدید آن را به نام شرک یاد نموده اند - شرک اصغر به دو نوع است ۱- اشکارا در میان الفاظ و افعال می آید ۲- افعال؛ مانند: این که کسی برای دفع بیماری های خود از چیزهای استفاده کند که از جانب الله تعالی مفید معرفی نگردیده است. - شرک خفی در اراده و نیت ها؛ مانند: ریاء که بد ترین اعمال است. **کار خانه گی**
۵ دقیقه	شاگردان در بارۀ شرک خفی در کتابچه های خود معلومات بنویسند. به شاگردان هدایت دهید تا در باره شرک خفی مقاله یی دو سطری بنویسند.

درس: هشتم

عنوان: کفر اکبر

صفحه: ۲۲

وقت: دو ساعت درسی

اهداف: شاگردان باید:

۱ – کفر اکبر را بدانند.

۲- نص شرعی درس را حفظ نمایند.

۳- کفر اکبر را شرح کرده بتوانند.

۴- حکم کفر اکبر را بدانند.

شرح و معلومات از کفر اکبر:

....

....

روش تدریس: سؤال و جواب، مباحثه، تشریح و گروهی

مواد ممد درسی

جریان درس

وقت	فعالیت ها
۵ دقیقه	– بعد از موضوعات مقدماتی با طرح چند سؤال درس گذشته را چنین ارزیابی می کند: ۱_ کی میتواند شرک اصغر را تعریف نماید؟ ۲_ شرک اصغر به چند گونه است؟ ۳_ شرک اکبر به چند قسم است؟ ۴_ حکم شرک اصغر را بیان کنید.
۲۵ دقیقه	بعد از شنیدن جوابات عنوان درس جدید(کفر اکبر) را روی تخته نوشته و برای شاگردان هدایت میدهد تا درس جدید را خاموشانه مطالعه نمایند. با استفاده از وقت عناوین جانبی درس را روی تخته می نویسد و درس جدید را برای شاگردان مفصلاً شرح می نماید. ● تعریف کفر ● اقسام کفر أ) کفر دروغ شمردن ب) کفر انکار و خود بزرگ شمردن ج) کفر شک و تردید و یقین نداشتن به صدق پیامبرﷺ د) کفرر و بر تافتن و اعراض کردن

	ی) کفر نفاق • اقسام نفاق • حکم کفر اکبر در بارهٔ پیوند درس جدید با درس گذشته از شاگردان میپرسد که: ۱_ تفاوت میان کفر اصغر و کفر اکبر چیست؟ – بعد از شنیدن جوابات خلاصه درس را چنین بیان می کند.
۱۰ دقیقه	**خلاصه** - کفر در لغت پنهان نمودن چیزی را گویند و در اصطلاح علم عقاید به آنچه ضد ایمان است، کفر گفته می شود. - کفربر دو قسم است: الف) کفر بزرگ، ب) کفر کوچک که بر این دو کفر اکبر و کفر اصغر می گویند. شرک اصغر عبارت از گناهی است که الله تعالی در آیات خویش و یا حضرت پیامبراکرمﷺ در احادیث خود برای سرزنش و تهدید آن را به نام شرک یاد نموده اند
۵ دقیقه	**کار خانه گی** شاگردان در بارهٔ شرک خفی در کتابچه های خود معلومات بنویسند.

درس: نهم

عنوان: کفر اصغر

صفحه: ۲٦

وقت: دو ساعت درسی

اهداف: شاگردان باید:

۱ – کفر اکبر و اصغر را از هم فرق کرده بتوانند

۲- نص شرعی درس را حفظ نمایند

۳- کفر اصغر را شرح کرده بتوانند

۴- حکم کفر اصغر را بدانند

شرح و معلومات:

....

....

دانش لازمی

معنای کلمات: (حجه الوداع) به آخرین حج رسول خدا اطلاق میشود.

روش تدریس: سؤال و جواب، گروپی و انفرادی، توضیحی و تشریحی

مواد ممد درسی: کتاب، تخته، تباشیر

وقت	فعالیت ها
۵دقیقه مقدمه	بعد از موضوعات مقدماتی با طرح چند سؤال درس گذشته را ارزیابی می کند. طور مثال: کی می تواند انواع نفاق را شرح کند؟
۲۵دقیقه تقـــدیم درس	بعد از ارایۀ جوابات از یک شاگرد میخواهد تا عنوان درس و این عناوین جانبی درس را روی تخته بنویسد: تعریف کفر اصغر اقسام کفر اصغر مثال های کفر اصغر حکم این گونه کفر برای شاگردان وظیفه میدهد تا درس را خاموشانه مطالعه نمایند. و خود در عین حال صنف را کنترول نموده اصطلاح حجۀ الوداع را روی تخته شرح می کند در رابطۀ به درس صحبت مختصر نموده از یک شاگرد میخواهد تا نص حدیثی را که درین مورد وارد شده روی تخته بنویسد. از یک شاگرد دیگر می خواهد تا نص را ترجمه کند.

	با استفاده از عناوین جانبی درس را برای شاگردان تشریح می کند. از چند شاگرد می خواهد تا هرکدام به نوبه خود یک عنوان جانبی را تشریح نمایند شاگردان را به چند گروپ مناسب تقسیم نموده برای شان وظیفه میدهد تا در مورد مفهوم و محتوای درس بین هم گفتگو و بحث نمایند و خود در عین حال متوجه سخنان و بحث شاگردان میباشد. **ارزیابی** جهت اطمینان یادگیری درس شاگردان را توسط سؤالات کتاب درسی ارزیابی می کند.
۱۰ دقیقه	خلاصه: این درس در نکات ذیل خلاصه میشود. ۱- کفر اصغر در ذات خود گناه کبیره ا ست؛ اما از روی توبیخ و سر زنش نسبت کفر به آن شده است. ۲ – در این حدیث (سبابُ المسلم فسوقٌ وقتالهُ کفرٌ) مراد از کفر کفر ا صغر است. ۳- کفر اصغر منافی ایمان نمی شود؛ اما گناهی است بسیار بزرگ. ۴- هر گناهی که توسط نص شرعی اطلاق کفر برآن شده همانا کفر اصغر میباشد.
۵ دقیقه	**کارخانه گی** برای شاگردان وظیفه میدهد تا در مورد کفر اصغر تحقیق نموده و یک مقاله ده سطری بنویسند.

درس: دهم

عنوان: بدعت

صفحه: ۲۸

وقت: (دو ساعت درسی)

اهداف: شاگردان باید:

- بدعت را به صورت درست بدانند.
- تعریف بدعت را بیان نمایند.
- دلایل ناروا بودن بدعت را درک کرده و به دیگران برسانند.

بدعت

بدعت یکی از خطرناک ترین ویروس ها یی ست که هر دینی را از اصالت و صفات آن کشیده و آنرا منحیث یک پدیده شوم به جهانیان معرفی میدارد، شیطان که خطرناکترین دشمن انسانیت است در لباس انس و جن تبارز نموده مؤمنانرا به بیراهه میکشاند، و با داخل نمودن بدعت های مختلف هر زمانی پیروان پیغمبران را گمراه می کند. بدعت، عقیدهٔ تثلیت را در پیروان عیسی، و عبادت گوساله را در پیروان موسی علیه السلام رائج ساخت، و پیروان ابراهیم علیه السلام را در اطراف کعبه از طواف اخلاقی به طواف در حالت برهنه گی کشانید. این بدعت ها ست که مردم آنرا به اشکال مختلف در ادوار و زمانه های مختلف داخل عقیده توحید میگرداند، و یا مناسک دین را منحیث یک پدیدهٔ غیر معقول به مردم معرفی مینماید، و گاهی هم بدعت ها، رواج ها به دست دشمنان و زمانی هم به دست دوستان جاهل به یک عقیده و یا مناسک دینی مقدس مبدل میگردد.

بدعت

بدعت در لغت مطلقاً نو آوری را گویند ومعنی آیه: "**بد یع السموات والارض**" خداوند نوآورنده آسمانها و زمین است؛ هم همین است؛ زیرا آنها را خداوند جل جلاله جدید خلق کرده است که قبلاً وجود نداشت و بدعت در اصطلاح شریعت نوآوری در احکام اسلامی میباشد که اصل در شریعت اسلامی نداشته باشد. یعنی منظور از بدعت در شریعت چیزی راکه مخالف نصوص قرآنی وسنت نبوی باشد جزء دین پنداشتن است؛ مثلیکه مسیحیان حضرت عیسی علیه السلام را پسر خداوند دانسته اند و آنرا جزء دین پنداشته اند.

اقسام بدعت

بدعت دو نوع است:

۱- بدعت حسنه (نوآوری خوب)

۲- بدعت سیئه (نوآوری بدوزشت)

بدعت حسنه

نوآوری های راگویند که به دین تعلق نداشته؛ مثل نوآوری ها در وسایل زنده گی که میتوان برای اینگونه بدعت ها بدعت لغوی گفت نه بدعت اصطلاحی این گونه نو آوری ها (بدعت ها) در شریعت اسلام جایز و بنای بر ضرورت پسندیده است.

مثلاً.................................

بدعت سیئه

همان بدعت و نو آوری هاست در دین که در اساسات و احکام دین مقدس اسلام جا نداشته و اگر موجود هم شده باشد نا جائز و نو عی از گمراهی پنداشته شده باشد و پیغمبرﷺ آنگونه بدعت را ضلالت خوانده است و صاحبان آنرا اهل نار (اتش) معرفی نموده است.

بدعت سیئه یا بدعت اصطلاحی(بدعت گمراه کننده) پیامد ها و ضرر های منفی و خطرناک دارد و بزرگترین آسیب را برپیکر اسلام میرساند که ذیلاً چندی از آنرا ماده وار یاد آوری میکنم:

۱- بدعت کار با انجام بدعت خویش دین اسلام را ناقص معرفی میکند در حالیکه قرآن کریم به کمال دین ناطق است که: "**الیوم اکملت لکم دینکم**".

۲- انجام کار بدعت از بین بردن یک سنت رسول اللهﷺ و از ناحیۀ دیگر در انجام عمل بدعت تهمت به جناب رسول اللهﷺ صورت می گیرد.

۳- شخص بدعت کار از ناحیه عمل گناهگار است.

۴- بدعت کار نه تنها از انجام عملش ضربه به پیکر اسلام می زند؛ بلکه اشتباه خطر ناک دیگرش این است که سائر مردم غیر مسلمان را در دوری از اسلام تشویق میکند و حربه بدست ایشان می دهد تا بر علیه دین ایستاده گی کنند گویا دشمنان دین را در متهم نمودن دین مقدس اسلام همکاری مینماید.

۵- بدعت کار زمینه تنفر مسلمانان را از دین مهیا میگردانند. برای هر مسلمان لازم است تا میان عادات خود و عبادات فرق نماید هر کاریکه در نصوص دینی اساس نداشته باشد انرا ترک نماید. در بعضی از قسمت های کشور ما بعضی از عنعنات قومی قبیله یی: جزء عبادت پنداشته می شود در حالیکه این عادت نه تنها عبادت نیست؛ بلکه گناه بزرگ است.

روش تدریس: سؤال و جواب، بحث، تشریح و توضیح

مواد ممد درسی:

جریان درس

وقت	فعالیت ها
۵ دقیقه	- بعد از موضوعات مقدماتی با طرح چند سؤال درس گذشته را چنین ارزیابی می کند. ۱_ کی میتواند برای کفر اصغر چند دلیلی نقلی بیان کند؟ ۲_ حکم کفر اصغر چیست؟ ۳_ کی کفر اصغر را تعریف کرده میتواند؟
۳۰دقیقه	بعد از شنیدن جوابات عنوان درس جدید (بدعت) را روی تخته نوشته و برای شاگردان هدایت میدهد تا درس جدید را خاموشانه مطالعه نمایند. _ با استفاده از وقت عناوین جانبی درس را روی تخته نوشته و از یک شاگرد زکی میخواهد تا در مورد بدعت های که در جامعه مروج است نظر خود را بیان کند. • تعریف بدعت • بدعت در عقیده • دلایل ناروا بودن بدعت _ درس جدید را برای شاگردان مفصلاً تشریح می نماید. معلم محترم برای شاگردان هدایت می دهد تا در مورد اقامه کردن دین، آوردن امنیت، تعلیم و تربیهٔ، صحت و استقرار و عدالت در جامعه بین هم بحث نمایند.
۱۰ دقیقه	در اخیر درس، را جمع بندی نموده و چنین خلاصه می کند. **خلاصه** - بدعت یک واژهٔ عربی است و به مفهوم نو پیدا، نوآوری چیز نو و تازه را می گویند و در اصطلاح شرع چیز های نو و بکری را در دین پیداکردن که در زمان رسول الله ﷺ به آن نیاز نبود و کدام مانع هم موجود نداشت مگر با آن هم شریعت به آن امر نکرده ایجاد همچو پدیده را بدعت گویند. - بدعت در دین به ایجاد چیز های نو اطلاق می شود که قرآن و سنت به آن امر نکرده باشد. - نو آوری در امور دین در صورتی بدعت مذموم پنداشته میشود که در زمانهٔ رسول اکرم ﷺ انجام آن ممکن بود؛ ولی ایجاد نشد. - دلایل عدیدهٔ عقلی و نقلی به ناروا بودن بدعت دلالت دارند. - کسی که در دین ما چیزی نو را ایجاد کند که از اصل دین نباشد آن عمل مردود است. **ارزیابی** جهت اطمینان خویش با استفاده از سؤالات کتاب درسی شاگردان را ارزیابی می کند. **کار خانه گی** شاگر دان در بارهٔ دلایل ناروا بودن بدعت نظریات خود را نوشته و آنرا بیان کنند. برای شاگردان وظیفه دهید تا در بارهٔ دلایل ناروا بودن بدعت یک مقاله بنویسند.

درس: یازدهم

عنوان: مقام صحابۀ کرام

صفحه: ۳۲

وقت: (دو ساعت درس)

اهداف: شاگردان باید:

- مقام اصحاب کرام را درست بدانند.
- ویژه گی صحابۀ را بیان نمایند.
- دوستی با صحابۀ را درک کرده و آنرا به دیگران بیان کرده بتوانند.

مقام اصحاب کرام

گرامی ترین صحابۀ، خلفای را شدین هستند، بعضی صحابۀ که از جانب الله ﷻ یا از جانب رسول الله ﷺ به صفات و القاب خاصی مشخص گردیده اند کسانی که ایشانرا پیغمبر ﷺ به دخول بهشت وعده داده است شرکت کننده گان در جنگ بدر و تبوک اهل بیعت الرضوان و اهل عقبه را خداوند در قرآنکریم توصیف نموده میفرماید: "خداوند از مؤمنان راضی گرد ید هماندم که در زیر درخت با تو بیعت کردند" امام مسلم در صحیح خود آورده که پیغمبر ﷺ فرمودند: "**لا يدْخُلُ النَّارَ – إن شاءَ اللَّهُ – من أصحاب الشَجَرَةِ أحدٌ الذين بايَعُوا تَحْتَها**" هیچ فردی از اصحاب شجره که با رسول الله ﷺ بیعت کردند به دوزخ داخل نخواهد شد خداوند ﷻ جای دیگر در سورۀ فتح ایشان را در برابر کفار سخت دل و شدید و در میان خودها مهربان و ایشان پیوسته در رکوع و سجده طالب رضای خداوند و نشانه عبادت و سجده و رکوع را در ایشان نمایان توصیف نموده و در سورۀ حشر آیه هشتم آن فقرای مهاجرین که از خانه ها و کاشانه ها ی شان رانده شده بودند چنین وصف می نماید که غنایم از آن فقرای مهاجرین است و ایشان کسانی اند که فضل خدا و خشنودی او را می خواهند، و خدا پیغمبرش را یاری می دهند اینان را ستانند در آیه ۱۰۹ال عمران می بینید که خداوند به پیغمبرش دستور می دهد که از یارانش در گذرد و بر ایشان طلب مغفرت نماید و آغوش مهربانی را برای شان باز کند و در امور با ایشان مشوره نماید و نیز میفرماید: "**وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ**" یعنی ای پیغمبر بال محبت و مودت خود را برای مومنانی که از تو پیروی می کنند بگستران، در سورۀ توبه آیه صدم (۱۰۰) خداوند از مهاجرین و انصار مهاجرین اظهار رضایت و خشنودی میکند و به باغهای بهشت و جاودانگی ایشانرا در آن بر ملا ساخته است و در سورۀ حدید در آیه دهم میفرماید: (کسانیکه از شما (صحابۀ)پیش از فتح مکه به سپاه اسلام کمک کرده اند و از اموال خود بخشیده اند و. در راه خدا جنگیده اند با کسانیکه پس از پیروزی انفاق کردند برا بر و یکسان نیستند انان درجه و مقام شان فرا تر و بر تر از درجه و مقام کسانیکه بعد از فتح مکه در راه اسلام بذل و بخشش نموده اند و جنگیده اند؛ اما به هر حال خداوند به همه وعدۀ پاداش نیکو می دهد. هکذا بسا آیات دیگر در قرآنکریم و جود دارد؛ که به صورت مجموعی یا به صورت انفرادی گاه به شکل تصریح و گاه کنایتاً و گاه اشاره یی به شان و عزت صحابۀ کرام دلالت دارد می بینم که در آیه (**ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِد هُمَا فِي الْغَارِ إِذْيَقُولُ لِصَاحِبِهِ**) صراحتاً ابوبکر را صاحب و رفیق رسول ﷺ معرفی میکند.

صفات، اعزاز و اکرام صحابهٔ کرام در احادیث پیغمبر آنقدر است که قلمبندآن حتی از حوصله کتاب ضخیم خارج است؛ زیرا همین صحابهٔ کرام بودند که بابذل مال و جان و با قبول و تحمل زحمات در اعلای کلمه الله و اعزاز دین و روش پیغمبر جانبازی نمودن کفایت میکند، همین گفتهٔ پیغمبر در مورد شان که فرموده است: " اکرموا أصحابی فانهم خیارکم (یاران من را مورد احترام قرار دهید چون انان برگزیده های شما هستند). مشکاة الصابیح صفحه ۵۵۴ باب مناقب اصحاب کرام.

از بیانات فوق معلوم می شود که خداوند ﷻ ظاهر و باطن اصحاب کرام را تزکیه نموده از جمله ظاهر شانرا را به (**اشداء علی الکفار رحماء بینهم وینصرون الله ورسوله اولئک هم الصّدقون**) وآیه (**یؤثرون علی أنفسهم ولوکان بهم خصاصه**) و از باطن شان به بیان آیه "**فعلم ما فی قلوبهم فانزل السکینة علیهم**" خبر می دهد.

طلب استغفار برای اصحاب، تکریم و احترام اصحاب، رعایت حقوق ایشان، محبت ورزیدن با ایشان و اجتناب از دادن دشنام و بد گمان شدن در حق ایشان از دستورات دینی و او امر خدا و رسولش بوده و از نشانه های ایمان شمرده شده و کینه ورزی ایشان نشانه نفاق دانسته شده است.

سب و دشنام دادن اصحاب، یعنی تنقیص شخصیت وبی ارزش جلوه دادن ایشان که عمدتاً از اشخاص سست عنصر و بی عقیده صادر میگردد هیچ جواز ندارد که، بعضی به کفر و فسق دشنام می دهد و این چنین افراد خودشان کافر میگردند؛ زیرا صراحتاً از آیات قرآنکریم که صحابهٔ را تزکیه نموده است انکار می ورزند همین صحابهٔ اند که ناقلان قرآن و حدیث است و اسلام را به ما نقل نمودند و در صورتیکه اینها خدا ناخواسته کافر و فاسق باشند؛ اتکا و اعتماد به قول و فعل ایشان چگونه شده می تواند و ما چگونه به حقانیت دین خود اعتماد داشته باشیم پس در حقیقت این طعن ایشان طعن بر دین است.

و اظهار رضائیت خداوند از ایشان و ستایش قرآنکریم در بارهٔ ایشان و نصوص قرآنی و احادیث نبوی که به دال بر افضیلت ایشان است اعتبار و معنی خود را از دست می دهد و بدین صورت در قرآن و حدیث شک ایجاد میگردد زیرا طعن زدن بر ناقل طعن زدن بر منقول است.

دشنام آزار و اذیت صحابهٔ باعث آزار و اذیت پیغمبر است و آزار رسانیدن بر پیغمبر به طور اجماع کفر است. قذف همسران پیغمبر باعث اذیت پیغمبر است. روایتی است که مسلم و بخاری در بارهٔ حدیث افک آورده اند. عائشه رضی الله عنها میگوید پیغمبرﷺ در حالیکه برروی منبر بود گفت ای مسلمانان چه کسی بمن حق می دهد انصاف به خرج می دهد در بارهٔ مردیکه آزارش به من رسیده و اهل وبیتم را اذیت میکند.

روش تدریس: سؤال و جواب، تشریح، مباحثه، گروهی

مواد ممد درسی

جریان درس

وقت	فعالیت ها
۵ دقیقه	- بعد از موضوعات مقدماتی با طرح چند سؤال درس گذشته را چنین ارزیابی می کند. ۱_ کی میتواند بدعت را تعریف کند؟ ۲_ بدعت در عقیده چگونه است؟ ۳_ از تعریف بدعت کدام مطالب بر می آید؟
۳۰دقیقه	بعد از شنیدن جوابات عنوان درس جدید (مقام صحابهٔ کرام) را روی تخته می نویسد و برای شاگردان وقت میدهد تا درس را خاموشانه مطالعه نمایند. _ با استفاده از وقت عناوین جانبی درس جدید را روی تخته نوشته و درس را برای شاگردان تشریح میکند سپس از چند شاگرد می خواهد تا یک یک عنوان جانبی ذیل را تشریح نمایند. • تعریف صحابهٔ • برتری و مقام اصحاب کرام • ویژیگی صحابهٔ • دوستی باصحابهٔ • بغض و کینه داشتن نسبت به صحابهٔ منافقت است برای شاگردان هدایت میدهد تا در مورد چند نکته مهم که در حدیث شریف رسول الله ﷺ فرموده: {**اللَّهَ اللَّهَ فِي أَصْحَابِي اللَّهَ اللَّهَ فِي أَصْحَابِي لَا تَتَّخِذُوهُمْ غَرَضًا بَعْدِي فَمَنْ أَحَبَّهُمْ فَبِحُبِّي أَحَبَّهُمْ وَمَنْ أَبْغَضَهُمْ فَبِبُغْضِي أَبْغَضَهُمْ وَمَنْ آذَاهُمْ فَقَدْ آذَانِي وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَمَنْ آذَى اللَّهَ يُوشِكُ أَنْ يَأْخُذَهُ**} باهم مباحثه نمایند.
۱۰دقیقه	- در اخیر درس را جمع بندی نموده چنین خلاصه می کند. **خلاصه** صحابهٔ و اصحاب جمع صحابی است که به معنای دوست و همراه میباشد و در اصطلاح صحابی به شخصی گفته می شود که پیغمبر را دیده به او ایمان آورده و در حالت ایمان وفات کرده باشد. - خداوند ﷻ در بسا از آیات قرآن کریم فضلیت و منزلت صحابهٔ را ستوده است. - در بارهٔ اصحاب کرام از خدا بترسید. - صحابهٔ را هدف سخنان زشت تان قرار مدهید. - دوستی با اصحاب در واقع دوستی با رسول خدا ﷺ است. - دشمنی با صحابهٔ به معنای دشمنی با پیامبر ﷺ است. **کار خانه گی** شاگردان در بارهٔ موضوع دوستی با اصحاب در واقع دوستی با رسول خدا است یک مقاله بنویسند که از ده سطر کم نباشد و در ساعت بعدی با خود بیاورند.

بخش حدیث

درس: دوازدهم

عنوان: شناخت حدیث صحیح و حسن

صفحه: ۳۷

وقت: دو ساعت درسی

اهداف

شاگردان باید:

۱- حدیث صحیح و حسن را بشناسند.

۲- حدیث صحیح را تعریف کرده بتوانند.

۳- متن حدیث درست خوانده بتوانند.

۴- صفات راوی را درک نمایند.

دانش لازمی

- علما در شناخت حدیث صحیح پنج شرط را معیار قرار داده اند.

۱- عدالت راویان

۲- قوت حا فظه راویان

۳- اتصال سند

۴- پاک بودن سند حدیث از علت عبارت از آن سبب خفی و پیچیدهٔ است که صحت سند حدیث را زیر سؤال میبرد.

۵- طهر حدیث از شذیت: شذوذ درلغت به معنی جدا از جماعت را گویند و در اصطلاح روایت مقبولی است که مخالف حدیث قرار گیرد که از حیث روایت (سند) معتبر باشد.

- محدثین کرام معنای اصطلاحی سنت را به گونهٔ ذیل تعریف کرده اند. سنت عبارت از هرآن قول، فعل تقریر، و صفت است که از رسول خداﷺ بر ما رسیده باشد.

- اما برداشت اصولیان از سنت کمی متفاوت است به نظر آنها هر قول، فعل و یا تقریر صادر شده از رسول خداﷺ سنت است. یعنی سنت عبارت ازسخنان و رفتار های رسول اللهﷺ و حرکاتی که از اصحابش دیده و آنرا منع نکرده و یا با سکوتش آنرا تصویب نموده میباشد.

فقها به این عقیده اند که سنت مرادف حدیث است؛ ابن حجر میگوید:

در عرف شریعت مقصد از حدیث از هر چیز منسوب به رسول خداﷺ میباشد.

- حدیث صحیح در حقیقت تفسیر و تعبیر قرآن کریم است و بعد از کلام خدا بهترین کلام و با ارزشترین مرجع اسلامی است؛ چنانچه آنحضرتﷺ می فرماید: (**إنَّما هُما إثنتَانِ الكَلامِ وَالهدي فَاحسنَ الكَلامِ كلامُ اللهِ وَأحسَنَ الهدي هدي مُحمّد**) به تحقیق که آنها دو اند. یکی کلام دیگری راه « منتی به هدایت» زیبا ترین کلام، کلام خداوند است و زیبا ترین هدایت هدایت حضرت محمد ﷺاست.

- هنگامیکه علما احساس کردند بعضی از مفسدین به خاطر فریب مردم دست به ساختن احادیث جعلی زنده اند؛ در راه جمع آوری احادیث و سخنان درفشان آنحضرتﷺ سعی و تلاش خسته نا پذیری را انجام دادند و به یاری خداوند موفق شدند که بعد از سپری کردن بسیار زمان و زحمات، سخنان راستین حضرت رسول خدا را جمع آوری نمایند. در قبول احادیث محدیثن کرام چند شرطی را وضع کردند که از جمله قوت حافظه راویان و تقوای آنهاست؛ اگر تمام راویان از همین پنج صفت برخور دار می بودند آن حدیث را حدیث صحیح و معتبر می دانستند. و اگر در وجود یکی از راویان از لحاظ حافظه ثابت میشد آن حدیث را حسن می نامیدند.

اما نکتهٔ جالب این است که امروز بر احادیث موضوع و جعلی اعتراض صورت نمی گیرد؛ بلکه به احادیث صحیح اعتراض میشود؛ طور مثال دنبالهٔ روان غرب به این حدیث انتقاد می کنند.

(یَا ایُهَا النّبیُ إنّا اَرسلنَکَ شَاهِداً وّ مُبشِراً وّنَذِیراً وّحِرزاً لِلمُؤمِنِینَ أنتَ عَبدِی وَ رَسُولِی سَمّیتُکَ الُمتوَکِل لِیسَ بفَظٍ وَلا غَلیظٍ وَلا سَخَّابٍ فِی الاسوَاقِ وَلایَدفعُ بالسِّیة السَّیة وَلکِن یَعفو وَیَغفرُ وَلن یَقبضَهُ اللهُ حَتی یُقیمَ بهِ المِلة العَوجَاء بأن یَقولوُا لا إلهَ الاّ الله فیفتحُ بهَا أعیُناً عُمیاً وآذاناً صُمّاً وَقُلُوباً غُلُفاَ)

ای نبی شما را به عنوان شاهد، مژده دهنده، بیم دهنده و زره از برای مؤمنان فرستادیم تو بنده ورسول من هستی ترا به نام متوکل نامیدم. او انسان (نبی کریم) خشن، درشت خو، خشمناك و سخت دل نیست؛ و هنگام راه رفتن در کوچه ها سروصدا نمی کند. بدی را با بدی دفع نمی کند بلکه عفو میکند و می بخشد تا زمانیکه خداوند تعالی یک ملت کج و منحرف (و بت پرست) را با اینکه «**لا إله إلاّ الله**» بگویند راست نکند و توسط آن چشمان نابینا، گوش های نا شنوا و قلب های بسته را نگشاید. روح او را قبض نخواهد کرد. این حدیث را حضرات عبدالله بن عمرو بن عاص، عبدالله ابن عباس، انس بن مالك و حضرت ابوهریره رضی الله عنهم روایت کرده اند. [1]

معنای کلمات: شاذ: تنها، جدا. ضابط: حفظ کننده، نیرومند، با هوش.

اتصال: به هم رسیدن، پیوست شدن، حسن: خوب. قبیح: بد

محسوب: حساب شده، مقبول: قبول شده

[1] - نور جاویدان – جلد۲ صفحه ۴۵۴

روش تدریس: سؤال و جواب، انفرادی، گروپی، توضیحی، تشریحی و مباحثوی

مواد ممد درسی کتاب، تخته، تباشیر....

وقت	فعالیت ها
۵دقیقه مقدمه	حین داخل شدن به صنف بعد از سلام و احوالپرسی احوال گرفتن حاضری نظم و نسق صنف خود را برای شاگردان معرفی نموده و در مورد اهمیت حدیث برای شاگردان معلومات مختصرمیدهد. بعد از نوشتن عنوان درس متن حدیث را با آواز مناسب میخواند.
۲۵دقیقه تقـــدیم درس	برای شاگردان وظیفه میدهد تا درس را خاموشانه مطالعه نمایند و خود در عین حال کلمات: شاذ، ضابط، اتصال، حسن، قبیح، محسوب و مقبول را در کنار تخته مینویسد. از یک شاگرد میخواهد تا کلمات را معنا نماید. از یک شاگرد میخواهد تا این عناوین جانبی درس را روی تخته بنویسد. ۱- تعریف حدیث صحیح ۲- شرح تعریف ۳- تعریف حدیث حسن ۴- شروط حدیث حسن ۵- فرق میان حدیث صحیح و حسن ۶- حکم حدیث صحیح و حسن با استفاده از عناوین جانبی، درس را برای شاگردان تشریح نموده بالای بعضی نکات مبرم ترکیز بیشتر می نماید. از چند شاگرد می خواهد تا هر کدام به نوبه خود یک عنوان جانبی را شرح نمایند. برای شاگردان چند دقیقه وقت میدهد تا در رابطهٔ به اهمیت حدیث از هم دیگرسؤال نمایند. از یک شاگرد می خواهد تا حدیث صحیح را با آواز مناسب بخواند و خود آنرا برای شاگردان ترجمه می نماید. راویان حدیث را نیز معرفی می کند. از دو شاگرد میخواهد تا هر کدام یک سطر حدیث را ترجمه کند. شاگردان را به دو گروپ تقسیم نموده برای شان هدایت میدهد اینکه یک گروپ در مورد حدیث صحیح و گروپ دیگر در مورد حدیث حسن بین هم بحث نمایند.
۱۰ دقیقه	**ارزیابی** معلم محترم شاگردان را توسط سؤالات کتاب درسی ارزیابی میکند. **خلاصه** این درس در نکات ذیل خلاصه میشود:

	۱- حدیث صحیح آن است که راویانش عادل بوده و از حافظهٔ قوی برخوردار باشند ۲- حدیث صحیح دارای پنج شرط است: - عدالت راویان - تقوا و ضوابط راویان - اتصال سند - پاک بودن از علت - پاک بودن از شذ ۳- حدیث حسن آن است که راویانش عادل بوده؛ مگر یکی آنها صاحب حافظه قوی نباشد. ۴- فرق میان حدیث صحیح و حسن فقط همین است که یکی از راویان حدیث حسن از حافظه قوی برخوردار نباشد.
۵ دقیقه	۵- حدیث صحیح و حسن هر دو دلیل شرعی بوده که عمل به هر دو واجب است. **کار خانه گی** برای شاگردان وظیفه میدهد تا تعریف هر دو حدیث را حفظ نمایند.

درس: سیزدهم

عنوان: حدیث ضعیف

صفحه: ۴۰

وقت: دو ساعت درسی

اهداف

شاگردان باید:

۱- حدیث ضعیف را بشناسند.

۲- حدیث ضعیف را تعریف کرده بتوانند.

۳- بین حدیث ضعیف و حسن فرق کرده بتوانند.

۴- حکم حدیث ضعیف را بدانند.

دانش لازمی

- حدیث در مجموع به دو نوع است ۱ مقبول ۲ مردود.

حدیث ضعیف نوعی از انواع حدیث مردود به شمار میرود؛ حدیث ضعیف نیز در عین حال به چند نوع است.

۱- منقطع: حدیثی را گویند که یک تن از راویان آن از میان ساقط شده باشد.

۲- مرسل: حدیثی را گویند که سقوط ازآخرسند صورت گیرد، یعنی تابعی مستقیماًحدیث را ازآن حضرتﷺ روایت کرده باشد؛ طور مثال:

عَن عَبدِالَمَلِک بِن عُمَیرمُرسَلاً قالَ قالَ رَسُولُ اللهِﷺ فِی فَاتِحَةِ الکِتَاب شِفَآء مِن کُلِّ دَآءٍ {رواه البیهقی}

از عبدالملك بن عمیر«رح» روایت است که رسول اللهﷺ فرمود: سوره فاتحۀ (الحمدلله) به تمام درد ها شِفاء است. عبدالملك بن عمیر تابعی است واین حدیث را مستقیماً از رسول اللهﷺ نشنیده است.

۳- معضل: حدیثی را گویند که درسند آن دو یا بیشتر از دو راویان ساقط شده باشد.

۴- مدلس: حدیثی را گویند که راوی آن نام شیخ و یا استاد خود را نبرد و حدیث را ازشیخ و یا استادی که فوق اوست روایت کند.

۵- شاذ: حدیثی را گویند که علاوه از ضعف راوی متن حدیث نیز با احادیث راویان ثقه در تضاد قرار گیرد.

۶- منکر: حدیثی را گویند که راوی آن ضعیف بوده و حدیث اش مخالف حدیثی قرارگیرد.
که ضعف در سند آن کمتر باشد.

۷- معلل: حدیثی را گویند که در سند آن علت قادح مرموز وجود داشته باشد و علت به حدی باشد که صحت حدیث را زیر سؤال برد.

۸- مضطرب: حدیثی را گویند که در متن آن الفاظ متضاد وارد شده باشد و تطبیق آن ممکن نباشد.

۹- موضوع: حدیثی است که توسط کاذبین ساخته شده باشد و بعد به رسول خداﷺ نسبت داده شده این نوع حدیث از بد ترین احادیث مردود به شمار میرود.

تقسیم حدیث به اعتبار راویان:

- اگر روای حدیث یک نفر باشد آنرا حدیث غریب خوانند و نیز این نوع حدیث را حدیث مفرد گویند؛ مثل: حدیث حضرت عمرﷺ (**اِنّمَا الاعمَالُ بِالنیّات**) این حدیث را تنها حضرت عمر فاروقﷺ روایت کرده است.

- حدیث عزیز: حدیثی را گویند که دو نفر آنرا روایت کرده باشد و اگر تعداد راویان ازدو زیاد باشد آنرا حدیث مشهور گویند و اگر کثرت راویان به حدی رسد که توافق ایشان به دروغ محال باشد آنرا حدیث متواتر خوانند.

حدیث ضعیف آنست که از شروط احادیث صحیح و حسن فاقد باشد.

- مثال حدیث ضعیف:(**عن ابن عباس ان النبیﷺ دخل قبراً لیلاً فأُسرِجَ لَهُ سِرَاجٌ فأخذ من قِبلَ القبلة وَقالَ رَحمکَ الله إن کُنتَ لاوّاها تَلاء لِلقُرَآن**) رواه الترمذی وقال فی شرح السنۀ اسناده ضعیفٌ.

از حضرت ابن عباسﷺ روایت است که آنحضرتﷺ شبی در یک قبر داخل شد؛ پس برای ایشان چراغی افروخته شد بعد آنحضرتﷺ میت را از جانب قبله گرفت و فرمود خداوند به تو رحم کند به تحقیق تو بسیار نرم دل و خوانندۀ قرآن بودی.

معنای کلمات: ادلۀ: جمع دلیل. تفکیک: فرق، تمیز. انقطاع: قطع شدن، گسستن تضاد: مخالفت. ضعیف: عاجز، کم قوت.

روش تدریس: سؤال و جواب، انفرادی، گروپی، توضیحی، تشریحی و مباحثوی

مواد ممد درسی: کتاب، تخته، تباشیر......

وقت	فعالیت ها
۵دقیقه مقدمه	بعد از موضوعات مقدماتی درس گذشته را با طرح چند سؤال ارزیابی می کند. طور مثال ۱- کی میتواند حدیث صحیح را تعریف کند ۲- کی میتواند حکم حدیث صحیح و حسن را توضیح کند. بعد از شنیدن جوابات توسط یک شاگرد عنوان درس را روی تخته مینویسد. متن حدیث را با دقت کامل میخواند.
۲۵دقیقه تقـــدیم درس	برای شاگردان هدایت میدهد تا درس را نزد خود خاموشانه مطالعه نمایند. و خود در عین حال کلمات: ادلۀ، تفکیک، انقطاع، تضاد و ضعیف را روی تخته مینویسد. از دو شاگرد میخواهد تا یکی ایشان کلمات را معنا و دیگرشان آنهارا در مقابل واژه ها بنویسد. از یک شاگرد میخواهد تا عناوین جانبی درس را در کنار تخته بنویسد. ۱- تعریف حدیث ضعیف ۲- حکم حدیث ضعیف ۳- فایدۀ حدیث ضعیف با استفاده از عناوین جانبی درس را برای شاگردان شرح نموده بالای بعضی نکات ترکیز بیشتر مینماید. معلم محترم برای شاگردان چند دقیقه فُرصت میدهد تا از هم دیگر در مورد اینکه حدیث ضعیف چه نوع حدیث است سؤال نمایند و خود به جوابات شان گوش میدهد. از چند شاگرد مورد نظر می خواهد تا هرکدام به نوبه خود یک عنوان را برای دیگران توضیح نمایند.

شاگردان را به دو دسته تقسیم نموده برای شان هدایت میدهد تا یک گروپ در مورد حکم حدیث ضعیف و گروپ دیگر درمورد فواید حدیث ضعیف بین هم بحث نمایند و خود در عین حال از هر دو گروپ وارسی. **ارزیابی** معلم محترم جهت اطمیان خود از یاد گیری درس شاگردان توسط سؤالات کتاب ارزیابی می کند. **خلاصه** این درس در نکات ذیل خلاصه میشود: ۱- حدیث ضعیف آن است که در آن شروط حدیث صحیح و حسن موجود نباشد. ۲- مثال حدیث ضعیف این است: «**إحترِسوُا مِن النّاسِ بِسُوءِ الظنّ**» ۳- عمل به حدیث ضعیف هنگامی جایز است که در مورد فضایل باشد و یا اینکه با اصول اسلام هیچ گونه تضاد نداشته باشد. ۴- در صورتیکه حدیث ضعیف با مبادی اسلام در تضاد واقع نشود؛ امید اجر در عمل به آن وجود دارد.	۱۰ دقیقه
کارخانه گی برای شاگردان وظیفه میدهد تا هر کدام یک حدیث ضعیف را ازطریق علما و یا کتب حدیث به دست آرند.	۵ دقیقه

درس: چهاردهم

عنوان: حدیث موضوع

صفحه: ۴۲

وقت: دو ساعت درسی

اهداف

شاگردان باید:

۱- حدیث موضوع را بشناسند.

۲- حدیث موضوع را تعریف کرده بتوانند.

۳- حکم حدیث موضوع را بدانند.

۴- مثال حدیث موضوع را بیان کرده بتوانند.

دانش لازمی

- احادیث موضوع عبارت از مقوله های است که از طرف اشخاص کاذب و مفسد غرض منفعت شخصی، حصول قرب به امیر وقت و یا هم به خاطر کسب شهرت ساخته و وضع شده است.

- محدثین کرام در این راه (معرفی احادیث موضوع) زحمات فراوانی را متحمل شدند؛ و بالآخره توانستند حق را از باطل جدا و تفکیک کنند، چون سنتی که شرح و تفسیر قرآن است و یک بُعد مهم و حکمت آن به شمار میرود زیر مصداق این آیه کریمه میاید:

«**اِنّا نحنُ نزّلنا الذِكرَ وَاِنّا لهُ لحَا فِظوُن**» سوره حجر آیه ۹

- احادیث موضوع از لحاظ شمار و عدد زیاد است ما صرف چندی آنرا طور نمونه در این جا مثال میدهیم: (**اُبوحَنیفة سِراجُ اُمَّتِی**) ابو حنیفه چراغ امت من است. این سخن را حضرت رسول خدا ﷺ قطعاً نفرموده ا ست؛ اما بدون در نظر داشت این حدیث موضوع حضرت امام ابو حنیفه رحمهٔ الله علیه واقعاً چراغی روشن برای این امت قرار گرفته است که بعد از اصحاب کرام کمتر کسانی توانسته اند در راه خدمت به دین به پای او رسند.

- مثال دیگر: (**اِتّخِذوُا الدّیّکَ الا بیَض**) بگیرید و یا خریداری کنید خروس سفید را. هنوز هم بعضی مردمان جاهل وجود دارند که نسبت به این حدیث موضوع خروس سفید را دوست میدارند و آنرا برکت می پندارند؛ اما علما منتقدان تثبیت کرده اند که این سخن ساخته و پرداختهٔ دروغگویان ا ست و هیچ ربطی به حدیث ندارد و حتی این را ثابت کردند که این سخن یک تاجر دروغگو و فریب کاری است که تجارت خروس را میکرد.

- مثال دیگر: (**تَختّموُا بِالعَقِیق**) بپوشید انگشتر عقیق (برکت). چنین سخنی را حضرت رسول اکرم ﷺ هرگز نفرموده است؛ اما حدیثی وجود دارد که ام المؤمنین حضرت عایشه صدیقه رضی الله عنها با عبارت «**تَخیّموُا بِالعَقِیق**» یعنی در عقیق خیمه بسازید روایت کرده است. عقیق وادی است در میان مدینه منوره و مکه مکرمه پس امکان دارد « تخیموا» به تختموا تبدیل شده با شد و وادی عقیق به سنگ عقیق.

- مثال دیگر: (**النظر اِلی الوَجهِ الجَمِیل عَبادَةٌ**) نگریستن به سوی روی زیبا عبادت ا ست. این سخن علاوه از اینکه حدیث نیست؛ بلکه ناشی از فسق و گمراهی است که با استفاده از آن بعضی از مفسدین به عنوان عالم مردم را به گناه تشویق می کنند.

- مثال دیگر: (إتقِ شَرّمَن أحسَنتَ إلَیهِ) بترس از شرکسیکه بر وی نیکی کردی. این سخن نه تنها حدیث نیست؛ بلکه با عقل و منطق هم سازگاری ندارد.

معنای کلمات: موضوع: وضع شده، ساخته شده اذهان: جمع ذهن اعتراف: اقرار

خط مشی: راه وروش

روش تدریس: سؤال و جواب، انفرادی، گروپی، توضیحی، تشریحی و مباحثوی

مواد ممد درسی: کتاب، تخته، تباشیر......

وقت	فعالیت ها
۵دقیقه مقدمه	بعد از موضوعات مقدماتی درس گذشته را با طرح چند سؤال ارزیابی می کند؛ طور مثال - کی میتواند حدیث ضعیف را تعریف کند؟ - کی میتواند یک حدیث ضعیف را بیان دارد. بعد از شنیدن جوابات و استماع حدیث برای یک شاگرد وظیفه میدهد تا عنوان درس را روی تخته بنویسد.
۲۵دقیقه تقـــدیم درس	در رابطۀ به حدیث موضوع و اضرار آن برای شاگردان معلومات مختصر داده ایشان را به جدیت و اهمیت عنوان درس متوجه میسازد. متن حدیث را با دقت میخواند. برای شاگردان هدایت میدهد تا درس را خاموشانه مطالعه نمایند و خود در عین حال کلمات موضوع، اعتراف، اذهان و خط مشی را در کنار تخته مینویسد. آن حدیث وعیدی را که در متن درس آمده توسط یک شاگرد روی تخته مینویسد و بعد میگوید: کی میتواند بدون اینکه از کتاب استفاده کند ترجمه حدیث را در زیرش بنویسد؟ از دو شاگرد میخواهد تا یکی از ایشان عناوین جانبی درس را بخواند و دیگرشان آنها را بنویسد. ۱- تعریف حدیث موضوع ۲- حکم حدیث موضوع ۳- شناخت حدیث موضوع ۴- مثال حدیث موضوع ۵- اسباب وضع نمودن حدیث موضوعی ۶- فرق میان حدیث موضوع و حدیث ضعیف با استفاده از عناوین جانبی درس را برای شاگردان شرح می کند. از چند شاگرد میخواهد تا هر کدام به نوبه خود یک عنوان درس را برای دیگران توضیح نماید. شاگردان را به دو گروپ تقسیم نموده برای شان هدایت میدهد تا هرگروپ با اتحاد نظر در مورد عنوان درس یک مقاله بنویسند.

	بعد از ختم فعالیت مقالات را توسط سرگروپها به خوانش میگیرد. **ارزیابی** شاگردان را توسط سؤالات کتاب درسی ارزیابی میکند.
۱۰ دقیقه	**خلاصه** این درس در نکات ذیل خلاصه میشود: ۱- حدیث موضوع آن است که توسط شخص کاذب ساخته شده و بدون دلیل به رسول خدا ﷺ نسبت داده شده باشد. ۲- روایت کردن حدیث موضوع گناه بزرگ است و هر کس آنرا بیان دارد از جمله کاذبین به شمار میرود ۳- به خاطر روشن کردن اذهان مردم نقل کردن حدیث موضوع جواز دارد. ۴- حدیث موضوع را میتوان از چند طریق شناخت؛ طور مثال: در مخالفت صریح با مسایل مهم دین قرار گیرد. ۵- فرق واضح که در بین حدیث ضعیف و حدیث موضوع موجود است این است که حدیث موضوع در هیچ صورت قابل اعتبار نبوده و حتی بیان آن گناه است؛ اما حدیث ضعیف به شرط اینکه با اصول دین در تضاد نباشد قابل اعتبار بوده و حتی توسط تأیید روایات دیگر به درجه قوت میرسد. به خصوص در باب فضایل.
۵ دقیقه	**کارخانه گی** برای شاگردان وظیفه میدهد تا در چند سطر فرق بین احادیث چهارگانه را واضح سازند.

درس: پانزدهم

عنوان: کتاب های مشهور حدیث

صفحه: ۴۵

وقت: دو ساعت درسی

اهداف

شاگردان باید:

۱- کتاب های مشهور حدیث را بشناسند.

۲- شش کتاب مشهور حدیث را نام گرفته بتوانند.

۳- محدثین کرام را معرفی کرده بتوانند.

۴- مسانید را بشناسند.

دانش لازمی

- زنده گی نامه مختصر بعضی از محدثین کرام:

- امام بخاری «رحمۀ الله علیه»

امام ابوعبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بخاری در سال ۱۹۴هجری قمری در روز جمعه ماه شوال در شهر بخارا دیده به جهان گشود.

امام بخاری از زمان کودکی طالب علم بود؛ سن وی ازده سالگی تجاوز نکرده بود که مشغول حفظ حدیث بود. ایشان با محدث شهرخود رفت و آمد داشتند. امام بخاری در سن شانزده سال گی خطای محدث شهر را اصلاح نموده برایش بازگو می کرد. ایشان کتاب های ابن مبارك و وکیع را حفظ نموده اصحاب رأی را در علم فقه می شناخت. بعد امام بخاری با مادر و برادر خود به مکۀ مکرمه سفر کرد و بعد از ادای حج مادر و برادرش به بخارا برگشتند و او همان جا به خاطر طلب علم و حفظ حدیث ماند.

امام بخاری می گوید: در خواب دیدم که رسول الله ﷺ تشریف آوردند و من در مقابل ایشان ایستاده ام و باد زن در دستم است و آن حضرت ﷺ را باد می کنم و از روی مبارکشان مگس هارا میرانم. بعد این خواب را برای معبری گفتم، معبر گفت: تو چنان شوی که دروغ را از رسول الله ﷺ دور کنی. در حقیقت همان خوا ب بود که باعث تالیف من شد و احادیث کتاب خود را از ششصد هزار حدیث تخریج نمودم و تصنیف آنرا در مسجد الحرام کردم و در آن هیچ حدیثی را نه گنجانیدم؛ مگر اینکه استخاره کردم و دو رکعت نماز خواندم بالآخره صحیح خود را در مدت شانزده سال تکمیل نمودم. امام بخاری «رح» احادیث را از مشایخ و حفاظ حدیث؛ چون: المکی بن ابراهیم، عبیدالله بن موسی، ابو عاصم الشیبانی، علی بن المدینی، احمد بن حنبل، یحی بن معین، عبدالله بن زبیر الحمیدی اخذ کرده است. امام بخاری «رح» در میان محدثین به القاب امیرالمؤمنین فی الحدیث و ناصر الاحادیث النبویۀ یاد میشد. امام مسلم چون نزد ایشان می آمد عرض میکرد و می گفت اجازه دهید تا پای ترا ببوسم. ابن خزیمه گفته است: در زیر آسمان کبود هیچ کس نسبت به امام بخاری داناتر و حافظ تر به حدیث نیست. ابوزید میگوید در میان رکن و مقام ابراهیم رسول الله ﷺ را در خواب دیدم که برایم گفت ای ابوزید! چرا کتاب من را درس نمی دهی؟ گفتم یا رسول الله ﷺ کتاب شما کدام است؟

فرمود کتاب محمد بن اسماعیل بخاری. از بعضی علما نقل کرده اند که ایشان در خواب دیده ا ند امام بخاری «رح» از عقب رسول الله ﷺ می رفت و در جای قدم ایشان قدم می گذاشت. ابن عدی از جماعهٔ الشیوخ خویش نقل کرده که امام بخاری «رح» کتاب خویش را در مدینه منوره در بین قبر و منبر رسول الله ﷺ به پایان رسانید امام بخاری «رح» علاوه از صحیح خود کتب معتبر دیگری نیز دارد؛ مانند: کتاب ادب المفرد، القرائت خلف الامام، بر الوالدین، تاریخ الکبیر، تاریخ الاوسط، تاریخ الصغیر، کتاب خلق الافعال، جامع الکبیر، تفسیر الکبیر، اسامی الصحابهٔ، کتاب الرجال، کتاب العلل، کتاب المبسوط و کتاب الفواید.

- وفات امام بخاری «رح»:

روایت شده که امام بخاری «رح» بعد از اینکه از کتابت، طلب علوم و ملازمت مشایخ فارغ شد دوباره به وطن اصلی خویش برگشت. اهل بخارا به تکریم و تعظیم امام صدها کیلومتر راه را طی نمودند و به استقبال ایشان آمدند. امام مدتی در بخارا باقی ماند (سکوت نکرد) و بیشتر وقت خود را صرف تدریس علوم و احادیث میکرد. نقل است که بعضی از اطرافیان حاکم بخارا نسبت کینه و حسدی که با امام داشتند برای حاکم مشوره دادند که امام را نزد خود بخواهد حاکم از امام خواست که صحیح بخاری و تاریخ کبیر را با خود بیاورد تا سماع آن دو را حاکم نماید. امام بر قاصد گفت من علم خود را خوار نمیدارم اگر حاکم را کدام حاجت است نزد من در مسجد یا سرایم آید، حاکم بعد از شنیدن جواب امام بخاری حکم کرد تا امام را از بخارا خارج کنند؛ امام از شهر بخارا بیرون شد و در حق حاکم و حامیانش دعای بد کرد چند وقتی نگذشته بود که فرمان عزل حاکم صادر شد و او را به سبب جرمی حبس نمودند و هر کدام از رفیق هایش به مصیبت های گوناکون گرفتار شدند، از این ماجرا اهل سمرقند آگاه شدند و از امام خواهش کردند که نزد ایشان تشریف بیاورد امام به جانب سمرقند قدم نهاد قبل از اینکه به سمرقند رسد خبر شد که اهالی سمرقند بین هم اختلاف دارند و سبب اختلاف ایشان این بود که هر قوم میخواست امام نزد ایشان تشریف آورد، امام در قریه خرتنگ توقف کرد تا بیشتر سبب اختلاف را ملاحظه کند بعد از ملاحظه، خوف وقوع فتنه برایش رخ داد دلش تنگ شد بعد از نماز تهجد دست بر دعا بر داشت و گفت ای پروردگارم! زمین به این فراخیش بر من تنگ شده؛ پس من را به سوی خویش فراخوان در همان ماه و در همان جا در سال ۲۵۶ هجری قمری در گذشت.

- امام مسلم «رح»

ابوالحسین مسلم بن الحجاج بن مسلم نیشاپوری در سال ۲۰۴ هجری قمری چشم به جهان گشود. امام مسلم از وطن خویش به خاطر کسب علم حدیث به شهرهای مختلف سفر کرده است در خراسان از یحی بن یحی و از اسحاق بن را هویه و غیر از این دو، در عراق از احمد بن حنبل و عبدالله بن مسلمه، و در حجاز از سعید بن منصور و در مصر از عمربن سواد علم حدیث را فرا گرفته است. احمد بن حمدان (حیری) گفته است از ابوالعاس بن عقدهٔ در رابطه به امام محمد بخاری و امام مسلم پرسیدم که به کدام یکی از ایشان عالمتر است؟ گفت: این هم، وآن هم باردوم سؤال خود را تکرار کردم همان جواب را داد. نقل شده چون امام بخاری به نیشاپور آمد؛ امام مسلم ملازمت وی را کرد و به خدمت ایشان بشتافت و تاوقتیکه آنجا بود همواره نزدش رفت و آمد میکرد. امام مسلم میگوید: که صحیح خود را از سه صد هزار حدیث رسول الله ﷺ تصنیف نمودم. امام مسلم علاوه بر صحیح خود تصنیفات دیگری هم دارد، مانند: مسند الکبیر،

جامع الکبیر، کتاب العلل، کتاب التمییز، کتاب الطبقات تابعین، کتاب المحضر المبین و غیره. امام مسلم در سال ۲۶۱ هجری قمری در ماه رجب شب یکشنبه داعی اجل را لبیک گفت و به رحمت حق پیوست.

- امام ابوداود سجستانی «رح»

امام ابوداوود سلیمان بن اشعث بن اسحاق بن بشیر سجستانی درسال ۲۰۲هجری قمری به دنیا آمد؛ سجستان نام یک ولایت مشهور بود که در جنوب هرات موقعیت داشت و مرکز آن زرنج بود. ([1]) امام ابوداود سجستانی غرض طلب علم حدیث از وطن خویش به شهرهای مختلف اسلامی سفر نمود و احادیث را جمع آوری و تصنیف کرده که در خراسان، عراق، شام و مصر با علمای حدیث ملاقات و مجالس داشته و از ایشان در تصنیف سنن خود استفاده نموده است، مانند: مسلم بن ابراهیم، سلیمان بن حرب، یحی بن معین، و احمد بن حنبل و غیره.

از وی منقول است که پنج صد هزار حدیث را در قید کتابت درآورده است سپس سنن خود را از چهار هزار ششصد حدیث آن نوشته است. امام ابوداود گفته: آدمی را چهار حدیث کافیست اول: (**إنّما الاعمَالُ بالنیات**).

دوم (**من حسن اسلام المراء ترکه مالا یعنینه**) سوم: (**لایکونُ المؤمن مؤمناً حتی یرضی لاخیه ما یرضی لنفسه**). چهارم: (**ان الحلال بین وان الحرام بین و بینهما مشتبهات، الحدیث**) و نیز از وی منقول است که فرموده در کتاب خود حدیثی را درنیاوردم که علمای حدیث به ترک آن اجماع کرده باشند ابو سلیمان خطابی گفته است سُنن ابو داوُد کتابیست که در علم دین هیچ کتابی جز بخاری و مسلم مانندش نوشته نشده است. شیخ موسی بن هارون گفته ابوداود در دنیا خلق شده که کتابت احادیث را نماید و در آخرت برای جنت. ابوحاتم بن حیان نیز در رابطۀ به وی گفته است: ابو داود یکی از امام های عصر خویش بود در فقه و علم حدیث دست بالای داشت؛ امام ابوداوُد در سال ۲۷۵هجری قمری از جهان رحلت نمود.

- امام ترمذی «رح»

امام ابو عیسی محمد بن عیسی ترمذی در سال ۲۰۹ هجری قمری چشم به جهان گشود، امام ترمذی نیز از جمله محدثین چیره دست عصرخویش بود. کتاب وی دلالت بر عظمت و فن تألیف او میکند؛ امام ترمذی ا حادیث را از مشایخ صدر اول؛ مانند: قتیبه بن سعید، محمود بن غیلان، محمد بن بشار و سفیان بن وکیع روایت کرده است. امام ترمذی هنگامیکه کتاب خویش را تکمیل کرد آنرا بر علمای حجاز، عراق و خراسان عرض کرد و ایشا ن کتاب وی را قبول و تأیید نمودند. امام ترمذی کتابی دیگری را نیز به نام شمائل النبیﷺ تصنیف کرده است وی در سال ۲۷۹ هجری قمری چهره در نقاب خاک کشید و دار فانی را وداع گفت.

- امام نسایی «رح»:

امام ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب النسایی در سال ۲۱۵ هجری قمری چشم به جهان گشود. نسا یکی از شهر های معروف خراسان بود. امام ابو عبدالرحمن نیز یکی از محدثین بالا دست میباشد که مسندش از جمله صحاح سته است. شیخ عبدالله «یافعی » در تاریخ خود آورده: ابوعبدالرحمن احمد بن شعیب النسایی صاحب مصنفات و مقتدای زمان خود بود. در مصر سکونت داشت و تصانیف وی در آن دیار منتشر است. بسیاری از مردم از ایشان اخذ حدیث کرده اند. یافعی نیز ذکر نموده است که امام نسایی کتابی را به نام خصایص در فضیلت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب و اهل

[1] - معجم البلدان.

بیت نوشته ا ست، و مردم برایش گفتند: چرا در فضایل اصحاب دیگر نمی نویسی؟ امام گفت باعث تصنیف این کتابم مردم دمشق شده چون آنجا رفتم ایشان را منحرف یافتم خواستم خداوند متعال به سبب این کتاب آنها را هدایت کند. نقل است که امام نسایی یک روز، روزه می داشت و روز دیگر افطار میکرد. وی در سال ۳۰۳ هجری قمری وفات کرد.

- امام ابن ماجة «رح»

ابوعبدالله محمد بن یزید بن **ماجة** القزوینی در سال ۲۰۹ هجری قمری چشم به دنیا گشود. قزوین یکی از شهر های معروف اصفهان بود. امام ابو عبدا لله نیز یکی از محدثین چیره دست است که در طلب علم به شهرهای ا سلامی سفر کرده و علم حدیث را ازعلما ی احاد یث فرا گرفته و کتاب خویش را تصنیف نمود که نزد علمای حدیث معتبر و مشهور است. کتاب ابن ماجه یکی از کتب صحاح سته میباشد.

امام ابوعبدالله محمد در سال ۲۷۳ هجری قمری وفات کرد.

روش تدریس: سؤال و جواب، انفرادی، گروپی، توضیحی، تشریحی و مباحثوی

مواد ممد درسی: کتاب، تخته، تباشیر......

وقت	فعالیت ها
۵دقیقه مقدمه	بعد از موضوعات مقدماتی درس گذشته را با طرح چند سؤال ارزیابی می کند؛ طور مثال: کی میتواند حدیث موضوعی را تعریف نماید؟ کی میتواند بگوید در کدام صورت نقل حدیث موضوعی جواز دارد؟ بعد از شنیدن جوابات عنوان درس را روی تخته مینویسد. توجه شاگردان را به کتاب های شان جلب نموده متن حدیث را میخواند
۲۵دقیقه تقــــدیم درس	برای شاگردان هدایت میدهد تا درس را خاموشانه مطالعه نمایند و خود در عین حال کلمات: ابواب، زهد، تصنیف، مصنف، حاشیه و مؤلف را روی تخته مینویسد. از یکی دو شاگرد میخواهد تا با کمک هم دیگر نزد تخته رفته کلمات را معنا کنند. برای یک شاگرد وظیفه میدهد تا با استفاده از کتاب عناوین ذیل را در کنار تخته بنویسد: ۱- صحیح بخاری ۲- صحیح مسلم ۳- سنن ابی داوُد ۴- جامع ترمذی ۵- سنن نسائی ۶- سنن ابن ماجه ۷- موطا امام مالک با استفاده از عناوین، درس را برای شاگردان توضیح داده هر یک از کتب را جداگانه شرح میکند. از چند شاگرد میخواهد تا هر کدام یک عنوان را به نوبه خود شرح نماید. از شاگردان می پرسد کی میتواند مصنف کتاب بخاری و مسلم را معرفی کند. شاگردان را به دو دسته تقسیم نموده برای شان وظیفه میدهد تا در مورد خصوصیات کتب حدیث از یک دیگر سؤال نمایند.

	و خود در عین حال صنف را کنترول نموده جواب هایی اشتباه را جهت اصلاح نزد خود یاد داشت میکند. **ارزیابی** شاگردان را توسط سؤالات کتاب درسی ارزیابی می کند.
۱۰ دقیقه	**خلاصه** این درس در نکات ذیل خلاصه میشود: ۱- کتب حدیث به دو نوع است ۱ کتب مشتمل بر ابواب ۲ کتب مسانید ۳- کتب مشتمل بر ابواب کتبی است که احادیث به گونۀ ابواب در آنها جمع آوری شده است؛ مانند: جامع امام بخاری، جامع امام مسلم، جامع امام ترمذی. ۴- مسانید جمع مسند است مسند به کتابی گفته میشود که درآن روایات به اعتبار راویان ترتیب شده باشد. مسانید به دو نوع است. ۵- کتب ششگانه و مشهور حدیث عبارت است از: کتاب صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ابی داود، جامع ترمذی، سنن نسائی و سنن ابن ماجه میباشد. ۶- موطا کتاب امام مالک است موصوف یکی از چهار امام صاحب مذهب است. ایشان کتاب خود را در مسجد نبوی تدریس می نمودند. ۷- کتاب دیگری از حدیث مسند امام احمد حنبل است. امام احمد حنبل نیز یکی از چهار امام مشهور و صاحب مذهب میباشد. وی می گوید من احادیث کتاب خود را از بین هفت صد هزار حدیث رسول خداﷺ انتخاب نموده ام.
۵ دقیقه	**کارخانه گی** برای شاگردان وظیفه میدهد تا در مورد صاحبان کتب معتبر حدیث یک صفحه معلومات بنویسند.

درس: شانزدهم

عنوان: مسؤولیت

صفحه: ۵۰

وقت: دو ساعت درسی

اهداف:

شاگردان باید:

۱- متن حدیث را درست خوانده و حفظ کرده بتوانند.

۲- راوی حدیث را معرفی کرده بتوانند.

۳- معنای کلمات حدیث راخوب بفهمند.

۴- مسؤولیتها را درک نمایند.

دانش لازمی

- صحابی جلیل القدر عبدالله ابن عمرﷺ یک شخص زاهد، متقی و عالم بود. حضرت عبدالله بن عمرﷺ مولای حضرت نافع و حضرت نافع استاد امام مالک رحمة الله علیه بود. این سه تن بهترین سند طلائی حدیث را تشکیل میدهند.

عبدالله بن عمر در مطابقت اعمالش با سنت خیلی ها می کوشید.

- چنانچه واضح است مسؤولیت متوجه همه مسلمانان است؛ طور مثال: مسؤولیت چند کسی را به عنوان مشت نمونهٔ خروار بیان می کنیم.

- مسؤولیت پدر: بر پدر لازم است تا برای فرزندان خویش ضروریات مبرم؛ چون: غذا، لباس، مسکن و زمینه تعلیم و تربیهٔ را فراهم سازد. خداوند کریم در این مورد می فرماید: (**وَارزُقُوهُم فِيهَا وَاكسُوهُم وَقُولُوا لَهُم قَولاً مَّعرُوفاً**) النسا. غذا و لباس آنها را فراهم نموده و با ایشان به شیوه نیکو سخن بگویید.

- تهیهٔ مواد اولیه در حد مناسب برای پدر لازم است. مراد از غذای مناسب آن است که صحی و قابل استفاده باشد و نیز لباس مناسب آن است که در گرماه و سر ماه از بدن حفاظت کند و مسکن مناسب آن است که در آن احساس آرامش شود. این صفات مورد قبول همه علما قرار گرفته است.

- مسؤولیت تأمین هزینه زنده گی پدر و مادر محتاج و تنگدست به دوش فرزندان است. در حقیقت احساس این مسؤولیت جزۀ از نیکی و احسان به والدین به شمار میرود؛ چنانچه خداوند کریم می فرماید: (وَبِا لوَالِدَين إحسَاناً)

- مسؤولیت شوهر: تأمین هزینه و مصرف زنده گی زن به دوش شوهر است. فرق نمی کند که زنده گی شان در حالت عادی باشد و یا هم زن طلاق رجعی داده شده باشد و یا هم در ایام عدت به سر برد.

نفقه یی که به دوش شوهر واجب است؛ همانا غذا، لباس و مسکن است.

- بعضی مواردی که مسؤولیت ها برداشته میشود:

۱- هرگاه زن به هوا شود و به وجایب همسرداری قصداً عمل نکند یا به شوهر اجازه ندهد که با او همبستر شود. مرد میتواند از تهیه نمودن ضروریات و یا نفقهٔ او خود داری کند.

۲- خانم طلاق داده شده هنگامیکه عدت وضع حمل را سپری کند و طفل را به دنیا آورد؛ بعد نفقهٔ او از شوهرش ساقط میشود و شوهر کدام مسؤولیتی در مقابل آن ندارد؛ اما اگر طفل را شیر میداد میتواند در این صورت حق شیرش را از شوهر مطالبه نماید.

۳- هرگاه پدر و مادر غنی و بی نیاز باشند مسؤولیت نفقه و مصرف زنده گی ایشان از دوش فرزندان ساقط میشود.

۴- مسؤولیت تأمین و تهیهٔ مصارف زنده گی پسری که به حد بلوغ رسیده باشد و یا هم تحصیلات خود را به پایان رسانیده باشد. از دوش پدر ساقط میشود و نیز نفقه و مصارف دختری که شوهر کرده باشد از دوش پدر ساقط میشود. ([1])

معنای کلمات: آثار: جمع اثر نقش قدم، جای پا قبال: مقابل، برابر هم نوعان: هم جنسان رعیت: زیردستان خادم: خدمت گار

روش تدریس: سؤال و جواب، انفرادی، گروپی، توضیحی، تشریحی و مباحثوی

مواد ممد درسی: کتاب، تخته، تباشیر....

وقت	فعالیت ها
دقیقه مقدمه	بعد از موضوعات مقدماتی درس گذشته را با طرح چند سؤال ارزیابی می کند؛ طور مثال: - کی میتواند اسمای محدثین کتب صحاح السته را بیان کند؟ - کی میتواند بگوید مصنف کتاب موطا کدام شخص است؟ بعد از استماع جوابات توسط یک شاگرد عنوان درس را.
۲۵دقیقه تقـــدیم درس	برای شاگردان هدایت میدهد تا کتاب های شان را باز کنند و خود متن حدیث را با دقت کامل قرائت میکند برای شاگردان هدایت میدهد تا درس را خاموشانه مطالعه نمایند؟ و خود در عین حال کلمات: آثار، قبال، هم نوعان، رعیت و خادم را روی تخته مینویسد. از شاگردان میپرسد کی میتواند کلمات را معنا کند؟ از یک شاگرد میخواهد تا این عناوین جانبی درس را روی تخته بنویسد: ۱- مسؤولیتهای امام ۲- مسؤولیتهای پدر ۳- مسؤولیتهای مادر ۴- مسؤولیتهای خدمتگار ۵- کسی بدون مسؤولیت نیست با استفاده از عناوین جانبی درس را شرح و توضیح مینماید. از چند شاگرد میخواهد تا هر کدام یک عنوان جانبی را برای دیگران تشریح کنند.

[1] - منهاج المسلم ص ۴۷۴.

نص حدیث مبارک را توسط شاگردی با آواز مناسب قرائت می کند. سعی می ورزد ترجمه حدیث توسط شاگردان ارایه شود. برای شاگردان چند دقیقه وقت میدهد تا در مورد مسؤولیت ها بین هم بحث و گفتگو کنند. **ارزیابی** معلم محترم جهت اطمیان خود از یاد گیری درس شاگردان را توسط سؤالات کتاب درسی ارزیابی میکند. **خلاصه** این درس در نکات ذیل خلاصه میشود: ۱- از نظر اسلام هیچ انسانی وجود ندارد که بدون مسؤولیت باشد. ۲- مهم ترین مسؤولیت امیر مسلمان این است که دین را برپا و قایم نگه داشته، احکام شرعی را عملی کند. ۳- علاوه از فراهم نمودن نفقه و لباس بزرگترین مسؤولیت پدر در قبال فرزندان این است که زمینهٔ فرا گیری تعالیم را برای شان مساعد نماید به خصوص تعالیم اسلامی را. ۳- مادر نیز در برابر فرزندان و خانواده مسؤولیت های دارد؛ مانند: نظم و نسق کارهای خانه، تربیت فرزندان، حفاظت شان از مفاسد اخلاقی، اکرام و احترام مهمانان. ۵- به طور عموم همه کارکنان و همه افراد جامعه یکی در مقابل دیگر مسؤولیت دارند.	۱۰ دقیقه
کارخانه گی برای شاگردان وظیفه میدهد تا حدیث مبارک را نوشته و حفظ نمایند.	۵ دقیقه

درس: هفدهم

عنوان: هفت گناه هلاک کننده «۱»

صفحه: ۵۴

وقت: دو ساعت درسی

اهداف:

شاگردان باید:

۱- نص حدیث مبارک را درست خوانده و مفهوم آن را بدانند.

۲- با راوی حدیث آشنایی کامل پیدا کنند.

۳- گناه های مهلک را یک یک معرفی کرده بتوانند.

۴- ترجمه حدیث مبارک را بفهمند.

دانش لازمی

- علاوه از هفت گناهی که در حدیث که درین کتاب درسی ذکر شده گناهان دیگری نیز وجود دارد که به آیات و احادیث ثابت و معرفی شده؛ مانند: دروغ گفتن، غیبت، سرقت، نوشیدن خمر، اختلاس، آزار والدین، ترک فرایض از روی تنبلی، زنا، لواط، تجاوز به حرمت و عزت یک مسلمان، قمار و غیره.

- شرک از بزرگترین گناه به شمار میرود و خداوند در مورد سنگینی آن فرموده:

(**إِنَّ اللّهَ لاَ يَغْفِرُ أَن يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَن يَشَاء**) سوره النساء آیه ۴۸ به تحقیق خداوند کریم نمی آمرزد این که شریک گردانیده شود به او ومی آمرزد بدون شرک از برای کسی که خواهد.

- شرک به دو نوع است ۱_ شرک اکبر ۲_ شرک اصغر.

شرک اکبر آن است که بنده در ذات و یا صفات خداوند متعال چیزی دیگری را و یا کس دیگری را شریک قرار دهد؛ چنانچه در فوق اشاره شد. خداوند کریم در مورد سنگینی و بزرگی شرک اکبر در سوره لقمان می فرماید: (**إِنَّ الشِرکَ لَظلمٌ عَظِيم**) سوره لقمان آیه ۱۳

- شرک اصغر: این نوع شرک را شرک خفی نیز گویند. رسولﷺ روزی فرمود: بدترین چیزی که من از ناحیه آن در مورد شما نگرانم شرک اصغر است اصحاب. فرمودند یا رسول اللهﷺ شرک اصغرچیست؟ آنحضرتﷺ در جواب فرمود: ریا و خود نمایی. (رواه احمد و بیهقی)

— حقیقت ریا آن است که کسی به دست آوردن مال، مقام و کسب محبوبیت و شهرت نزد دیگران خداوند را عبادت کند چه عبادت جانی باشد و یا عبادت مالی.

سحر از دو جا سرچشمه گرفته:

۱_ از زمان سلیمانعليه السلام چون مردم یهود درآن وقت با جنیات ملاقات و سروکار داشتند و از شیاطین سحر را آموختند و بعد بی شرمانه سحر را به حضرت سلیمانعليه السلام نسبت دادند و گفتند ما این را از سلیمان آموختیم؛ اما خداوند به رد این ادعای دروغین شان فرمود: (**وَمَا كَفرسُلیمَنُ وَلكِنَّ الشّيطِنَ كفَرُوا يُعلِمُونَ النّاسَ السِّحر**) و سلیمان کفر (سحر) نورزید؛ بلکه شیطان صفت ها به کفر گرایدند و برای مردم سحر می آموختند.

۲ از عهد هاروت و ماروت که در اصل دو فرشته بودند؛ اما به صورت انسان در بین مردم در شهر بابل می زیستند و در فن سحر علم داشتند، ایشان طالبان این فن را از فرا گرفتن این علم باز میداشتند و برای شان می گفتند سحر باعث زوال ایمان میشود و اگر کسی اصرار میکرد برای وی می آموختند، در حقیقت مراد از این کار امتحان و آزمایش بنده گان بود، چون خداوند در مورد فرموده است در این علم جز خساره دنیا و ضرر آخرت چیز دیگری متصور نیست و جز به اراداه خداوند ساحران کاری کرده نمی توانند. تفسیر کابلی جلد اول آیه ۱۰۴.

حکم تعلیم، تعلم و عمل به سحر: آموختن علم سحر به نیت دفع آن مباح و آموختاندن آن به دیگران و عمل به آن حرام میباشد.

- اگر کسی باور داشته باشد که سحر از قدرت خداوند بیرون است و یا فوق اراداه خداوند صورت می گیرد کافر مطلق میشود.

- قتل ناحق: رسولﷺ در مورد اهمیت حیات انسان و سنگینی جرم قتل می فرماید: (**عَن عَبدالله بِن مَسعُود قالَ قالَ رَسُولُ اللهﷺ اوّلَ مَا يُقضى بَينَ النّاس يَومَ القِيَامَة فِي الدِمَآء**) متفق علیه

اولین مسأله یی که در روز قیامت میان مردم مورد قضاوت قرار میگیرد مسأله خونهاست.

- انواع قتل: به خاطر اینکه قتل حق از ناحق تفکیک شود انواع قتل را به طور خلاصه بیان میکنیم:

۱- قتل عمد: آن است که قتل توسط اسلحه، ابزار، آلات جارحه و آهنی؛ مانند: تفنگ، شمشیر، چاقو آهن، سنگ، چوب ضخیم، حتی انداختن از بلندی، حریق کردن در آتش، غرق ساختن در آب، خفه کردن، خورانیدن زهر که باعث مرگ شود. همه از صنف قتل عمدی به شمار میرود. حکم شرعی این قتل آن است که قاتل باید قصاص شود و گناه این قتل چنان بزرگ است مثل اینکه تمام مردم به قتل رسیده باشند. خداوند کریم در مورد می فرماید: **أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا**. سوره المائده آیت(۳۲) ترجمه: هر کس که کسی را جز به قصاص قتل یا به کیفر فسادی در زمین بکشد؛ چنان است که گویی همه مردم را کشته باشد.

۲- قتل شبه عمد: شبه عمدی آنست که ضارب قصد ضرب مضروب را دارد؛ اما نمی خواهد او را به قتل رساند؛ مانند اینکه او را توسط چوب سبک و یا سیلی میزند و یا به سرش فریاد میزند در اثر همین ضرب وی از بین می رود. حکم شرعی این قتل آن است که باید قاتل دیت مقتول را بپردازد؛ چنانچه خداوند در آیه ذیل فرموده:

(**وَمَن قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَئًا فَتَحْرِيرُ رَقَبَة مُّؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُّسَلَّمَةٌ إِلَى أَهْلِهِ إِلاَّ أَن يصَّدَّقُواْ**) سوره النساء آیه **۹۲** هرکس مؤمن را به اشتباه به قتل رساند باید بردۀ مومن را آزاد کند و به اهل او خونبها پرداخت کند؛ مگر اینکه اولیآی مقتول گذشت نمایند.

۳- قتل خطا: قتل خطا آن است که یک مسلمان هرگز قصد ضرب و قتل را ندارد؛ اما تصادف از دست او کسی به خطا به قتل میرسد؛ مانند اینکه شخصی میخواهد تیر اندازی را بیاموزد تصادف تیرش به جان کسی اصابت می کند و یا شخصی میخواهد شکار کند؛ اما تیرش به عوض اینکه به حیوان برسد به جان کسی اصابت می کند و یا هم اینکه شخصی با احتیاط کامل و با رعایت قانون؛ راننده گی میکند و هیچ گونه دشمنی سابقه هم با طرف ندارد اما تصادف کسی را زیر تایر موتر میکند که این همه از صنف قتل خطا به شمار میروند. حکم شرعی این قتل و حوادث؛ مانند: قتل شبه عمد است؛ اما با تفاوت یعنی در این قتل دیت تخفیف داده میشود و نیز قاتل گناه کار محسوب نمی شود.

- قاتل عمدی اگر بالغ، عاقل و مکلف باشد قصاص میشود و اگر نا بالغ و دیوانه باشد؛ قصاص نمی شود؛ اما مجازات دیگری که شریعت اسلامی تعیین کرده بالای شان تطبیق می شود، و نیز اگر قاتل پدر و مادر مقتول باشد قصاص نمی

شود؛ زیرا در مورد حدیثی را امام احمد و ابوداؤود به این محتوا روایت کردند: (پدر به خاطر کشتن فرزند خود قصاص نمی شود)

- اولیای مقتول در قتل عمد در سه چیز اختیار دارند: ۱_ اینکه قاتل را قصاص کنند. ۲_ اینکه از قاتل دیت اخذ نمایند. ۳ _ اینکه قاتل را عفو کنند.

- هرگاه قاتل قبل از قصاص به مرگ خود فوت شود؛ اولیای مقتول حق درخواست دیت را دارند.

- خوردن مال یتیم: در مورد مال یتیم خداوند کریم مهربانی نموده می فرماید: (**وَيسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَى قُلْ إِصْلاَحٌ لَّهُمْ خَيرٌ وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ وَاللّهُ يعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ وَلَوْ شَاء اللّهُ لأعْنَتَكُمْ إِنَّ اللّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ**) ومی پرسند ترا از حکم کودکان یتیمان. بگو اصلاح آوردن در کار شان بهتر است، اگر در جدایی، منفعت یتیم باشد مال شان را جدا کنید و اگر در شراکت منفعت شان باشد، شریک سازید ایشان را. اگر مال آنها را با مال خود یکجا کردید پس ایشان برادران شمایند. و خداوند می داند تباه کار را از اصلاح کار، (خائن و امانت دار را خوب می شناسد). و اگر خداوند می خواست بر شما سختی می آورد هر آیینه خداوند غالب و با حکمت است.

معنای کلمات: گربه: پشک. ریا: خودنمایی کاهن: غیب گو، بر مردی اطلاق میشود که به ظن خودش توسط جنیات از اخبار غیب مطلع میشود مثابهٔ: مانند. قصاص: پی گیر، پی گیری خون، کشتن قاتل.

روش تدریس: سؤال و جواب، انفرادی، و گروپی، توضیحی، تشریحی و مباحثوی

مواد ممد درسی: کتاب، تخته، تباشیر.....

وقت	فعالیت ها
۵دقیقه مقدمه	بعد از موضوعات مقدماتی درس گذشته را با طرح چند سؤال ارزیابی می کند؛ طور مثال: - کی میتواند حدیث درس گذشته را از بر بخواند؟ - کی میتواند مسؤولیت های امیر مسلمانان را توضیح کند؟
۲۵دقیقه تقـــــدیم درس	بعد از استماع حدیث و جوابات عنوان درس را روی تخته مینویسد. توجه شاگردان را به کتاب های شان معطوف داشته متن حدیث را میخواند. برای شاگردان هدایت میدهد تا درس را خاموشانه مطالعه نمایند. و خود در عین حال کلمات: گربه، ریا، کاهن، مثابهٔ و قصاص را درکنار تخته مینویسد. کلمات را توسط دو شاگردی که کمتر در فعالیت ها سهم می گیرند معنا میکنند اگر مشکل داشتند ایشان را همکاری می کند. معلم محترم از یک شاگرد میخواهد تا این عناوین جانبی درس را در کنار تخته بنویسد: ۱- شناخت راوی ۲- حکمت حدیث ۳- به خداوند شریک قرار دادن ظلم است ۴- حقیقت سحر و زیانهای دنیوی و اخروی آن ۵- کشتن یک انسان بی گناه به مثابهٔ قتل تمام انسانها است. ۶- شکم را از آتش پرکردن حواس شاگردان را جمع نموده با استفاده از عناوین جانبی درس را تشریح می کند.

از چند شاگردی که امروز نوبت شان است میخواهد تا هر کدام یک عنوان جانبی را به نوبه خود شرح و توضیح کند. از یک شاگرد میخواهد تا متن حدیث مبارک را بخواند و بعد توسط یک شاگرد ترجمه آن را روی تخته مینویسد اگر شاگرد موصوف در ترجمه مشکل داشت برایش اجازه میدهد تا از همصنفانش معنای بعضی کلمات را جویا شود. شاگردان را به دو گروپ تقسیم نموده برای یک گروپ هدایت میدهد اینکه در مورد شرک و سحر و گروه دیگر در مورد قتل نفسی که از جانب خداوند حرام است و برخی از نظریات هر دو گروه را نزد خود یادداشت کند. خوردن مال یتیم بین هم بحث کنند. و خود در عین حال نظم صنف را بر قرار داشته از همه بعضی نظریات را نزد خود یاد داشت می کند. **ارزیابی** شاگردان را توسط سؤالات کتاب درسی ارزیابی می کند. **خلاصه** این درس در نکات ذیل خلاصه میشود: ۱- حضرت ابوهریره در سال هفتم هجری در هنگام غزوه خیبر ایمان آورد موصوف در زمان خلافت حضرت عمرﷺ والی بحرین تعیین شده بود و در سال ۵۸ هجری به عمر ۷۸ ساله گی وفات کرد. ۲- هفت گناه هلاک کنده است که در اصطلاح گناه های کبیره گفته میشوند: چهارآنها عبارت است از شرک، سحر، قتل، خوردن مال یتیم. ۳- اگر کسی مرتکب گناه کبیره شود و بعد توبه نکند و از خداوند طلب آمرزش نخواهد به یقین که نسبت به حدیث مبارک به هلاکت و تباهی گرفتار میشود. **کار خانه گی** برای شاگردان وظیفه میدهد تا در مورد چهار گناه اولی یک مقاله بنویسند.	۱۰ دقیقه ۵ دقیقه

درس: هجدهم

عنوان: هفت گناه هلاک کننده «۲»

صفحه: ۵۸

وقت: دو ساعت درسی

اهداف:

شاگردان باید:

۱- نص حدیث مبارک را درست خوانده بتوانند.

۲- با راوی حدیث مبارک آشنایی کامل پیدا کنند.

۳- گناه های مهلک را یک یک معرفی کرده بتوانند.

۴- ترجمهٔ حدیث مبارک را طور شفاهی بیان کرده بتوانند.

دانش لازمی

- تعریف ربا: ربا عبارت زیادت بلاعوضی است که قرض دهنده از قرض گیرنده میگیرد. از اضافه نقدی و جنسی است که آنرا ربا خوار از ربا دهنده می گیرد و برای آن اضافت «ربا» گفته میشود. ربا به دو نوع است:

۱- ربا الفضل ۲- ربا **النسیئة** ربا الفضل:

آن است مقداری جنسی که در آن ممکن است با مقدار بیشتری از همان جنس معامله شود.

ربا **النسیئة**: آن است که کسی از شخصی طلبی دارد و زمانی که وقت باز پرداخت آن فرا میرسد به قرضدار خود گوید یا قرضت را پرداخت کن و یا مبلغی را به خاطر تأخیر آن بالایت اضافه می کنم و یا عبارت دیگر شخصی بر دیگری گوید به خاطر رفع ضروتت پول برایت میدهم؛ اما وقت گرفتن توباید برایم مبلغی بیشتر از اصل پولم بپردازی. این گونه ربا در زمان جاهلیت بیشتر رواج داشت؛ اما با ظهور دین مقدس اسلام این کار زشت زیر قدم های رسول خدا دفن شد و خداوند متعال خطاب به اهل ایمان فرمود: (**يَا ايُّهَا الَّذِينَ آمَنوُا لا تأ كُلُوا رِبَا أضعَا فاً مُضَا عَفَةً**) سورهٔ آل عمران آیه ۱۳۰ ای کسانیکه ایمان آورده اید ! سود را دو و یا چند برابر نکنید و ؛ اموال مردم را - به ناحق مخورید.

- حکم شرعی ربا:

ربا یا سود خوردن بنا بر آیات قرآنکریم حرام مطلق است در مورد آن و عید شدید آمده است. چنانچه خداوند کریم در این آیه مبارک فروده است: (**أحَلّ اللهُ البَيعَ وَحَرّمَ الرّبَا**) خداوند معامله خرید و فروش را حلال و ربا را حرام گردانیده است.

- حضرت رسول الله ﷺ در مورد حرمت، اضرار و عذاب ربا ارشادات گرانبهای را فرموده است که چند آنرا در این ذکر می نماییم:

(**عَن جَابرٍ لعَنَ رَسُولُ اللهِ ﷺ آكِلَ الرِّبو امُوكِلَهُ وَ كَاتِبَهُ وَشَاهِدَيه وَقالَ هُم سَوآءٌ**) **{رواه مسلم}**

از حضرت جابر رضی الله عنه روایت است که: رسول الله ﷺ خورنده سود و خوراننده آن را (کسیکه سود میدهد) و نویسنده و شاهدان معامله سود را لعنت کرده و فرمود ایشان در گناه برابراند.

(عَن أبی سَعید الخُدرِی قالَ قالَ رَسُولُ اللهِﷺ الذَهَب بالذهَبِ وَالفِضَة بالفِضةِ وَالبُرّ بالبرِ وَالشَعِيرَ بالشَعِير وَالتَمرِبـالتَمرَ وَالملـح بالملحِ مِثلاً بمثلٍ يَداً بيدٍ فَمَن زَادَ أواستزَادَ فَقد أربی، الآخِذَ وَالمُعطِی فِیهِ سَوآءٌ){رواه مسلم}

از حضرت ابی سعید خدریﷺ روایت است که رسول اللهﷺ فرمود: معامله شود یا فروخته شود طلا به طلا، نقره به نقره، گندم به گندم، جوبه جو، خرما به خرما، نمک به نمک مانند به مانند دست به دست. پس کسیکه زیاد کرد یا طلب زیادت کرد؛ به تحقیق سود کرده (سود خورده) گیرنده و دهنده در گناه برابر اند.

از حضرا ت ابی سعید و ابی هریره « رضی الله عنهما » روایت است که رسول اللهﷺ مردی را عامل (جمع کننده زکات) به شهر خیبر تعیین کرد بعد آن مرد خرما های سرچیده و اعلی را نزد رسول اللهﷺ آورد و رسول خداﷺ برایش فرمود آیا تمام خرما های خیبر چنین است؟ آن مرد گفت: یا رسول اللهﷺ سوگند به خداوند تعالی همه چنین نیست. در حقیقت ما گاهی یک پیمانه از این خرما را در مقابل دو پیمانه خرما های دیگر میگیریم و گاهی دو پیمانه از این خرما را در مقابل سه پیمانه خرماهای دیگرمیگیریم. بعد رسول اللهﷺ فرمود این کار را مکن (سود میشود) خرما های خراب را به دراهم بفروش (بعد ازگرفتن) بعد خرماهای خوب و نیک را به دراهم بخر تا اینکه سود نشود.

(عَن أبی هُریرَة عَن رَسُولَ اللهِﷺ قالَ لَیاتِینَّ عَلی النّاسِ زَمانٌ لایَبقی أحدٌ إلاّ آکلُ الرّبوا فَإن لَم یّأکُلهُ أصَابَهُ مِن بُخَارِه وَیَروِی مِن غُبَارِه) {رواه احمد و ابوداوُد والنسآئی وابن ماجه}

از حضرت ابی هریرهﷺ روایت است که رسول اللهﷺ فرمودند: به تحقیق بر مردم زمانی میاید که باقی نمی ماند هیچ یکی مگر اینکه سود خور میباشد، پس اگر باشد کسی که سود نخورد به وی از سود اثری میرسد (دهنده یا نویسنده یا شاهد یا خورنده ازطعام سود خوران باشد) و در روایتی بدیل بخار غبارآمده است معنی واحد است.

(عَن عَبدالله بِن حَنظَلةَ غَسیل المَلائِکة قالَ: قالَ رَسُولُ اللهِﷺ دِرهَمُ رِبوا یَأکله ُالرَّجُلُ وَهُوَیَعلمُ أشدٌّ مِن سِتةٍ وَثلثِینَ زَنیــةٌ) {رواه احمد و الدارقطنی}

از حضرت عبدالله بن حنظله ﷺ روایت است که رسول اللهﷺ فرمود: مردی یک درهم سود را بخورد در حال که میدانست این سود است گناه اش نسبت به گناه سی و شش بار زنا سخت تراست (لقب حنظله غسیل الملائکه است؛ چون او در غزوه اُحد شهید شد فرشته گان غسلش دادند؛ زیرا از جنابت وی کسی آگاه نبود. غزوه اُحد مصادف شب نکاح اش به وقوع پیوست در غیرآن برای شهید غسل نیست)

عَن أبی هُریرَة قالَ قالَ رَسُولُ اللهِﷺ اَلرِبوا سَبعُونَ جُزءً أیسَرهَا أن یَّنکَحَ الرّجُلُ اُمَّهُ {رواه ابن ماجه}.

از حضرت ابی هریرهﷺ روایت است که رسول اللهﷺ فرمود: سود هفتاد جز یا شعبه است آسان ترین آن از روی گناه برابر به این است که مردی زنا کند با مادرش (تشدید توبیخ است برای امت)

(عَن أبی هُریرَة قالَ قالَ رَسُولُ اللهِﷺ أتیتُ لَیلة ا ُسرِیَ بِی عَلی قَومٍ بُطُونهِم کَالبُیُوتِ فِیهَا الحَیَّات تَری مِن خَارِج بُطُونهم فَقلتُ مَن هؤلآء یَاجبرَئیل قالَ هؤلآءِ أکَلةَ الرِّبوا. {رواه احمد وابن ماجه}

از حضرت ابی هریرهﷺ روایت است که رسول اللهﷺ فرمود: در شب معراج به سوی گروهی که شکم های شان مانند خانه هاست آمدم و در آنها مارهاست که آن مارها از بیرون شکم های شان دیده میشود. بعد گفتم ای جبرئیل! این اشخاص کی ها اند؟ جبرئیل امین گفت: این گروه سود خورانند (دردنیا سود می خوردند).

(عَن أنسٍ عَن النّبیﷺ قالَ إذا أقرَضَ الرّجُلُ الرّجُلَ فلا یَأخُذهَدیَةً) {رواه البخاری}.

از حضرت انس روایت است که نبیّ کریمﷺ فرمودند: وقتیکه قرض داد یک مرد به مرد دیگری پس باید قرض دهنده از مقروضش هدیهٔ را نپذیرد.

(عَن عَلیّ ٍ أنّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللهﷺ لَعِنَ آکِلَ الرِّبوا وَمُؤکِلُه ُوَکَاتِبُه ُوَ مَانِع الصّدَقةِ وَکانَ یَنهی عَن النَوحِ){رواه النسایی}

از حضرت علیﷺ امیرالمؤمنین روایت است: به تحقیق وی شنیده بود که حضرت رسول الله ﷺ سود خورنده، سود دهنده، نویسنده معامله سود و ندهندهٔ زکات را لعنت میکرد و حضرت علیﷺ گدا را از زاری و ناله منع میکرد.

- یکی از گناه هان کبیره در اسلام تهمت است که از جانب اشخاص فاسق و منافق بر زنان پاک دامن مسلمان بسته میشود که حتی برام المؤمنین حضرت عایشه صدیقه بسته شد؛ چنانچه در سیرت می آید: در سفر غزوه بنی المصطلق حضرت رسول خدا حضرت عایشه را با خود برد، هنگام بازگشت حضرت ام المؤمنین به غرض قضای حاجت رفت و هنگامیکه میخواست بر گردد متوجه شد که گردنبندش افتاده است، وی مشغول پالیدن گردبند شد از این لحاظ در آمدنش کمی تأخیر شد و در این اثنا کسانیکه کجاوه (دولی) وی را حمل میکردند فکر کردند که مادر مسلمانان در داخل دولی است؛ زیرا وزن سنگینی نداشت. زمانی که حضرت عایشه آمد سپاه اسلام حرکت کرده بود. خداوند کریم بروی خواب را غالب نمود وی به خواب رفت و به گفتن کلمات استرجاع حضرت صفوان بن معطلﷺ بیدار شد، حضرت صفوان وی را شناخت و شترش نزدیکش آورد و خوابانید، حضرت عایشه بالای آن سوارشد و به دنبال سپاه روان شد، چون مردم از این ماجرا خبر شدند هر کس به زعم خود این قضیه را تعبیرکرد. دشمن خدا (عبدالله بن ابی) و یارانش به تهمت و تبلیغات سوء پرداختند و به دامان مادر مسلمانان خواستند لکه بد نامی وارد شود که حتی رسول خدا در این ایام بسیار حزین و افسرده بود. تا اینکه در رابطهٔ به پاکی و عصمت حضرت عایشه صدیقه خداوند کریم آیات متعددی را در سوره مبارکه نور نازل فرمود و چهره های منافقین را یک بار دیگر رسوا و شرمسار کرد بعد پیغمبر خداﷺ لبخند زد و خطاب به عایشه صدیقه گفت: «**یاعَایشة امّا اللهُ فَقد برّأکِ** » ای عایشه خداوند ترا برائت داد. ([1])

- جزا و تعذیب این عمل بد (تهمت) در اسلام واضح است که همانا هشتاد دُره (شلاق) می باشد.

چنانچه خداوند کریم در مورد مـی فرمایـد: (**وَالذِینَ یَرمُونَ المُحصِنتِ ثُمّ لَم یَأتوُا باربَعَةِ شُهَدآءَ فَاجلِدُوهُم ثَمنِینَ جَلـدَةً وَّ لا تَقبَلوُا لَهُم شَهَادَةً أبَدَا وَاُولئِکَ هُمُ الفسِقوُن**) سوره نور آیت ۴

و کسانیکه تهمت می بندند به زنان پاک دامن بعد نمی آورند «به اثبات این ادعای شان» چهار شاهد را. پس بزنیـد ایـشان را هشتاد دُره و قبول نکنید از آنها گواهی دادن را هیچگاه و آن گروه از جمله فاسقان آند.

- «الفرار من الزحف» گریختن از جهاد و پشت گردانیدن به کفار در روز جنگ گناهی بسا بزرگ و حتـی اکبـر الکبـائر است. نظر فقها این است که اگر تعداد کفار دو چنـد هـم باشـند نبایـد مـسلمان در مقابـل ایـشان پـشت گردانـد؛ چنانچـه خداوند کریم می فرماید: (**یَاایُّهَاالذِینَ آمَنوُا إذَا لَقِیتُمُ الذِینَ کَفَرُوا زَحفاً فَلا تُوَلّوُهُمُ الادبَار**) سورهٔ الانفال آیت ۱۶.

ای مومنان هنگامیکه با کفار در جنگ رویا، روی شدید پس به سوی ایشان پشت خود راه.

و در آیهٔ بعدی خداوند جزای پشت گردانیدن بدون عذر و مصلحت شرعی را بیان فرمـوده اسـت: (**وَمَن یُّوَلِهِم یَومَئِذٍ دُبُرهُ الاّ مُتحَرِفًا لِقِتَالٍ اَو مُتَحَیزاً اِلی فِئَةٍ فَقَد بَآءَ بِغَضَبٍ مِّنَ اللهَ وَمَأ وَئهُ جَهَنّم وَبِئسَ المَصِیر**) و هر کـس بگردانـد پـشت خـود را بـه

[1] - الرحیق المختوم: صفحه ۴۷۸.

سوی ایشان «کفار» آنروز به تحقیق که در غضب خداوند گرفتار میشود و جای او دوزخ است و بد جای باز گشت است، مگر اینکه پشت گردانیدن به خاطر جنگ بعدی و یا رساند خود به گروه مرکزی باشد.

یعنی اگر عقب نشینی بر اساس مصلحت حربی باشد جایز است و کدام گناهی مرتب نمیشود؛ مثلاً: عقب نشستن به غرض هجوم مکرر و یا به خاطر حفاظت و مدافعت سپاه.

مثل عقب نشینی حضرت خالد بن ولیدﷺ در جنگ موته که ایشان توانست سپاه اسلام را با مهارت خاصی حربی از کام دشمن نجات دهد و لقب «سیف الله اعلول» را برای خویش کسب نماید. ([1])

معنای کلمات: بی بضاعت: نا توان بذر: کشت خدشه: خراش، لکه

روش تدریس: سؤال و جواب، انفرادی، گروپی، توضیحی، تشریحی و مباحثوی

مواد ممد درسی کتاب، تخته، تباشیر....

وقت	فعالیت ها
۵دقیقه مقدمه	بعد از موضوعات مقدماتی درس گذشته را با طرح چند سؤال ارزیابی می کند. طور مثال: کی میتواند انواع شرک را توضیح کند - کی میتواند در مورد اضرار خوردن مال یتیم صحبت کند. بعد از شنیدن جوابات توسط یک شاگرد عنوان درس را روی تخته نوشته برای شاگردان میگوید درس امروز ما بقیهٔ درس گذشته است.
۲۵دقیقه تقـــــدیم درس	برای شاگردان وظیفه میدهد تا درس را خاموشانه نزد خود مطالعه نمایند و خود در عین حال کلمات: بی بضاعت، بذر و خدشه را روی تخته مینویسد. از یک شاگرد مورد نظر میخواهد تا کلمات را معنا کند؛ اگر مشکل داشت برایش اجازه میدهد تا از نظریات دیگران استفاده کند. جزء آخر حدیثی را که مربوط به درس امروز میشود خوانده و ترجمه میکند و بعد توسط یک شاگرد آنرا روی تخته مینویسد. سپس از یک شاگرد میخواهد تا ترجمه آنرا در زیرش بنویسد. از دو شاگرد میخواهد تا یکی سه عنوان جانبی درس را بخواند و دیگرش آنها را بنویسد. با استفاده از عناوین جانبی، درس را برای شاگردان توضیح و تشریح میکند. از سه شاگرد میخواهد تا هر کدام به نوبه خود یک عنوان جانبی درس را شرح کنند. برای شان چند دقیقه وقت میدهد تا در مورد ضررهای خوردن سود، فرار ازمیدان جهاد و تهمت بستن به زن پاک دامن و مؤمنه که حتی از آن گناه خبرندارد بحث نمایند. و بعد اگر فرصت بود از ایشان بخواهد تا در مورد از هم دیگر سؤال نمایند.
۱۰ دقیقه	**ارزیابی** جهت اطمینان خود از یاد گیری درس شاگردان را توسط سؤالات کتاب درسی ارزیابی می کنند. **خلاصه** این درس درنکات ذیل خلاصه میشود:

[1] - تفسیر کابلی جلد دوم ص ۴۷۸.

	۱- سود خوری یک پدیدۀ شوم و بدیست که اشخاص فقیر و ناتوان را تکلیف داده فقیرتر میسازد. و از طرف دیگر باعث از بین بردن عطوفت و دلسوزی در بین جامعه میشود. خداوند کریم این عمل را دشمنی با خود و با رسولش اعلان کرده. ۲- فرار از میدان جهاد و مبارزه با کا فران و منکران یک گناه بزرگی است؛ زیرا فرار یک نفرمیتواند باعث شکست لشکرشود. ۳- زنان در اسلام از مقام وعزت خاصی برخورداراند پس کسی اگر به دامان پاک ایشان لکۀ وارد کند و تهمت ببندد در حقیقت مرتکب گناه بزرگی شده که به رغم عذاب آخرت در دنیا جزای وی هشتاد دره میباشد.
۵ دقیقه	**کارخانه گی** برای شاگردان وظیفه میدهد تا در خانه قرآنکریم را باز کرده و به سوره نور مراجعه نمایند و آیت قدف را حفظ نموده و ترجمه اش را نیز بیاموزند.

درس: نزدهم

عنوان: امر به معروف و نهی از منکر

صفحه: ۶۰

وقت: دو ساعت درسی

اهداف: شاگردان باید:

۱- متن حدیث را درست خوانده و ترجمهٔ آنرا بدانند.

۲- راوی حدیث را به صورت کامل بشناسند.

۳- اهمیت امر به معروف و نهی از منکر درست درک کنند.

۴- خطرات عدم امر به معروف و نهی از منکر را برای دیگران توضیح کرده بتوانند.

دانش لازمی

- امر به معروف و نهی از مکر یک وجیبه مبرم اسلامی و فرض کفایی میباشد که باید یک گروه از مسلمانان خاص به دعوت و ارشاد قیام ورزند و تنها وظیفهٔ آنها این باشد که مردم را به قول و عمل خویش به قرآن و سنت دعوت کنند و حتی المقدور به خاطر رضای خداوند در اصلاح جامعه بکوشند، معلوم است که انجام این امر از کسانی ساخته میشود که با وجود علم به معروف و منکر و آگاهی از قرآن و سنت باهوش و موقع شناس باشند، اگر چنین نباشد ممکن است جاهل معروف را منکر و منکر را معروف پندار و به جای اصلاح، نظام عامه را برهم زند و یا به غرض اصلاح منکر روشی را اختیار کند که بیشتر موجب حدوث منکرات گردد، چنانچه خداوندﷻ می فرماید: (**وَلتَكُن مِّنكُم اُمَّةٌ يَـدعَونَ اِلَى الخَيرِ وَيَأ مُرُونَ بِالمَعرُوفِ وَيَنهَونَ عَنِ المُنكَرِ وَاُولئِكَ هُمُ المُفلِحُونَ**)،

و باید از شما جماعتی باشد که بخوانند «مردم» را به سوی کار نیکو و امر کنند به کار پسندیده و باز دارند از کار ناپسند آن گروه رستگار اند.

- و نیز در پهلوی علم و آگاهی باید شخص دعوتگر باید بسیار حلیم و پرحوصله باشد امکان دارد بعضی جاهلان از دعوت به خیر سرکشی نمایند و گویند: عیسی در دینش و موسی در دینش برای تو چه ! و گویند بز از پایش آویزان است و گوسفند از پایش. از این لحاظ است که خداوند کریم می فرماید: (**اُدعُ إلى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالحِكمَةِ وَالمَوعِظَةِ الحَسَنَةِ وَجَادِلهُم بِالتّي هِيَ اَحسَنُ**) «مردم» را طلب کن به سوی راه «دین» پروردگارت به حکمت و موعظه بهتر و مجادله کن با ایشان به آن شیوه که بسیار نیکو باشد.

نسبت به حکم فوق هیچ کس نمی تواند خود را در مقابل این امر مهم بی نیاز و بیتفاوت قلم داد کند؛ بی تفاوتی در برابر امر به معروف و نهی از منکر ناشی از ضعف ایمان است. سخنهای پوچ و جاهلانه هیچ وقت دلیل بر عدم مسؤولیت شده نمی تواند؛ بلکه همه پیروان دین اسلام وامت آخر زمان در برابر همدیگر مسؤول اند و خداوند کریم به خاطر اهتمام و توجه خاص بر این موضوع نیز می فرماید:

(**كُنتُم خَيرَ اُمّةٍ اُخرِجَت لِلنّاسِ تأمُرُونَ بِالمَعرُوفِ وَتَنهَونَ عَنِ المُنكَروَتُؤمِنُونَ بِاللهِ**)

شما بهترین امتها هستید که بیرون آورده شدید تـا اینکـه مـردم را امـر مـی کنیـد بـه کارهـای پـسندیده و بـاز میداریـد از کارهای ناپسند و ایمان می آرید به خدا. حضرت عمرﷺ برای مردم می گفت هر کس می خواهد از شـما در خیـرالامم داخل گردد باید شرط الله را تکمیل کند یعنی امر به معروف و نهی از منکر نموده و ایمان به الله داشته باشد.

اما باید داعی، نخست خود را اصلاح کند و بعد به اصلاح دیگران بپردازد که این در شأن حضرات صـحابه کـرام رضـی الله تعالی عنهم بود.

– حضرت رسول اللهﷺ نیز در مورد اهمیت موضوع و حال دعوتگر ارشاداتی فرموده است که چند آنـرا طـور نمونـه بیـان می کنیم:

(عَن أبِی سَعید الخُدرِی عَن رَسُولِ اللهﷺ قالَ: مَن رَای مِنکُم مُنکِراً فَلیُغَیِّرهُ بِیَده فَإن لم یَستطِع فَبلسَانه فَـإن لم یَـستَطِع فبِقَلبِـه وَذَلِکَ أضعَفُ الایمَان) {رواه مسلم}

از حضرت ابی سیعد الخدریﷺ روایت است که رسول اللهﷺ فرمـود: کـسیکه از شـما کـار زشـتی را ببینـد بایـد آنـرا بـا دستش اصلاح کند، پس اگر با دست نتوانست با زبان به اصلاح آن بپردازد و اگر با زبان هم نتوانـست، بایـد در دل از آن متنفرشود و این ضعیف ترین ایمان است.

و نیز می فرمایـد: **(عَن نُعمَان بن بَشِیرقالَ قالَ رَسُولُ اللهﷺ مِثلُ الُمدهِن فِی حُدُودِالله وَالوَاقِع فِیهَا مِثلُ قَـومٍ إسـتَهَمُّوا سَـفِینَة فَصَارَبَعضُهُم فِی أسفُلهَا وَصَارَبَعضُهُم فِی أعلاَهَا فَکانَ الذِی فِی أسفَلُهَا یَمُرُّبالَمآءعَلی الّذِینَ فِی أعلاهَا فَتَاَذَوا به فَأخَذَ فَأسا فَجَعَل ینقرأسفلَ السَفِینَةَ فَاتُوهُ فَقَالُوا مَالَکَ قالَ تأذَیتُم بِی وَلا بُدَّ لِی مِن المَآءِ فَإن أخَذُوا عَلی یَدیهِ أنجَوهُ وَنَجُّوا أنفُـسَهُم وَإن تَرکُـوهُ هَلَکُوهُ وَأهَلَکُوا أنفُسَهُم)** {روا ه البخاری}

از حضرت نعمان بن بشیرﷺ روایت است که رسول اللهﷺ فرمود: حال و مثال مدهن (یعنی کسیکه سـستی و نرمـی میکنـد در حدود خداوند) و مثال کسیکه افتاده در حدود (مرتکب گنـاهی شـده) بـه مثـال قومیـست کـه در کـشتی دوطبقـه یـی نشسته بودند یک گروه در طبقه پائین و گروه دیگر در طبقه بالا. پس کسیکه از طبقه پائین بود بـه خـاطر گـرفتن آب بـه طبقه بالا می رفت پس اذیت میشد اشخاص طبقه بالا (چون از بسیار رفـت آمـد وی.) پـس مـرد طبقـه پـائین از تکلیـف اشخاص طبقه بالا بی حوصله شد سپس غرض گرفتن آب تبری را گرفت تـا کـف کـشتی را سـوراخ کنـد، پـس گـروه طبقه بالا آمدند و گفتند چه شده بر تو چه کاری میکنی؟ مرد طبقه پائین گفت از بسیار رفتُ آمد مـن بـه تکلیـف شـدید میخواهم از این طریق آب به دست آرم، پس اگر اشخاص طبقهٔ بالا دست وی راگیرند در این صورت او را و جان هـای خود را ازغرق شدن نجات داده اند، و اگروی را بگذارند تا کشتی را سوراخ کند در حقیقت وی را و جان های خـود را هلاک میگردانند.

رسول خدا وعید داعی بی عمل را در این حدیث ذیل بیان میکند:

(عَن أسَامَةَ بن زَید قالَ قالَ رَسُولُ اللهﷺ یُجآءَ بالرَّجُل یَومَ القِیمَة فَیُلقی فِی النَّارفَتدَلِقُ أقتَابُهُ فِی النّارفَیَطحَن فِیهَا کَطحنِ الحِمَاربرحَاه فَیَجتَمَعُ أهل النّارعَلیه فَیَقُولُونَ أیَّ فُلان مَا شَأنُکَ ألیسَ کُنتَ تأمرُنا بالَمعرُوف وَتنهَانَا عَنِ الُمنکَر قالَ کُنتُ أمرُکُم بالَمعرُوف وَلا آتیه وَأنهَاکُم عَنِ الُمنکَروَآتِیه) {متفق علیه}

از حضرت اسامه بن زیدﷺ روایت است که رسول اللهﷺ فرمود: مردی آورده میشود روز قیامت بعد به دوزخ انداخته میشود پس روده های وی به سرعت بیرون میشود و درآتش می افتد. سپس پایمال میکند روده خود را و گرد شان

چرخ می زند؛ مثلیکه خر آخر را پایمال میکند و چرخ میزند گرد میخش. بعد اهل دوزخ بروی جمع میشوند و میگویند: ای فلان چیست حال تو آیا تو نبودی که ما را امر میکردی به معروف و منع میکردی از منکر؟ میگوید بودم من که امر میکردم شما را به معروف و خود آن را انجام نمی دادم و نهی میکردم شما را از منکر و خود آن را انجام میدادم (همه مسلمانان به ویژهٔ داعیان کرام بیشتر متوجه این وعید باید باشند)

(عَن حُذَیفَة أنِّ النّبی ﷺ قالَ: وَالّذی نَفسی بَیدِه لَتأمُرُونَ بالمَعرُوفِ وَلتَنهَونَّ عَنِ المُنکرأولَیُوشکَنّ َاللہ أن یّبعَثَ عَلیکُم عَذاباً مِّن عِنده ثُمّ لَتَدعُنّهُ وَلا یُستَجَاب) {رواه الترمذی}

از حضرت حذیفه رضی الله عنه روایت است که به تحقیق نبی کریم ﷺ فرمود: سوگند به ذاتی که جان من در کف قدرت اوست؛ اینکه یا شما امر به معروف و نهی از منکر کنید یا این که خداوند تعالی عذابی را برشما بفرستد و مسلط خواهد کرد که آن وقت اگر دعا کنید اجابت نخواهد شد.

(عَن أنسٍ أنَّ رَسُولَ اللہ ﷺ قالَ رَایتُ لیلةَ اُسری رِجَالاً تُقرَضُ شُفاهُهُم بِمَقَارِیضَ مِن نَارقُلتُ مَن هولآءِ یَا جِبرَئیل قَالَ هولآءِ خُطبَاءُ مِن اُمَّتِکَ یَامُرُونَ النّاسَ بالبِّروَیَنسَونَ أنفُسَهُم وَفِی روایته قالَ خُطبَاءُ مِن اُمَّتِکَ الّذِینَ یَقُولُونَ مَالایَفعَلُونَ وَیَقرؤنَ کِتَابَ اللہ وَلا یَعمَلُون) {رواه البیهقی}

از حضرت انس رضی الله عنه روایت است که به تحقیق رسول الله ﷺ فرمود: من در شب اسری بعضی مردان را که لب های شان توسط قیچی های آتشی بریده میشد دیدم. گفتم ای جبرئیل! این گروه چـــه کسانی اند.؟ حضرت جبرئیل گفت: ایشان خطیبان امت تواند امر میکردند مردم را به نیکی و خویش را فراموش میکردند. در روایت دیگری آمده که ایشان خطیبان امت تواند میگفتند چیزی را که خود انجام نمی دادند و می خواندند کتاب خداوند جل جلاله را و به آن عمل نمیکردند.

(عَن عُمربن الخِطَاب قالَ قالَ رَسُولُ اللہ ﷺ إنّهُ تُصِیبُ اُمَّتِی فِی آخِرالزَمَان مِن سُلطَانهم شَدائِدُ لا یَنجُومِنهُ إلاّ رَجلٌ عَرَفَ دِینَ اللہ فَجَاهَدَ عَلیه بلِسَانه وَیَده وَقَلبه فَذلِک الّذِی سَبقَت لَهُ السَّوابِقُ وَرَجُلٌ عَرَفَ دِینَ اللہ فَصَدَّقَ به وَرَجُلٌ عَرَفَ دِینَ اللہ فَسَکَت عَلیه فَإن رَای مَن یَّعمَلُ الخَیرأحَبّهُ عَلیه وَإن رَای مَن یَّعمَل بِبَاطِلٍ أبغَضهُ عَلیه فَذلِکَ یَنجُوعَلی إبطَانه کلّه) {رواه البیهقی}

از حضرت عمربن خطاب رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: به تحیقیق که به امت من درآخر زمان از جانب سلطان های شان رنج و تکالیف میرسد، یعنی به مشاهده منکرات و استماع سخن های باطل از شرآن بلاها نجات نمی یابد مگر مردیکه دین خداوند تعالی شناخته و استقامت گزیده و بعد در مقابل آن مصائب به دست، زبان و قلب خود جهاد کرده. پس این مردی است که سبقت کرده به وی از سبقت های سعادت دارین و مردیکه دین خداوند تعالی را شناخت و آنرا تصدیق کرد و هم دین خداوند را شناخت بعد سکوت اختیارکرده صرف به این اکتفا کرد اگر کسی را دید که یک کار نیک را انجام میدهد انجام دادن کار نیک او خوشش می آید و اگر دید کسی را که کار بدی را انجام میدهد کار بد وی را بد می پندارد آن شخص به خاطر همچو نیتش نجات می یابد.

(عَن جَابرٍ قالَ قالَ رَسُولُ اللہ ﷺ أوحی اللہ عَزُوجَل إلی جبرَئیل عَلیه السَلام أنِ أقلُّب مَدِینَة کَذا وَکَذا باهلِهَا فَقَالَ یَا ربّ إنَّ فِیهِم عَبدِکَ فَلاناً لَم یَعصِک طَرفَةَ عَینٍ قالَ أقلبهَا عَلیه وَعَلَیهِم فَإنَّ وَجهَه لَم یَتَمَعّرُ فِی سَّاعَةً قَطّ) {رواه البیهقی}

از حضرت جابر رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: خداوند عزوجل بـه حـضرت جبرئیـل علیه السلام حکـم کـرد اینکـه: فـلان شهر را با تمام اهلش برهم زند که صفتش چنین و چنان است. حضرت جبرئیل گفت ای پرودگارم! بـه تحقیـق کـه در میـان

اهل آن شهر فلان بنده شماست که هرگز ترا معصیت نکرده و به اندازه یک چشم زدن از شما غافل نبوده. پروردگار عالم فرمود شهر را باوی و با همهٔ ایشان بگردان و برهم زن؛ زیرا که هیچگاه و در هیچ ساعتی روی او از خاطر من و از خاطر دین من تغییر نکرد یعنی بی تفاوتی اختیارکرده بود امر به معروف و نهی از منکر نمی کرد متأسفانه بعضی از مسلمانان امروز در این موقف به سر میبرند و احساس مسؤولیت نمی کنند.

معنای کلمات:

همدان: نام شهری است در کشور ایران.

مبادی: جمع مبدأ

سلوک: رفتار.

ترویج: مروج ساختن.

مصائب: جمع مصیبت

وعید: وعده به عذاب.

روش تدریس: سؤال و جواب، انفرادی، گروپی، توضیحی، تشریحی و مباحثوی

مواد ممد درسی: کتاب، تخته، تباشیر...

وقت	فعالیت ها
۵دقیقه مقدمه	بعد از موضوعات مقدماتی درس گذشته را با طرح چند سؤال ارزیابی می کند طور مثال: کی میتواند آن آیه مبارکهٔ را که در مورد وعید سود خور نازل شده است بخواند؟ - کی میتواند جزای تهمتگر را شرح کند؟ بعد از استماع قرائت و جوابات برای یک شاگرد وظیفه می دهد تا عنوان درس را روی تخته بنویسد.
۲۵دقیقه تقدیم درس	متن حدیث مبارک را با دقت کامل خواند ترجمه میکند. برای شاگردان وظیفه می دهد تا درس را خاموشانه مطالعه نمایند. و خود در عین حال کلمات: اسرار، همدان، مبادی، سلوک، ترویج، مصائب و وعید را در کنار تخته مینویسد. با اخذ نظریات شاگردان کلمات را معنا می کند. از دو شاگرد میخواهد تا یکی عناوین ذیل را بخواند و دیگری آنها را بنویسد. ۱- راوی حدیث ۲- حکمت حدیث ۳- اهمیت امر به معروف و نهی از منکر خطرات خود داری از امر به معروف و نهی از منکر. ۴- دعا و عذرخواهی مورد پذیرش قرار نمی گیرد

	با استفاده از عناوین جانبی درس را برای شاگردان توضیح و تشریح نموده بالای بعضی نکات مهم توجه و ترکیز بیشتر می کند. از چند شاگرد می خواهد تا هر کدام به نوبه خود یک عنوان درس را برای دیگران شرح کند. نص حدیث مبارک را توسط یک شاگرد با آواز مناسب میخواند. ترجمه حدیث را از شاگردان به دست آورده روی تخته مینویسد. برای شاگردان چند دقیقه وقت می دهد تا در مورد مفاهیم درس از هم دیگر سؤال نمایند. متوجه سؤالات و جوابات شاگردان بوده در صورت ضرورت بعضی جوابات را تصحیح می کند. شاگردان را به دو گروپ تقسیم نموده و برای شان وظیفه می دهد تا یک گروپ در مورد اهمیت امر به معروف و نهی از منکر و گروپ دیگر در مورد خطرات خود داری از آن بین هم بحث نمایند. **ارزیابی** شاگردان را توسط سؤالات کتاب درسی مورد ارزیابی قرار می دهد. **خلاصه** این درس در نکات ذیل خلاصه میشود:
۱۰ دقیقه	۱- حضرت حذیفه بن الیمان صاحب راز رسول خدا بود ایشان در زمان خلافت حضرت عمرﷺ به حیث والی مدائن تعیین شده بودند موصوف در سال ۳۶ هجری وفات کرد. ۲- در هر جامعه دو گروه مردم وجود دارد. نیک و بد. اگر مردم نیک در قبال مردم بد احساس مسؤولیت نکنند و دست آنها را از کار بد نگیرند در نتیجه خود شان نیز هلاک میشوند. ۳- امربه معروف ونهی از منکر یک وجیبهٔ اسلامی است که باید همه مسلمانان به اهمیت آن پی ببرند. ۴- اگر امر به معروف و نهی از منکر در یک جامعه ترک شود در قبال ترک، قهر خداوند نازل خواهد شد که باز در آن صورت دعا و عذر خواهی کارگر واقع نمیشود. ۵- شخص دعوتگر باید از علم، اخلاق نیکو، صبر و حوصله مندی و گفتار نیک برخوردار باشد.
۵ دقیقه	**کار خانه گی** شاگردان را به انجام کارخانه گی کتاب درسی مکلف می نماید.

درس: بیستم

عنوان: اقتصاد در مصرف

صفحه: ۶۴

وقت: دو ساعت درسی

اهداف: شاگردان باید:

۱- مفهوم و مطالب درس را درست بدانند

۲- بدون استفاده از کتاب، حدیث مبارک را ترجمه کرده بتوانند

۳- اهمیت اقتصاد را برای دیگران توضیح کرده بتوانند

۴- از بخل، افراط و تفریط اجتناب ورزند.

دانش لازمی

- اعتدال و اقتصاد موضوعی است مهم و فراگیر، چیزی است که همه امور زنده گی فردی و اجتماعی انسان را سر و سامان می بخشد. اعتدال به معنای اجتناب از افراط و تفریط در مصرف و یا دوری از تند روی وکند روی است که هر دو نادرست میباشد. اعتدال و اقتصاد در عبادات هم مطلوب است و اعتدال در عبادات آن است که در آن کوتاهی و زیاد روی نشود، یعنی آنقدر کم نباشد که موجب قهر خداوند شود و یا آنقدر زیاده روی هم نشود که حقوق دیگران تلف شود.

چنانچه حضرت رسول خدا ﷺ بر یکی از اصحابش فرمود: در عبادت زیاده روی مکن؛ زیرا بدنت، چشمت، زوجت و مهمانت بالایت حقوقی دارند.

- اعتدال و اقتصاد در بخشش آن است که نه اسراف صورت گیرد و نه بخل، و در مورد لباس و مسکن اعتدال آن است که از خود نمایی و هم چشمی پرهیز شود، از پوشیدن لباس های خشن و خانه های و همچنان ویران اجتناب صورت گیرد.

- مال و دارایی که از طریق حلال به دست آید در حقیقت یک نعمت بزرگ الهی است که خداوند برای بعضی از بنده گانش عطا می کند؛ اما اگر از آن استفادهٔ خوب صورت نگیرد، حق فرضیتش که عبارت از زکات است ادا نشود و در راه خداوند از آن مصرف به عمل، پس در این صورت مال و دارای سبب بد بختی و هلاکت میشود؛ چنانچه خداوند کریم در مورد می فرماید: (**وَلوبَسَط اللهُ الرِّزقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوا فِي الارضِ وَلكِن يُنزِلُ بِقَدرٍ مَّا يَشَآء إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ**): آیت ۲۷ سوره شورا. و اگر خداوند روزی را برای بنده گانش فراخ کند در زمین عصیان و طغیان میکنند؛ مگر فرو می فرستد به اندازهٔ مصلحت است که میخواهد و به تحقیق او ذات دانا و بینا است.

- چطور میتوان محبوب مردم شد؟

وقتی انسان میتواند محبوب دلها قرار گیرد که ایماندار و متقی باشد، بندهٔ مؤمن باید سعی ورزد تا رضای پروردگارش را کسب کند، واضح است که هر کسی را خداوند دوست بدارد و از او راضی باشد مردم او را دوست میدارند، در این مورد خدوانْد منان در سورهٔ مبارک مریم می فرماید: (**إِنَّ الذِينَ آمَنُوا وَعَمِلوُا الصّلِحتِ سَيَجعَلُ لَهُمُ الرَّحمَنَ وُدًّا**): کسانیکه که ایمان آورده و کارهای نیک کرده اند به زودی خداوند رحمن برای آنان محبتی را در دلها ایجاد میکند.

خداوند تعالی اشخاص ایماندار، پرهیزگار، رجوع کننده و پاک را دوست دارد، چنانچه در بسا آیات فرموده مانند:

(والله ولیُ المؤمنین)

(إن اولیآءه الاّ المتقین)

(إنَّ اللهَ يُحِبّ التَوَابِينَ وَيُحِبُّ المُتَطَهِرِينَ)

معنای کلمات:

افراط: بیشتر از اندازهٔ مناسب.

تفریط: کمتر از اندازهٔ مناسب.

ضوابط: قواعد.

طغیان: سرکشی.

ضیاع: ضایع کردن.

ارمغان: هدیه، تحفه، سوغات.

روش تدریس: سؤال و جواب، انفرادی، گروپی، توضیحی، تشریحی و مباحثوی

مواد ممد درسی: کتاب، تخته، تباشیر......

وقت	فعالیت ها
۵دقیقه مقدمه	بعد از موضوعات مقدماتی درس گذشته را با طرح چند سؤال ارزیابی می کند. طور مثال: - کی میتواند اهمیت امر به معروف و نهی از منکر را در دو جمله بیان کند. - کی میتواند توضیح کند اگر امر به معروف و نهی از منکر در یک جامعه ترک شود چه پیامدی در قبال خواهد داشت؟
۲۵دقیقه تقــــــدیم درس	بعد از شنیدن جوابات برای یک شاگرد وظیفه می دهد تا عنوان درس را روی تخته بنویسد. برای شاگردان چند دقیقه وقت می دهد تا در مورد عنوان درس فکر و تبادل نظر کنند. برای شاگردان هدایت می دهد تا درس را خاموشانه مطالعه نمایند و خود در عین حال کلمات: افراط، تفریط، ضوابط، طغیان، ضیاع، ارمغان را روی تخته مینویسند. از یک شاگرد می خواهد تا کلمات را معنا نموده بنویسد. نص حدیث مبارک را با آواز مناسب خوانده و بعد ترجمه می نماید. معنای کلمات حدیث را از شاگردان می پرسد و از ایشان میخواهد که از روی کتاب جواب ندهند. از دو شاگرد می خواهد تا یکی عناوین جانبی ذیل را بخواند و دیگری آنها را بنویسد. ۱- مال گنج ارزشمند یا مایهٔ بد بختی ۲- اسراف شرعاً نارو است ۳- رعایت میانه روی در انفاق فی سبیل الله ۴- به دست آوردن خوشی مردم کار عاقلانه است

۵- پرسشهای خوب، علم را افزایش میدهد با استفاده از عناوین جانبی درس را برای شاگردان توضیح و تشریح می نماید. از چند شاگرد می خواهد تا هر کدام به نوبه خود یک عنوان درس را شرح کنند. شاگردان را به دو گروپ تقسیم نموده برای شان هدایت دهید تا اعضای هرگروپ در مورد درس از هم دیگر سؤال نمایند و خود متوجه سؤالات ایشان بوده جوابات اشتباه را نزد خود یاد داشت می کند. **ارزیابی** توسط سؤالات کتاب درسی شاگردان را ارزیابی می کند. **خلاصه** این درس در نکات ذیل خلاصه میشود: ۱- اقتصاد از قصد گرفته شده و در اصطلاح حد وسط بین افراط و تفریط را گویند. ۲- مال باوجود اینکه از اهمیت خاصی برخوردار است، اما در عین حال میتواند خطرناک باشد. ۳- اسراف، افراط و مصرف بی حد و بی پلانی را گویند که از نظر شریعت ناروا است. ۴- باید انسان در مصرف میانه رو باشد، یعنی نه آنقدر انفاق کند که بعد خود تنگ دست شود و نه دست خود را کاملاً از انفاق مسدود نماید. ۵- کسیکه به رضای خداوند با مردم کمک میکند خداوند وی را دوست میدارد و کسی را که خداوند دوست دارد محبت او را در دل مردم جا میدهد.	۱۰ دقیقه
کارخانه گی برای شاگردان وظیفه می دهد تا در مورد اسراف بعضی مثال های زندۀ را که برای مردم عادت شده به شکل یک مقاله بنویسند.	۵ دقیقه

درس: بیست و یکم

عنوان: دو سرچشمهٔ هدایت

صفحه: ۶۷

وقت: دو ساعت درسی

اهداف: شاگردان باید:

۱- متن حدیث مبارک را حفظ کرده بتوانند.

۲- با راوی حدیث آشنایی کامل پیدا کنند.

۳- ترجمه و مفهوم حدیث را بهتر درک نمایند.

۴- در مورد تحکیم ارتباط حدیث با قرآن کریم یک مقالهٔ پر محتوا نوشته بتوانند.

دانش لازمی

- قرآنکریم و سنت نبوی دو مصدر اساسی شریعت اسلامی می باشد که بشر را به سوی رستگاری دارین دعوت می کند، و هر کس دعوت آنها را بپذیرد مسلماً راه یاب میشود. چنانچه حضرت رسول خدا ﷺ فرموده: (**ترکتُ فِیکُم اَمـرَینِ لَنَ تَضلوا ما تمسکتم بِهِمَا کتاب اللهِ وسنة رَسولهِ**).

تا زمانیکه شما به این دو اصل جنگ زنید یعنی عامل باشید هرگز گمراه نمی شوید. (موطای امام مالک)

- قرانکریم برای بشریت کتابیست سر تا پا چشمهٔ هدایت و روشنایی؛ طوریکه در بسا آیات مبارک این کتاب هدایت خوانده شده است؛ طور مثال: (**الم • ذلِکَ الکِتابُ لا رَیبَ فِیهِ هُدًی اللّمُتقِینَ**) این کتابیست که هیچ شکی نیست در آن، رهنماست برای پرهیزگاران.

- نکته جالب و معجزهٔ آسا این است که در این کتاب الهی اعلان شده که در این کتاب هیچ شکی نیست یعنی برحق بوده و از همه عیوب و نقصان مبرا میباشد؛ اما در تمام کتب دیگر که توسط بشر تصنیف و تألیف شده در ابتدا و مقدمهٔ آنها از اشتباهات، اغلاط و نقایص پوزش خواهی شده و گفته شده اشتباهات بنده را مورد عفو قرار دهید. پس معلوم میشود که این کتاب (قرآنکریم) کتاب بشر نیست.

- (**قُل هُوَ لِلذِینَ آمَنوُا هُدًی وَّشِفَآء**) بگو ای محمد ﷺ قرآن هدایت و شفاست برای کسانیکه ایمان آورده اند.

- واقعاً قرآنکریم کاملترین کتب آسمانی است که همه بشریت مخاطب آن است. کتابیست که انسان را از باطل پرستی به خدا پرستی، از ناکامی به رستگاری، از بد بختی به سعادت، از سر افکنده گی به سر فرازی، از دوزخ به جنت، از غضب به ر حمت، از عذاب به آسایش، از کفر به ایمان و از تاریکی به روشنایی سوق میدهد. خداوند کریم در مورد می فرماید: (**المـر کِتبٌ اَنزَلنهُ إلَیکَ لِتُخرِجَ النّاسَ مِن الظّلُمتِ إلی النّور**) «قرآنکریم» کتابیست که نازل کردیم آنرا به سوی تو «ای محمد ﷺ تا بیرون آری مردم را به واسطه آن از تاریکی های کفر به طرف روشنایی ایمان.

- قرآن مجید کتابسیت که همه خوبی ها و ارشادات در دامانش جا دارد؛ و در تمام عرصه ها و امور زنده گی اگر فردی باشد و یا هم اجتماعی انسان را هدایت و رهنمای میکند چنانچه خداوند متعال می فرماید (**إنْ هُوَ إلَّا ذِکْرٌ لِّلْعَالَمِینَ**) آیت ۲۷ سوره التکویر.

- حضرت عبدالله بن مسعود گفت: حضرت رسول اکرم ﷺ در مورد قرآن و سنت خویش چنین فرمود:

(إنَمَا هُما اثنتَانِ الكَلام وَالهُدی فَاحسنَ الكَلَامِ کلامُ اللهِ وَأحسَنَ الهُدی هُدیَ مُحمّد) (سنن ابن ماجه).
به تحقیق که آنها دو اند. یکی کلام و دیگری راه « منتهی به هدایت» زیبا ترین کلام، کلام خداوند است و زیبا ترین هدایت نیز هدایت حضرت محمد ﷺ است.
بعد از قرآن کریم با ارزش ترین مرجع هدایت سنت نبوی ﷺ است، سخنان نورانی مبارک رسول اکرم ﷺ نوعی از سنت را تشکیل میدهد و آن بیاناتی است که در قرآن کریم ذکر نشده؛ اما در کتب فقهی موجود است که اکثریت آنها اساس احکام را تشکیل داده مربوط به اوامر و نواهی میشود. در این جا مثالی آنرا بیان می کنیم:
رسول خدا فرموده: (**لا وَصِیّةَ لِوَارِ ث**) برای وارث وصیت نیست، یعنی برای وارث وصیت نافذ نمی شود. رسول خدا در مورد زکات محصولات زمین فرموده (**فِیمَا سَقتِ السَّمآءَ وَالعُیُونَ العُشرَ وَمَا سُقی بِالنضحِ نصف العُشر**) زکات محصول زمین های که توسط باران و یا آب های روان آبیاری شده باشد عشر است « یک بر ده» و در زمین های که با حیوانات آبیاری شده نصف عشر است؛ یعنی از بیست حصه یک حصه؛ هنگامیکه از رسول خدا ﷺ در مورد آب دریا پرسیده شده ایشان درجواب فرمودند:
(**هُوالطُهّور مَآءُهُ وَالّحِلُ مَیتَتهُ**) آب آن پاک و مرده اش (ماهی) هم پاک است.

معنای کلمات:

دار هجرت: جای هجرت.

التزام: ملازمت، پا بندی.

اجمال: کوتاه، اختصار، خلاصه.

مستغنی —بی نیاز.

روش تدریس: سؤال و جواب، انفرادی، گروپی، توضیحی، تشریحی و مباحثوی

مواد ممد درسی: کتاب، تخته، تباشیر...

وقت	فعالیت ها
۵دقیقه مقدمه	بعد از موضوعات مقدماتی درس گذشته را با طرح چند سؤال ارزیابی می کند. طور مثال – کی میتواند اقتصاد را تعریف کند؟ – کی میتواند اسراف را تعریف کند؟ بعد از شنیدن جوابات عنوان درس را روی تخته مینویسد.
۲۵دقیقه تقـــدیم درس	قبل از اینکه شاگردان کتاب را باز کنند من حیث سؤال انگیزه یی از ایشان می پرسد کی میتواند بگوید بعد از رحلت حضرت رسول خدا ﷺ آن دو منبع هدایت که زنده و نافذ اند چیست؟ بعد از استماع نظریات وجوابات شاگردان این جواب را: (قرآن و حدیث) تأیید نموده در مورد هر دو مختصراً صحبت میکند. و نیز متن حدیث را میخواند برای شاگردان هدایت میدهد تا درس را خاموشانه مطالعه نموده نص حدیث را حفظ کنند. و خود در عین حال کلمات: دار هجرت، التزام، اجمل و مستغنی را روی تخته مینویسد. جهت تقرر بیشتر نص حدیث در ذهن شاگردان بالای چند تن ا یشان متن حدیث را تکرار می کند. کلمات روی تخته را توسط شاگردان معنا می کند.

از یک شاگرد می خواهد تا عناوین جانبی ذیل را در کنار تخته بنویسد. ۱- شناخت راوی ۲- حکمت حدیث ۳- فواید حدیث ۴- قرآن کریم اساس جامعه برای زنده گی است ۵- سنت رسول خدا به مثابهٔ شرح و تفسیر قرآن است با استفاده از عناوین جانبی، درس را برای شاگردان تشریح می کند از آن شاگردانی که نوبت شان است میخواهد تا هر کدام یک عنوان جانبی را شرح نمایند. شاگردان را به دو گروپ مناسب تقسیم نموده برای شان وظیفه میدهد تا در مورد اهمیت دو اصل و مرجع بنیادی اسلام از هم دیگر سؤال نمایند. **ارزیابی** جهت اطمینان خود از یاد گیری درس شاگردان را توسط سؤالات کتاب درسی ارزیابی می کند.	
خلاصه این درس در نکات ذیل خلاصه میشود: ۱- راوی حدیث مبارک درس امروز حضرت امام مالک بن انس أصبحی است؛ ایشان بنیان گذار مذهب مالکی که یکی از مذاهب اربعهٔ اهل سنت و جماعت است میباشد کتاب حدیث ایشان به نام (موطا) است. ۲- قرآن کریم کتابیست که انسانها را از افکار، اندیشه ها، تصورات باطل، جهل و نادانی رهایی می بخشد. ۳- قرآن کریم عمده ترین مرجع شرعی است که توسط آن حلال، حرام و سایر اصول و مبادی زنده گی بیان شده است. ۴- در حقیقت سنت حضرت رسول خدا ﷺ به مثابهٔ شرح و تفسیر قرآن کریم می باشد و نیز سیرت آنحضرت ﷺ نمونهٔ تطبیقی و عملی قرآن کریم میباشد. ۵- سنت رسول خدا ﷺ دومین مرجع اساسی برای شناخت حلال و حرام است.	۱۰ دقیقه
کارخانه گی شاگردان را به انجام کارخانه گی کتاب درسی مکلف می سازد.	۵ دقیقه

درس: بیست دوم

عنوان: نقش زنان در جهاد

صفحه:۷۱

وقت: دو ساعت درسی

اهداف: شاگردان باید:

۱- متن حدیث مبارک را با ترجمۀ آن حفظ کرده بتوانند.

۲- اهمیت نقش زنان را در جهاد و عرصه های مختلف اسلامی بدانند.

۳- بدانند که هدف اساسی از جهاد چیست.

۴- فرق بین جنگ های ذات البینی و جهاد مقدس کرده بتوانند

دانش لازمی

- در صدر اسلام و حتی بعد از آن بسا زنان مجاهد و دین دوست وجود داشت که مجاهدت و شجاعت ایشان به خط زرین درج صفحات تاریخ اسلام شده است؛ طور مثال: جهاد، دلیری، احساس، شهامت و شجاعت چندی را در این بحث بازگو میشویم.

- مجاهدت حضرت صفیه بنت عبدالمطلب رضی الله عنها:

- در غزوۀ احزاب به مشورۀ حضرت سلمان فارسی پیغمبر ﷺ برای مسلمین به خاطر دفاع از مدینه دستور داد تا خندقی را در اطراف مدینه حفرکنند، که حتی شخص پیامبر ﷺ خود در حفر کردن خندق سهم فعال داشت، ابن اسحاق می گوید: حضرت صفیه بنت عبدالمطلب با حسان بن ثابت و با زنان و کودکان مسلمین در هنگام جنگ در قلعۀ به سر میبرد. صفیه گفت: مرد یهودی از کنار قلعه ما گذشت و پیرامون قلعه قدم میزد. بنی قریظه با مسلمین وارد جنگ شده و عهد خویش را زیر پا نهاده بودند؛ اگر یهود بر ما داخل میشد کسی نبود که از ما دفاع کند چون پیغمبر ﷺ با مسلمین همه مشغول جنگ بودند. من برای حسان گفتم تومیدانی که برای دفاع ما کسی گماشته نشده و این مرد یهودی در کنار قلعه گردش میکند و من بیمناکم که او یهودیان را از حال ما خبر دهد برو و او را به قتل رسان حسان گفت: به خدا خودت میدانی که این کار از دست من نمی آید. حضرت صفیه می گوید: من کمر خود را بسته کردم و عمود آهنی را به دست گرفته از قلعه پایین آمدم و با آن عمود آهنی بر سر مرد یهودی زدم و او را به قتل رساندم و بعد باز گشتم. این کار و شجاعت عمّه رسول خدا اثر مثبتی در حفظ زنان و فرزندان مسلمین داشت، بعد از کشته شدن آن مرد یهودیان فکر کردند که در همه قلعه ها سپاه اسلام وجود دارد[1]

---

[1] - «الرحیق المختوم»

– تاریخ از مجاهدت و شجاعت زنان افغان نیز خبر میدهد. زنان مجاهد افغان در هر زمان و مسیر تاریخ از خود قهرمانی های بی مانندی نشان داده اند که متأسفانه نام بسیاری ایشان از قلم تاریخ بازمانده؛ اما با وجود آن نام برخی از ایشان درج صفحات تاریخ است؛ مانند: ملالی، نازوانا، زرغونه انا، بی بی مهرو و ناهید شهید. این زنان کسانی اند که به خاطر دین خدا دلیرانه در جهاد بر حق سهم فعال داشته و در مقابل کفر و الحاد عصر خویش برپا ایستادند.

– در جنگ دوم افغان و انگلیس در کوهای کابل که مردم بیرق های رنگا رنگ را برافراشته بودند زنان مجاهد کابل وظیفه یی آب و نان رسانی را در قله های کوه برای مجاهدین به دوش داشتند؛ البته به تعداد ۴۰۰ نفر زن مجاهد و شجاع افغان به این امر موظف بودند که دسته یی کوزه های آب را حمل میکرد و دستهٔ قرص های نان را [1].

– در جنگ تاریخی میوند تعدادی زیادی از زنان مجاهد افغان به حیث پرستار، آب رسان، آذوقه رسان و حتی به حیث شمشیر زن اشتراک کرده بودند، داستان معروف دختر افغان به نام ملالی در همین جنگ بود که زبان زد سراسر مردم جهان شد، هنگامیکه علم بردار و بیرق دار سپاه اسلام در صف اول جنگ به شهادت رسید، موصوف بیرق جهاد را بلند نمود این دوبیتی پشتو از زبان او به خاطر تحریک احساسات مجاهدان گفته شد است: «افغانستان از امیر کبیر تا رهبر کبیر»

که په میوند کې شهید نه شوې
خدایږ ولالیه! بې ننګیی ته دې ساتینه
خال به دیار له وینو کیږدم
چی شیینکې باغ کی ګل د ګلاب و شر موینه

– حضرت عائشه صدیقه رضی الله عنها نسبت به شجاعت و علاقه مندی خاصش به جهاد در مورد جهاد مسلحانه از رسول خداﷺ اجازه می طلبد؛ اما نبی کریمﷺ برایش می فرمود جهاد شما زنان، حج است؛ چنانچه در حدیث ذیل این موضوع واضح شده است: **عَن عَائِشةَ قَالت استاذنتُ النّبیﷺ فِی الجِهَادِ فقالَ: جِهَادُکُنَّ ألحَجّ ُ {متفق علیه}**

از حضرت عائشه رضی الله عنها روایت است که: از نبیّ کریمﷺ در مورد اشتراک کردن در جهاد طلب اجازه خواستم. بعد رسول اللهﷺ فرمود جهاد شما (قشر نسوان) حج است.

معنای کلمات

بیعت: عهد و پیمان.

یوغ: بر چوبی گفته میشود که در هنگام. پاره کردن و قلبه زمین بر شانه گاو گذاشته میشود. مستضعفین: ضعیف ها.

پرچم: بیرق.

لاینفک: جدا ناشدنی.

پیکار: مبارزه.

روش تدریس: سؤال و جواب، انفرادی، گروپی، توضیحی، تشریحی و مباحثوی

[1] – « افغانستان درمسیر تاریخ – میر غلام محمد غبار»

مواد ممد درسی: کتاب، تخته، تباشیر...

وقت	فعالیت ها
۵دقیقه مقدمه	بعد از موضوعات مقدماتی درس گذشته را با طرح چند سؤال ارزیابی می کند. طور مثال: کی میتواند حدیث درس گذشته را از حفظ بخواند. - کی میتواند راوی حدیث درس گذشته را معرفی کند؟ بعد از شنیدن جوابات عنوان درس جدید را روی تخته مینویسد.
۲۵دقیقه تقـــدیم درس	از شاگردان می پرسد شما چند زن مجاهد را می شناسید که در راه خداوند فداکاری کرده باشند؟ کوشش میکند که شاگردان علاوه از زنان صدر اسلام نام های زنان مجاهد افغان را نیز یا آور شوند؛ بعد ارائهٔ جوابات نص حدیث را با دقت میخواند. برای شاگردان وظیفه میدهد تا درس را خاموشانه مطالعه نمایند. و خود در عین حال کلمات: بیعت، یوغ، مستضعفین، پرچم، لاینفک و پیکار را روی تخته مینویسد. بعد از ختم مطالعه از چند شاگرد میخواهد تا هر کدام یک واژه را معنا نمایند. راوی حدیث را معرفی نموده متن حدیث را توسط یک شاگرد میخواند. سعی می ورزد تا بدون از روی خوانی کتاب حدیث مبارک توسط شاگردان ترجمه شود. توسط یک شاگرد عناوین ذیل را در کنار تخته مینویسد: ۱- حکمت حدیث ۲-ارزش جهاد در راه خداوند تعالی ۳- سهم گرفتن زنان در جهاد مسلحانه ۴- نقش زنان در میدان جنگ با استفاده از عناوین جانبی درس را توضیح و شرح می کند. از چند شاگرد میخواهد تا هر کدام به نوبهٔ خود یک عنوان جانبی درس را تشریح کند. شاگردان را به دو دسته تقسیم نموده از ایشان میخواهد تا در مورد بین هم بحث و گفتگو نمایند.
۱۰ دقیقه	**ارزیابی** شاگردان را توسط سؤالات کتاب درسی ارزیابی می کند. **خلاصه** - ربیع دختر معوذ فرزند عفراءﷺ از قبیلهٔ بنی نجار میباشد موصوف ۲۱ حدیث را از رسول خدا روایت نموده است. ایشان در سال ۷۰ هجری وفات شد. - جهاد مقدس به خاطر از میان برداشتن موانع از راه دعوت اسلامی و حفظ کرامت انسانی، آزادی، جلوی گیری از ظلم و رساندن حق مسلم بشریت فرض شرعی میباشد. - در صدر اسلام زنان حماسه آفرین و شجاع، مانند: مردان با رسول خداﷺ در جهاد اشتراک ورزیده اند. زنان از تمام افتخارات اسلامی برخوردار اند.

	- زن میتواند در هر زمان به اجازهٔ امیر مسلمین در جهاد شرکت کند. - زنان میتوانند در عقب میدان نبرد به خصوص در امور انتقال شهداء، تداوی زخمیان و آب رسانی نقش مهم داشته باشند. - شرکت زنان در جهاد، مشروط بر این است که حجاب را رعایت نموده عملاً در جنگ شرکت نورزند؛ بلکه امور فوق را انجام دهند. **کارخانه گی**
۵ دقیقه	برای شاگردان وظیفه میدهد تا اسمای پنج تن از زنان قهرمان و مجاهد اسلامی را نزد خود یاد داشت نمایند.

درس: بیست و سوم

عنوان: راستگویی

صفحه: ۷۶

وقت: دو ساعت درسی

اهداف: شاگردان باید:

۱- کلمات نص حدیث را درست خوانده بتوانند.

۲- راوی حدیث مبارک را بشناسند.

۳- اهمیت راستگویی و اضرار دروغگویی را درک نمایند.

۴- معنای کلمات و ترجمهٔ حدیث را درست بفهمند.

دانش لازمی

- صحابی بزرگوار حضرت عبدالله بن مسعودﷺ از مسلمانان سابقون به شمار میرود؛ ایشان ششمین مردی هستند که به دین اسلام مشرف شده اند، یکی از صفات بارز او این است که حضرت رسول خدا به جنتی بودن او شاهدی داده است، وی در میان اصحاب به نام صاحب نعلین مشهور بود؛ چون در هر سفر آفتابه، بستر خواب و نعلین حضرت رسول اللهﷺ را حمل میکرد.

عبدالله بن مسعود بسیار شیرین و زیبا قرآن را تلاوت میکرد؛ چنانچه روزی رسول خدا فرمود: هر که میخواهد قرآن را مثل اینکه تازه نازل شده است بشنود آن را به قرائت عبدالله بن مسعود بخواند، باری رسول اللهﷺ به او فرمود: برایم قرآن بخوان. او گفت: آیا من به شما بخوانم در حالی که قرآن بر شما نازل شده است؟ رسول خداﷺ فرمود:

بلی دوست دارم آنرا از دیگران بشنوم، عبدالله ابن مسعود از اول سوره النسآء الی آیت چهل و یکم تلاوت کرد و در تلاوت آیت چهل و یکم اشک از چشمان رسول خداﷺ سرا زیر شد و به دست مبارکش اشاره کرد و فرمود کافیست.

هنگامیکه در غزوهٔ بدر آن دو جوان (معاذ، معوذ) انصاری ابوجهل را زخمی کردند؛ عبدالله ابن مسعودﷺ ابوجهل را به قتل رساند و سرش را از تن جدا کرد.

- عبدالله ابن مسعود از لحاظ جسمی خیلی لاغر و نحیف بود روزی رسول خداﷺ به وی دستور داد که به درخت بالا شود کسانی که در آنجا حضور داشتند با دیدن باریکی ساق هایش تبسم کردند، در این اثنا رسول خدا فرمود: این ساق ها فردا در میزان، سنگین تر از کوه احد خواهد بود.

- حضرت عمرﷺ وی را به حیث معلم به کوفه فرستاد و نیز نامه یی برای مردم کوفه نوشت و در آن فرمود ای مردم! اگر شما را برخود ترجیح نمی دادم ابن مسعود را به شما نمی فرستادم. عبدالله ابن مسعودﷺ در زمان خلافت حضرت عمرﷺ در کوفه ماند و انسان تربیت کرد و نخستین مدرسه را در کوفه ایجاد نمود و شاگردانی چون اسود بن یزیدالنخعی، ابراهیم بن یزید النخعی در آن پرورش یافتند. امام ابوحنیفه نیز یکی از شاگردان مدرسهٔ وی می باشد یعنی میان امام ابوحنیفه و عبدالله ابن مسعود دو استاد فرق است (ابراهیم و حماد) عبدالله ابن مسعود در زمان خلافت حضرت عثمانﷺ نیز مدتی در کوفه ماند و سر انجام به سبب شکایت های بی اصل و بی معنی به مدینه احضار گردید و دیگر پیرشده بود نمی خواست به کوفه برگردد. در این روز ها مردی با عجله و شتاب نزد وی آمد و گفت من دیشب رسول

خدا ﷺ را در خواب دیدم تو در جوارش نشسته بودی تو را در آغوش گرفت و فرمود: بعد از من خیلی رنج و جفا کشیدی اکنون بیا تو گفتی آری یا رسول الله ﷺ پس از این مدینه را نخواهم ترک کرد، چند روز از این ماجرا نگذشته بود که وی مریض شد؛ حضرت عثمان بن عفان امیر المؤمنین به عیادت اش آمد و این گفتگو در میان شان صورت گرفت:

آیا شکایتی داری؟

خیلی زیاد.

از چه شکایت میکنی؟

از گناهانم.

آیا آرزویی داری؟

بلی، رحمت الهی را آرزو می کنم.

آیا طبیبی نزدت بفرستم؟

طبیب بیمارم کرده است وقتی بیمار کننده ام خودش طبیب باشد، طبیبی که تو میفرستی از او کاری ساخته نمی شود. بعد ابن مسعود وفات کرد. ایشان مدت ۲۳ سال را با رسول خدا به سر بردند و ۸۰۰ حدیث مبارک را از رسول خدا ﷺ روایت کرده اند([1]).

- صداقت و راستگویی بخش اساسی از شخصیت مسلمان است و در ظاهر و پنهان مسلمان سعی می ورزد صداقت و راستی را در گفتار و کردار خود رعایت کند؛ زیرا باور دارد که راستی راهی به سوی خیر و نیکی، و نیکی نیز انسان را به سوی بهشت رهسپار می نماید. بهشتی که یکی از مهمترین آرزوهای اهل ایمان است و یقین دارد که دروغ و فریب زمینه ساز زشتی هاست و فرنجام آن دوزخ است؛ البته دوزخیکه اهل ایمان از آن به دل هراس دارند.

مسلمان به صداقت و راستگویی تنها به عنوان اخلاق که زیبنده اهل ایمان است نگاه نمی کند؛ بلکه آنرا بخشی از ایمان خویش میداند؛ زیرا خداوند متعال اهل ایمان را به صداقت، راستکاری و راستگویی دستور داده است و می فرماید: **(وَالَّذِی جَآءَ بِالصِّدقِ وَصَدَّقَ بِه أُولئِکَ هُمُ الْمُتَّقوُن)** وآن که آورد راستی را؛ یعنی حضرت رسول خدا ﷺ قرآن را آورد و کسانیکه به آن تصدیق کردند ایشانند پرهیزگاران.

- نتایج مثمر صداقت و راستی:

۱- راستی راحت و جدان و آرامش قلب است.

۲- صداقت در کار و تجارت برکت، خیر و منفعت را بار می آرد.

۳- صادقان پاداشی چون پاداش شهداء خواهند داشت؛ زیرا رسول خدا ﷺ می فرماید: عَن سَهل بِن حُنِیف قالَ: قالَ رَسُولُ الله ﷺ: **مَن سَأَلَ اللهَ الشَّهَادَةَ بِصِدقٍ بَلغَهُ اللهُ مَنَازِلَ الشُّهدَآءَ وَإن مَّاتَ عَلى فَرشِهِ{رواه مسلم}**

کسی که شهادت را از خداوند تعالی به صدق و راستی بخواهد. خداوند تعالی برای وی مقام شهید را میدهد اگر چه در جای خوابش بمیرد.

[1] - نورجاویدان جلد ۲ ص ۵۳۷

۴- یکی از پیامد های های راستی نجات و رستگاری مثلیکه در صدر اسلام چند تن از مسلمین به حبشه هجرت کردند که در میان شان حضرت جعفر بن ابی طالب نیز وجود داشت وقتیکه قاصدان از جانب مشرکین نزد پادشاه حبشه «نجاشی» به خاطر دستگیری ایشان آمدند مسلمانان کمر راستی را بسته کردند و با هم گفتند که جز راستی و صداقت چیز دیگر نمی گوییم. حضرت جعفرﷺ به عنوان سخن گوی ایشان برای نجاشی آیات مبارکه سورهٔ مریم را تلاوت نموده و سخنان حق را بازگو کرد بالآخره راستی باعث نجات و پناه آنها در دیار حبشه شد.

- مظاهر صداقت:

- انسان مسلمان هرگاه که سخن می گوید، به جز حقیقت و راستی چیز دیگری را نمی گوید. و تنها واقعیت را آنگونه که هست بیان می کند؛ زیرا دروغگویی را علامهٔ منافقی می داند.

- انسان مسلمان در معاملات و روابط اقتصادی با طرف مقابل دوست باشد و یا دشمن دروغ نمی گوید، خیانت نمی کند و فریب کاری نمی کند.

- انسان مسلمان هرگاه به کسی وعده بدهد در هر شرایط و حالی که باشد سعی می کند تا به وعدهٔ خود عمل کند؛ زیرا میداند که خلاف در وعده بدون عذر، علامهٔ نفاق است. اهل ایمان حال و احوال خود را صادقانه نشان میدهد و هیچگاه برخلاف باطن خود را جلوه نمی دهد، و لباسی که سبب ریا و خود نمای شود نمی پوشد و در مورد آنچه که ندارد تکلف نمی کند، و خود را به زحمت نمی اندازد؛ زیرا رسول خداﷺ می فرماید: (کسی که چیزی را ندارد و تظاهر به داشتن آن می کند؛ مانند کسی است که لباس فریب و دروغ را برتن می کند) ترجمه حدیث امام مسلم.

- امام بخاری رحمه الله نقل می نماید که: برای نوشتن و شنیدن حدیث از یک نفر به محل سکونت او رفتم و در مسیر راه به بسیار مشکلات و گرسنگی مواجه شدم و هنگامی که نزد او رسیدم، دیدم که اسب او فراری شده و آن را دنبال می کند، از دور دیدم که گوشهٔ ردایش را گرفته و آن را به اسب نشان میدهد، اسب به گمان اینکه آن مرد مقداری جو در دامن خود ریخته و می خواهد به او بدهد، از فرار ایستاد و مرد اسب را گرفت و باز گرداند. امام بخاری میگوید: برای او گفتم آیا جو در دامن تو وجود داشت مرد گفت: نه؛ فقط خواستم اسب را فریب بدهم. امام بخاری از نوشتن حدیث از زبان آن مرد خود داری کرد و با خود گفت: از کسی که با حیوانات هم دروغ بگوید حدیث نقل نمی کنم! کتاب امام بخاری که بعد از قرآن عظیم الشان با اعتبار ترین کتاب نزد مسلمانان است فقط از جهت احتیاط در اخذ حدیث است که چنین باریکی ها را رعایت میکرد.[1]

معنای کلمات:

شعار: نشانه، علامه.

زمرهٔ: گروه، جماعت.

ادیان: جمع دین.

کذب: دروغ.

کاذب: دروغگو.

روش تدریس: سؤال و جواب، انفرادی، گروپی، توضیحی، تشریحی و مباحثوی

[1] - منهاج المسلم ص ۲۰۴

مواد ممد درسی: کتاب، تخته، تباشیر....

وقت	فعالیت ها
۵دقیقه مقدمه	بعد از موضوعات مقدماتی درس گذشته را با طرح چند سؤال ارزیابی می کند، طور مثال: - کی میتواند متن حدیث درس گذشته را از بر بخواند؟ - کی میتواند بگوید نقش اساسی زنان در میدان جنگ چیست؟ بعد از شنیدن جوابات توسط یک شاگرد عنوان درس را روی تخته مینویسد.
۲۵دقیقه تقـــدیم درس	متن حدیث را میخواند. از شاگردان میخواهد تا درس را خاموشانه مطالعه نمایند و خود در عین حال کلمات: شعار، زمره، ادیان، کذب و کاذب را روی تخته مینویسد. بعد اگر کدام مشکلی ایجاد شده بود آنرا حل نموده از یک شاگرد میخواهد تا کلمات را معنا کند. نص حدیث را بالای یک شاگرد قرائت نموده و خود به گونۀ تحت اللفظی متن حدیث را ترجمه می کند. به یک شاگرد وظیفه میدهد تا راوی حدیث را با استفاده از کتاب معرفی نماید. از دو شاگرد میخواهد تا یکی عناوین جانبی ذیل را خوانده و دیگرش بنویسد: ۱- شناخت راوی ۲- حقیقت راستگویی ۳- فواید راستگویی ۴- حقیقت دروغگویی ۵- دروغ گفتن گناه بزرگ است ۶- اثرات بد دروغگویی با استفاده از عناوین جانبی درس برای شاگردان توضیح و تشریح نموده بالای برخی نکات مهم ترکیز بیشتر می نماید. از چند شاگرد میخواهد تا هر کدام به نوبۀ خود یک عنوان جانبی را تشریح کند. شاگردان را به دو گروپ تقسیم نموده و برای شان هدایت میدهد اینکه از هم دیگر در مورد نکات مهم درس سؤال نمایند. و خود جوابات درست و اشتباه را جهت اصلاح و تشویق نزد خود یاد داشت میکند. بعد از ختم فعالیت گروپی جوابات درست را تمجید نموده و جوابات اشتباه را بدون نکوهش تصحیح می نماید. **ارزیابی** جهت اطمینان خود از یاد گیری درس شاگردان را توسط سؤالات کتاب درسی ارزیابی می کند.
۱۰ دقیقه	**خلاصه** این درس در نکات ذیل خلاصه میشود: ۱- عبدالله بن مسعود یکی از همان شش تن سابقون میباشد وی دوبار به حبشه هجرت کرده ایشان در

	تمام غزوات مشهور اشتراک داشته وی در سال **۳۲** هجری وفات نمود. ۲- راستگویی اساس و بنیاد تمام کارهای نیک و عادات پسندیده است که سبب دخول بهشت میشود. ۳- راستی انواع زیادی دارد مانند: راستی در زبان، راستی در نیت، راستی در عمل. ۴- در اسلام دروغ گفتن گناه بزرگی است و برای انسان دروغ گو جزای سنگینی وضع شده است. ۵- دروغ گفتن عامل اصلی تمام بدیها و جزی از منافقت به شمار میرود.
۵ دقیقه	**کارخانه گی** برای شاگردان من حیث کارخانه گی وظیفه میدهد تا در مورد نتایج و پیامد های بد دروغگویی یک مقاله ده سطری بنویسند.

درس: بیست و چهارم

عنوان: آداب مجلس

صفحه: ۸۰

وقت: دو ساعت درسی

اهداف: شاگردان باید:

۱- متن حدیث را حفظ کرده بتوانند.

۲- مفهوم و مطلب اجتماعی حدیث را درک کنند.

۳- معنای کلمات و ترجمهٔ حدیث را درست بفهمند.

۴- تمام آداب مجلس را رعایت کرده و نیز به دیگران تلقین کرده بتوانند.

دانش لازمی

- همه امور زنده گی مسلمان باید بر اساس راهنمای های اسلامی استوار باشد ؛ زیرا رهنمود های اسلامی همهٔ امور زنده‌گی انسان را حتی آداب حضور در مجالس را در بر می گیرد. به همین خاطر لازم است آداب ذیل در مجالس رعایت شود:

- مسلمان هنگام وارد شدن به مجلس ابتداء سلام داده و بعد از آن هر جای: خالی که وجود داشت می نشیند و هیچکس را از جایش بلند نمی کند تا جای او را بگیرد و بدون اجازه دو نفر در وسط آنان نمی نشیند؛ زیرا در مورد نهی از این کار حدیثی وجود دارد هرگاه کسی از جای خود به غرض انجام کاری بیرون رود به هنگام برگشتن حق دارد بر جای قبلی خود بنشیند؛ زیرا پیامبر گرامی ما می فرماید: «هرگاه یکی از شما از مجلسی که نشسته است برخاست و سپس بازگشت، اولویت با اوست که در جای قبلی خود بنشیند »

- در غیر ضرورت کمبود جا در وسط حلقه مجلس نشستن خوب نیست؛ زیرا حضرت حذیفهﷺ نقل می کند که رسول اللهﷺ نشستن در وسط مجلس را نمی پسندید. باید انسان مسلمان در هنگام نشستن در مجلس آداب ذیل را رعایت کند:

۱- با وقار و آرام باشد. ۲- دندانهایش را پاک نکند. ۳- انگشتان دو دست خود را با هم گره نزند. ۴- با موی سر و ریش و انگشتر خود بازی ننماید. ۵- انگشت خود را داخل بینی اش نکند. ۶- آب دهان و بینی را زیاد پاک نکند. ۷- حتی الامکان از عطسه و فاژه کشیدن جلوگیری کند. ۸- در جایش کمتر حرکت کند. ۹- آرام، سنجیده و اندیشمندانه سخن گوید. ۱۰- به جز سخن راست و روا چیز دیگری نگوید. ۱۱- بیش از حد و فُرصت خود سخن نگوید. ۱۲- از مزاح و شوخی نامشروع پرهیز کند.۱۳- از اهل و خویشاوندان خود تعریف و تمجید نکند. ۱۴- از هنر و کار خود؛ مانند: شعر، نوشته، صنعت تعریف نکند. ۱۵- به سخنان دیگران به خوبی گوش فرا دهد. ۱۶- سخن دیگران را قطع ننماید. ۱۷- از سخنگو نخواهد سخنش را تکرار نماید؛ زیرا سبب پریشانی کلام او می شود.

- هدف مسلمان از مراعات این آداب دو چیز است: اول: آنکه با رفتار نادرست خود باعث ناراحتی و آزار دوستان خود نشود؛ زیرا پیامبر گرامی اسلام پیروان خود را از آزار رساندن و اذیت کردن دیگران جداً منع فرموده و رعایت آن را ناشی از ایمان و اسلام خوانده است؛ چنانچه می فرماید: **عَن عَبدالله بِن عَمرو قَالَ: قالَ رَسُولُ اللهِﷺ المُسلِمُ مَن سَلِمَ المُسلِمُون مِن لسانِه وَيَدِيهِ وَالمَهَاجِرُمَن هَجَرمَا نَهَى اللهُ عَنهُ {رواه البخارى}** از حضرت عبدالله بن عمروﷺ روایت است که

رسول الله ﷺ فرمود: مسلمان کامل کسی است که مسلمانان از شر زبان و دست وی در امن باشند و مهاجر کسی است که ترک کند چیزی را که خداوند تعالی از آن نهی کرده و باز داشته است.

دوم: با این رفتار خود می خواهد بیشتر محبت دوستان و آشنایان را جلب نموده و برادری و الفت بیشتری را به وجود آرد؛ زیرا میداند خداوند متعال و رسول گرامیش از ایجاد محبت و الفت در بین مسلمین خوشنود می شوند. خداوند کریم در این راستا به همهٔ مسلمانان توفیق عنایت فرماید.

معنای کلمات:

وسیع: فراخ.

تبعیض: بعضی را به بعضی ترجیح دادن، فرق قایل شدن.

مراوده: دوستی، قایم ساختن ارتباط.

اهانت: توهین.

روش تدریس: سؤال و جواب، انفرادی، گروپی، توضیحی، تشریحی و مباحثوی

مواد ممد درسی کتاب، تخته، تباشیر....

وقت	**فعالیت ها**
۵دقیقه مقدمه	بعد از موضوعات مقدماتی درس گذشته را با طرح چند سؤال ارزیابی. طور مثال: - کی میتواند راوی حدیث را معرفی کند؟ - کی میتواند انواع راستی را توضیح کند؟
۲۵دقیقه تقـــدیم درس	بعد از شنیدن جوابات عنوان درس جدید را روی تخته مینویسد. نص حدیث را با دقت تام خوانده ترجمه میکند. از دو شاگرد میخواهد تا یکی متن حدیث را با آواز مناسب بخواند و دیگرش آنرا ترجمه کند. برای شاگردان هدایت میدهد تا درس را خاموشانه مطالعه کنند و خود در عین حال کلمات: وسیع، تبعیض، مراوده و اهانت را روی تخته مینویسد. توسط یک شاگرد کلمات را معنا می کند از یک شاگرد میخواهد تا عناوین جانبی ذیل را در کنار تخته بنویسد: ۱- حکمت حدیث ۲- انواع مجلس ۳- توسعه در مجالس ۴- سلام گفتن به هنگام داخل شدن به مجلس قبل از اینکه درس را تشریح کند از چند شاگرد میخواهد تا هر کدام یک عنوان درس را شرح نمایند. بعد از تشریح شاگردان معلم محترم خود درس را به بسیار حوصله مندی شرح می کند. شاگردان را به دو گروپ تقسیم نموده برای شان هدایت میدهد تا اعضای هر گروپ از هم دیگر در مورد آداب و انواع مجالس سؤال نمایند.

	در جریان این فعالیت صنف را کنترول نموده جهت یاد داشت جوابات به سؤالات ایشان دقت کامل می کند. **ارزیابی** توسط سؤالات کتاب درسی شاگردان را ارزیابی میکند.
۱۰ دقیقه	**خلاصه** این درس در نکات ذیل خلا صه میشود: راوی حدیث حضرت عبدالله پسر امیرالمؤمنین حضرت عمرﷺ است. مجلس به چند نوع ا ست: ۱- مجلس نیک که همانا مجلس علما، دانشمندان، حلقات علمی، ذکر، پند و موعظه است. ۲- مجلس بد که نشستن در آن باعث گناه میشود؛ مانند: مجلس دروغ، غیبت، دسیسه سازی، گرفتن تصمیم بر فساد. ۳- مجلس مباح نیز وجود دارد؛ مانند: مجلسی که در آن منکرات نباشد. ۴- سلام گفتن، نشستن در آخر مجلس و فراخی کردن از جمله آداب مهم مجلس است. ۵- بدون اجازه در بین دو شخص نشستن درست نیست. زیرا در منع این کار حدیثی وارد شده است
۵ دقیقه	**کار خانه گی** برای شاگردان وظیفه میدهد تا پیرامون آداب مجلس یک مقالهٔ ده سطری بنویسند.

بخش اصول فقه

درس: بیست و پنجم

عنوان: آشنایی با اصول فقه

صفحه: ۸۵

وقت: (دو ساعت درسی)

اهداف: شاگردان باید:

۱_موضوع اصول فقه را به صورت درست بدانند

۲_رابطهٔ علم اصول باعلم فقه را بیان نمایند

۳_هدف علم فقه را درک کرده به دیگران بگویند

دانش لازمی برای درس بیست و پنجم الی بیست و هفتم

دورهٔ سوم تشریع اسلامی و دوره تدوین و اجتهاد هنگامیکه ابوجعفر منصور به منصب خلافت رسید شهر بغداد را بنا کرده و پایتخت خلافت اسلامی را در آنجا بنا نهاد، بعد از تکمیل شهر بغداد ابوجعفر منصور علما، تجار و اهل صنعت را از همه شهرهای اسلامی به آنجا دعوت کرد که تعداد ساکنین آن به دو ملیون شهروند می رسید.

واضح است که شهر نشینی و انکشاف شهری باعث پیشرفت و ایجاد قضایایی جدید بوده که در ساحهٔ تجارت، صناعت و زراعت پیش می آید و از طرفی نفوذ خلافت اسلامی وسعت میافت که تمدنهای دیگر در مقابل آن به زانو در می آمدند و افراد با عقاید و عنعنات مختلف وارد اسلام می شدند، که این همه تأثیر مستقیم در مدنیت اسلامی داشت و تقاضای اجتهاد و صدور حکم را می کرد؛ نهضت علمی که در دورهٔ گذشته(دوره اول و دوم) آغاز یافته بود، در دورهٔ سوم به اوج خود رسید، و این بدان جهت بود که مسلمانان علاوه از فهم و درک مدنیت اسلامی و عربی از مدنیت های قدیمی فارس و روم نیز آگاهی حاصل کردند، عامل اصلی نهضت علمی در شهر های اسلامی دو چیز بود:

۱- مسلمان شدن تعداد زیادی از اهل فارس، روم و مصریها که یک تعدادی از این مسلمانان کسانی بودند که در خورد سالی در جنگها اسیر شده بودند و تحت سرپرستی تربیت مسلمانان و در بعضی موارد در مسائل اجتهادی، قضا و فتوا با دیگرمسلمانان به مسابقه می پرداختند که بین آنها قراء حفاظ و محدثین جید ظهور کردند.

۲- جنبش علمی درین عصر کتب فارسی و رومی بود که به زبان عربی ترجمه می شد و در زمان ابوجعفر منصور دومین خلیفه عباسی آغاز یافته بود، و در دوران خلافت مامون ابن رشید به اوج خود رسید که مامون الرشید شخصاً در این نهضت علمی مستقیما نقش داشت.

تدوین اصول فقه

در این دوره هر مجتهد برنامهٔ خاص را در تشریع اسلامی اتخاذ نمود، تا روی آن یک سلسله اصول و قواعدی که به اساس آن کارهای علمی و اجتهادی شانرا در احکام و مسائل، مطرح کرده بتوانند وضع نموده و آن را برنامه ریزی کردند، که این قواعد و اصول را به نام اصول فقه یاد می کنند. اصول فقه عبارت از: قواعدی است که بر هر مجتهد لازم میباشد تا در استنباط احکام از آن پیروی نماید.

تعریف اصول فقه

اصول فقه مرکب از دو کلمه: «اصول» و«فقه» میباشد. اصول فقه مرکب اضافی است.

اصول، جمع اصل بوده و اصل در لغت چیزی را گویند که چیزی دیگر برآن بنا شود و یا پایه و اساس برای چیزی دیگر باشد، چنانچه خداوندﷻ می فرماید:

{أَلَمْ تَرَ كَيفَ ضَرَبَ اللّهُ مَثَلاً كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاء}([1])

ترجمه: آیا ندیدی چگونه بیان کرد خدا مثلی؟! کلمۀ پاکیزه؛ مانند: درخت پاکیزه؛ که بیخش ثابت باشد و شاخش در آسمان.

علما و دانشمندان اصول را به معانی ذیل به کار می برند:

۱- قاعدۀ کلی: چنانچه گفته میشود(**الاصل فی الامر الوجوب**) یعنی قاعده کلی در امر اینست که برای وجوب استعمال شود.

۲- دلیل: چنانچه گفته میشود اصل وجوب روزه این آیۀ مبارکه است:

{ يا أَيهَا الَّذِينَ آمَنُواْ كُتِبَ عَلَيكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ}([2])

فقه: در لغت به معنای فهمیدن مقصد گفته میشود؛ چنانچه قرانکریم فرموده است:

{وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّن لِّسَانِي ﴿۲۷﴾ يفْقَهُوا قَوْلِي ﴿۲۸﴾([3])

ترجمه: و بگشا گره از زبان من؛ تا بفهمند سخنم را.

ودر دیگر آیه خداوندﷻ می فرماید: "**قَالُواْ يا شُعَيبُ مَا نَفْقَهُ كَثِيرًا مِّمَّا تَقُولُ** "([4])

ترجمه: گفتند: ای شعیب نمی فهمیم بسیاری از آنچه می گوئی!

تعریف اصطلاحی اصول فقه: عبارت از قواعدی است که به واسطه آن احکام شرعی از دلایل تفصیلی آن گرفته میشود([5]).

بنیان گذار علم اصول فقه

در رابطۀ به اساس گذار علم اصول فقه آنچه مشهور است اینست که امام محمد ابن ادریس شافعی اولین کسی است در رابطۀ به اصول فقه کتابی را تحت عنوان (الرساله) نوشته است که در رساله مذکور از موارد آتی سخن به میان آمده است:

۱_ قرآن و بیان آن

۲_ سنت، مقام و منزلت آن نسبت به قرآن

۳_ ناسخ و منسوخ

۴_ علل احادیث

---

[1] _ ابراهیم آیت ۲۴

[2] _ البقرۀ ایت ۱۸۳

[3] _ طه

[4] هود ۹۱

[5]- عبدالواحد جهید تاریخ تشریع اسلامی ص: ۱٦۹

۵_خبر واحد

۶_اجماع

۷_ قیاس

۸_ اجتهاد

۹_ استحسان

۱۰_ اختلاف.

اما آنچه را که من در هنگام تحقیق در کتاب محمد الخضری بک یافتم که وی در کتاب خود می نویسد که: اولین کسانیکه در مورد اصول فقه کار کردند نوشته امام ابو یوسف و امام محمد بن الحسن الشیبانی شاگردان امام ابوحنیفه اند؛ ولی با تأسف که از نوشتار ایشان؛ مانند: سایر مؤلفان وعده یی از بزرگان دین برای ما جز نام چیزی دیگر نرسیده است.

اینکه امام شافعی به نام بنیان گذار علم اصول فقه شهرت یافته است شاید به این علت باشد که جناب ایشان اولین کسی است که در این مورد کتاب مستقلی نوشته و گر نه امام محمدبن الحسن شیبانی قبل از امام شافعی در کتاب مشهورش (سیرکبیر) به حد کافی در رابطۀ به اصول فقه و مسائل متعلق به آن بحث نموده است و بعد از ایشان امام مالک هم در موطا بحث هایی در رابطۀ به اصول فقه نموده است.([1])

روش تدریس: سؤال و جواب، تشریح، توضیح و مباحثه

مواد ممد درسی

وقت	فعالیت ها
۵ دقیقه	بعد از ادای سلام و احوالپرسی در بارۀ علم اصول فقه با استفاده از دانش لازمی کتاب رهنمای معلم معلومات میدهد. - عنوان درس جدید(آشنایی با اصول فقه) را روی تخته نوشته و برای شاگردان هدایت میدهد تا آن را خاموشانه مطالعه نمایند و نکات مهم و اساسی درس که عبارت از: (مرکب اضافی، اصول، فرض، واجب، مستحب، مباح، مکروه، اجماع و قیاس) می باشد نزد خود یاد داشت کنند.
۲۵ دقیقه	- با استفاده از وقت عناوین جانبی درس را روی تخته مینوسید: • تعریف علم اصول فقه • تعریف اصول فقه از این لحاظ که اصطلاح یک علم مخصوص است • موضوع اصول فقه • هدف از خواندن علم اصول فقه

[1]- محمد الخضری بک تاریخ تشریع اسلامی ص: ۲۴۱

	• رابطهٔ علم اصول با علم فقه _ نکاتی را که شاگردان نزد خود یاد داشت کرده اند به طور خلاصه تعریف می نماید طور مثال: مرکب اضافی: آنست که از دو اسم ترکیب شده باشد و اسم اول مضاف واسم دوم مضاف الیه آن میباشد؛ مانند: (کتابُ سعیدٍ)کتاب مضاف و سعید مضاف الیه میباشد. و اسم دوم همیشه مجرور یعنی آخر آن کسره میداشته باشد؛ چنانچه در مثال بالا ملاحظه می کنید. _ با استفاده از عناوین جانبی درس را برای شاگردان تشریح نموده و بالای نکات مهم درس ترکیز بیشتر می کند. - بالای چند شاگرد به نوبت درس را تشریح می کند. - از چند شاگرد میخواهد تا در مورد اصول فقه آنچه را از درس امروز دانسته اند بیان کنند.
۱۰ دقیقه	**خلاصه** - اصول در لغت جمع اصل بوده و اصل چیزی راگویند که یک چیز دیگر روی آن بنا شود - فقه در لغت دانستن و فهمیدن یک چیز را گویند و در اصطلاح عبارت است از: دانستن حلال و حرام و یا دانستن حقوق و واجبات انسان همچنان گفته شده فقه عبارت از دانستن احکام شرعی عملی که استنباط از دلائل شده است - موضوع علم اصول فقه را دلائل شرعی اجمالی نه تفصیلی، قواعد اصولی و احکام شرعی تشکیل می دهد - دلائل شرعی به دو بخش تقسیم می شوند ۱- دلائل اتفاقی که کتاب الله، سنت رسول الله ﷺ اجماع و قیاس می باشند ۲- دلائل اختلافی که مهم ترین شان عبارت از استحسان مذهب صحابی- مصالح مرسله استصحاب عرف. **ارزیابی** جهت اطمینان خویش با استفاده از سولات کتاب درسی با طرح چند سؤال شاگردان را ارزیابی می نماید.
۵ دقیقه	**کار خانه گی** شاگردان در بارهٔ اصول فقه نظریات خود را بنویسند

درس: بیست و ششم

عنوان: پیدایش علم اصول فقه و سیر تکاملی آن

صفحه: ۸۹- ۹۴

وقت: (دو ساعت درسی)

اهداف: شاگردان باید

- مراحل تکالم علم اصول فقه را درست بدانند.
- اصول فقه در زمان تابعین را بیان نمایند.
- اصول فقه در زمان ائمه مجتهد (رح) را درک کرده به دیگران گفته بتوانند.

روش تدریس: سؤال و جواب، تشریح و توضیح و مباحثه

مواد ممد درسی

جریان درس

وقت	فعالیت ها
۵ دقیقه	- بعد از موضوعات مقدماتی با طرح چند سؤال درس گذشته را چنین ارزیابی می کند: ۱- کی میتواند بگوید تعریف اصول فقه چیست؟ ۲- کی میتواند بگوید هدف از خواندن علم اصول فقه چیست؟ ۳- کی میتواند بگوید موضوع علم اصول فقه چیست؟
۲۵ دقیقه	- بعد از شنیدن جوابات عنوان درس جدید (پیدایش علم اصول فقه و سیر تکاملی آن) را روی تخته نوشته و برای شاگردان هدایت میدهد تا درس جدید را خاموشانه مطالعه نموده و نکات مهم درس را باخود یاد داشت نمایند. - با استفاده از وقت عناوین جانبی ذیل را بالا تخته نوشته و هر یک را برای شاگردان تشریح می نماید. • فهم صحابه از قرآن • استنباط احکام بعد از گسترش یافتن قلمرو اسلام • پیدایش اجماع • وسعت قیاس • پیدایش علم اصول • نیاز به علم اصول • کسانیکه با قوانین وضعی سر و کار دارند نیازمند علم اصول هستند

	• مراحل تکامل علم اصول فقه • اصول فقه در قرن اول • اصول فقه در زمان تابعین رحمهم الله • اصول فقه در زمان ائمه مجتهدین رحمهم الله - از چند شاگرد میخواهد تا هر کدام به نوبه خود یک عنوان جانبی درس را تشریح کند. **خلاصه**
۱۰ دقیقه	- نسل اول مسلمانان معانی قرآن رامی دانستند و هدف نبی اکرمﷺ را بدون فراگیری قوای علم لغت یا اصول درک می کردند. - کسی که به مرتبۀ اجتهاد نرسیده باشد نیز به یاد گرفتن این علم و آگاهی از قوای آن نیاز دارد تا با مأخذهای سخنان ائمه و اساس مذاهب شان آشنا شود. - علم اصول فقه در سیر تکاملی خود مراحل مختلفی را طی نموده که این مراحل به طور ذیل است: اصول فقه در قرن اول اسلام، اصول فقه در زمان تابعین و اصول فقه در زمان ائمۀ مجتهدین. **ارزیابی** جهت اطمینان خویش با استفاده از سؤالات کتب درسی با طرح چند سؤال شاگردان را ارزیابی می نماید. **کار خانه گی** شاگردان نظریات خود را در باره اصول فقه در زمان ائمه و مجتهدین بنویسند و آنرا در ساعت بعدی با خود بیاورند.
۵ دقیقه	

درس: بیست و هفتم

عنوان: مدارس اصول فقه

صفحه: ۹۵- ۹۷

وقت: (دو ساعت درسی)

اهداف: شاگردان باید

- مدارس اصول فقه را به صورت درست بشناسند.
- مدرسۀ فقها را معرفی کرده بتوانند..
- ویژه گی های مدرسۀ اصولیان را درک کرده به دیگران توضیح نمایند.

روش تدریس: سؤال و جواب، مباحثه، تشریح و مسابقه

مواد ممد درسی

وقت	فعالیت ها
۵ دقیقه	بعد از موضوعات مقدماتی با طرح چند سؤال درس گذشته را چنین ارزیابی می کند:
	۱_ کی میتواند بگوید فهم صحابه کرام در مورد قرآن و سنت چگونه بود؟
	۲_ اجماع چه زمان به میان آمد؟
۲۵ دقیقه	۳_ فقهای تابعین کی ها بودند؟
	۴_ امیرالمؤمنین عمر بن الخطابﷺ به والی اش ابوموسی اشعری در بارۀ قضاوت در بین مردم چه نوشته بود.
	- بعد از شنیدن جوابات عنوان درس جدید (مدارس اصول فقه) را روی تخته نوشته و برای شاگردان هدایت میدهد تا درس را خاموشانه مطالعه نمایند.
	- در عین حال با استفاده از وقت عناوین جانبی درس:
	• مدرسۀ فقهاء
	• مدرسۀ اصولیان
	• مدرسه یی که روش اصولیان و فقها را باهم جمع می کند.
	را روی تخته نوشته و برای شاگردان هر یک را مفصلاً تشریح می نماید.
	- از چند شاگرد میخواهد تا هر کدام به نوبه خود یک عنوان را تشریح نماید.
	- از چند شاگرد میخواهد تا هر کدام در بارۀ مدرسۀ یی که روش اصولیان و فقها را با هم جمع می

	کنند آنچه را از تشریح درس آموخته اند نکته وار بیان کنند.
۱۰ دقیقه	**خلاصه درس** - از لابه لای بررسی مناهج اصولیان که در میراث بزرگ اسلامی ما جایگاه خاص خود را دارد می توان به سه مدرسه تقسیم کرد. ۱- مدرسهٔ فقها ۲- مدرسهٔ اصولیان ۳- مدرسه یی که دو مدرسه فوق را باهم جمع می کند - مدرسهٔ فقها: این مدرسه احکام فقهی فرعی را گرفته مسایل پراکنده آنرا جمع کرده و برای آنها اصولی وضع نموده تا برآن استناد نماید. - مدرسهٔ اصولیان این مدرسهٔ که مدرسهٔ متکلمین نامیده شده بدون توجه به فروعات فقهی به تأیید و ایجاد قواعد اصولی اهتمام ورزیده است با همه حال چندان نسبتی باهیچ یک از مذاهب فقهی ندارد. - مدرسه یی که روش اصولیان را باهم جمع می کند ازین رو برخی از علما به تألیف کتاب های در اصول پرداختند که هر دو مدرسهٔ فوق را در یک جا باهم جمع می کند. **ارزیابی** جهت اطمینان خویش با استفاده از سؤالات کتاب درسی شاگردان را ارزیابی میکند. **کارخانه گی** شاگردان نظریات خود را در بارهٔ مدرسهٔ اصولیان بنویسند.
۵ دقیقه	

درس: بیست و هشتم

عنوان: مصادر شریعت اسلامی

صفحه: ۹۸- ۱۰۲

وقت: (دو ساعت درسی)

اهداف: شاگردان باید

- مصادر شریعت اسلامی را درست بدانند.
- شیوه های اعجاز قرآن را بیان نمایند.
- درک کنند که قرآن قطعی الثبوت است و این درک را باید به دیگران انتقال داده بتوانند.

دانش لازمی

تشریع اسلامی دارای دو نوع مصادر می باشد: یک نوع آن مصادری است که همه علما و مجتهدین آنها را مصدر میدانند و در استدلال های خود از آنها استفاده نموده، و به کار میبرند که این ها به نام مصادر (متفق علیه) میان علما گفته می شود که عبارت انداز:

۱- قرآن کریم کتاب الله ﷻ

۲- سنت رسول الله ﷺ

۳- اجماع امت

۴- قیاس

آیۀ مبارکه سورۀ نساء به این موضوع چنین اشاره میکند.

{ یأیهاالذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول واولی الامرمنکم.....}

ترجمه: در این آیه فوق مسلمانان به اطاعت خداوند و پیامبر مامور شده اند که خود پیروی قرآن، حدیث و سنت از آن به وضاحت دانسته میشود و همچنان پیروی از أولوالومر مطلوب است که أولوالامر (اهل، حل، عقد، علما و مجتهدین) را گفته می شود که مستلزم موضوع اجماع میباشد. و همچنان از ارجاع مسایل مختلف فیه به سوی خدا و رسول ثبوت پیروی از قیاس که فاقد نص شرعی باشد فهمیده می شود.

امام احمد در مسند خود حدیثی روایت می کند که: **(عَنْ مُعَاذٍ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِمُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ حِينَ بَعَثَهُ إِلَى الْيَمَنِ فَذَكَرَ كَيْفَ تَقْضِي إِنْ عَرَضَ لَكَ قَضَاءٌ قَالَ أَقْضِي بِكِتَابِ اللَّهِ. قَالَ: فَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِي كِتَابِ اللَّهِ قَالَ فَبِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. قَالَ: فَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِي سَنَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: أَجْتَهِدُ بِرَأْيِي وَلَا آلُو قَالَ: فَضَرَبَ صَدْرِي فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَفَّقَ رَسُولَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِمَا يُرْضِي رَسُولَهُ)**

ترجمه: پیامبر ﷺ وقتیکه حضرت معاذ بن جبل را به یمن به صفت قاضی می فرستاد برایش فرمود: اگر مسأله یی قضایی برایت پیش شود چگونه حکم میکنی؟ گفت: به کتاب الله حکم می کنم؛ اگر در او نیافتم به سنت پیامبرش حکم می کنم؛ اگر در سنت هم حکمی را نیافتم اجتهاد می کنم. پیامبر ﷺ به سینه اش زد و فرمود: (الحمد الله) ستایش خدای راست که فرستادۀ رسول خدا را موفق گردانیده به آنچه که رسول خدا به آن راضی می شود.

شکر گزاری پیامبرﷺ و ستایش آن معاذ را در موضوع اجتهاد دلیلی برای حجت اجتهاد و قیاس می باشد.
اجتهاد: در اصطلاح علم اصول فقه عبارت از آنست که فقیه تمام سعی و کوشش خود را به خاطر دست آوردن ظن غالب به حکم شرعی به کار برد به اندازه یی که از ادامه بحث احساس ناتوانی نماید([1]).
قرآن مجید آخرین کتاب الهی برای جهان بشریت می‌باشد، کتابی است که در تمام عرصه های زنده گی انسان و ابعاد اجتماعی؛ چون: نظام خانواده گی، نظام سیاسی، نظام اقتصادی، نظام اجتماعی، شمولیت دارد و هیچ کتابی نمیتواند به پای او رسیده گی کند؛ چون: در مقدمۀ هر کتاب بشری مؤلف و مصنف آن از اغلاط و اشتباهات جملاتش پوزش خواسته است؛ اما در صفحۀ اول این کتاب خداوند کریم فرموده (ذالک الکتاب لاریب فیه) که این کلام پروردگار خود دلیل قویست بر عظمت و حقانیت قرآن مجید.
اما دیگر کتب آسمانی به دلیل اینکه برای ازمنۀ خاصی آمده بودند با نزول این کتاب منسوخ شده اند؛ اما قرآنکریم آخرین کتابی است که از هر گونه نقص و کمبودی پاک و مبرا میباشد، قرآن کتابی است که انسان را از انواع ضلالت و انحرافات نجات داده و در زنده گی شان تقوا، اخلاص، سعادت، اخوت، صبر و شکیبای، توکل و معنویت به وجود می‌آورد و از این خصوصیت هیچ کتابی برخوردار نمی باشد. قرآن مجید عملاً در زنده گی انسان انقلاب و تحول بار آورده که بهترین نمونۀ اخلاق و مدنیت را به جهانیان ارائه کرد که تاکنون بهتر از آن دیده نشده است.
قرآن کریم تمام مسایل و مشکلاتی را که تاکنون پیش آمده یا در آینده تا قیامت پیش خواهد آمد با روش معجزانه یی حل می‌نماید؛ و چنان اصول و قوانینی را بیان می‌کند که بر اساس آن می‌توان در هر زمان بهترین جامعه را پایه‌گذاری کرد و هر بعد یی حیات انسانی را به شکل نوینی تنظیم می نماید، و از آن جایی که قرآن کتاب الهی است از هر گونه اشتباهات بشری و نقایص قانونی پاک و مبرا است و چون آخرین کتاب است لذا از هر گونه اضافه و تجدید نظر بی‌نیاز می‌باشد و جاودانه و دایمی است؛ لذا نیازی به تغییر و نسخ ندارد و از آنجایی که کامل است به پیوست و تبصره ضرورتی ندارد.
﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الإِسْلاَمَ دِينًا[2]﴾
ترجمه: «امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت‌خود را بر شما تمام گردانیدم و اسلام را برای شما – به عنوان- آیینی برگزیدم».
و دلیل اینکه اصول و قواعد اسلامی از قرآن برگرفته شده‌اند معجزه می‌باشند.
﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيهِمْ آيَاتِهِ وَيزَكِّيهِمْ وَيعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ[3]﴾

---
[1]- تاریخ تشریع اسلامی ص: ۲۰۶
[2]- المائده آیه ۳
[3]- جمعه آیه ۲

ترجمه: «اوست آنکه برانگیخت در ناخوانان پیغمبری از ایشان؛ می خواند برایشان آیات او را و پاک می سازد ایشان را ومی آموزد ایشان را کتاب و حکمت و (به تحقیق) بودند پیش ازین در گمراهی ظاهر».

شرح و توضیح این بعد اعجازی قرآن مجید در واقع شرح و توضیح خود اسلام است، که برای آن کتابخانه‌هایی در کار است.

در زمینهٔ عقاید، اخلاق و معاشرت لازم است جامعیت اعجاز آمیز قرآن مجید و حکمت‌های گوناگونش مورد تدبر عمیق قرار گیرد؛ اگرچه دسترسی کامل به نکات و اسرار و زیبایی‌های شگفت انگیز آن برای هیچ انسانی در هیچ زمانی ممکن نیست.

﴿وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِن شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِن بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَّا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ[1]﴾

«و اگر آنچه در زمین است از درختان قلم ها گردند، و دریاها سیاهی، او را بعد از آن باشد هفت در یا به پایان نرسد سخنان خدا؛ هر آیینه خدا غالب، با حکمت است.».

﴿قُل لَّوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِّكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَن تَنفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا[2]﴾

ترجمه: «بگو: اگر باشد بحر سیاهی برای (نوشتن) سخنان پروردگار من؛ هر آئینه فانی شود بحر، پیش از آنکه ختم شود کلمات پروردگار من و اگر چه بیاریم به مانند آن بحر مدد».

حل فعالیت های درس

وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ (٤٧) وَالْأَرْضَ فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ (٤٨) وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ(٤٩)

ترجمه: ما آسمان را با قدرت بنا ساخته‌ایم و و بدون شک ما قادر هستیم، و زمین را پهن کرده‌ایم - برای زنده گی مردمان آماده ساخته‌ایم- و چه آماده‌کنندگان خوبی بوده‌ایم! ما از هر چیز جفتی را آفریده‌ایم، تا این که شما - عظمت آفریدگار را- یاد کنید.

برگشت دو باره به نمایشگاه جهانی است، نمایشگاهی که این سوره با آن افتتاح گردیده است. نمایشگاه جهانی در اینجا در شکلی از اشکال بسیاری است‌که قرآن آنها را برای دلها آشکار می‌دارد و به نمایش می‌گذارد. اشاره به نشانه های شناخت خدا در اینجا و آنجا ادامه می‌یابد. نشانه حضرت نوح﷤ را به نشانه آسمان و به نشانه زمین و به نشانه آفریده های انسان نام متصل می دارد. آن گاه می پردازد بدان دعوتی که انسانها را بدان فریاد می دارد و از ایشان می‌خواهد به سوی خدا پناه ببرند و یگانه‌پرست و پاکباخته باشند.

(وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَ إِنَّا لَمُوسِعُونَ).

[1] _ لقمان آیه ۲۷

[2] - کهف آیه ۱۰۹

ما آسمان را با قدرت بنا ساخته‌ایم و بدون شك ما قادر هستیم.

واژۀ «أیدٍ» به معنای قدرت و قوت است. قدرت و قوت روشن ترین چیزی است که ساختن آسمان هراس‌انگیز و مرتبط و هماهنگ از آن خبر می‌دهد. ساختن آسمان بیانگر قدرت و قوت است، آسمان به هر معنی از معانی خودکه باشد، آسمان چه به معنی مدارهای سیاره گان و ستاره گان باشد، یا مراد از آسمان مجموعه‌ای از مجموعه‌های سیاره گانی باشد که بدانها کهکشان میگویند و شامل میلیونها سیاره است. یا این که مراد از آسمان طبقه یی و چینی از طبقه ها و چینهای این فضائی باشدکه سیاره گان و ستاره گان درآن پخش و پراکنده‌اند... یا این‌که آسمان جز اینها مدلول و مفهوم دیگری داشته باشد.

وسعت دادن و گسترش بخشیدن هم‌که از واژۀ «مُوسعُون» استنباط می‌شود، روشن و آشکار است، چه این سیاره گان و ستاره گان دارای حجمهای خوفناك و بزرگ هستند و شمارۀ آنها میلیونها میلیون برآورد می‌شود، بیش از این به شمار نمی آیند که گرد و غبارهای پراکنده در این فضای وسیع به شمار آیند و بس.

چه بسا در اشاره یی که به وسعت بخشیدن و گسترش دادن می‌شود اشارۀ دیگری به مخزنها و گنجینه های ارزاق باشد، ارزاقی‌که جلوتر در سوره آمده بود که ارزاق در آسمان است، اگر چه آسمان تنها رمز چیزی باشدکه در پیشگاه ذات الرحمن است؛ ولی تعبیر قرآنی سایه روشن مشخصی دارد،گمان می‌رود که در تعبیر مقصود همان باشد؛ چراکه باید با ذهن و شور انسانها با خطاب الهام گرانه یی گفتگو کرد و از چیزی سخن گفت که برایشان قابل درك و فهم باشد. [۳]

بسان همین اشاره، اشاره دیگری به زمین آماده و پهن می‌شود: (**وَالأَرْضَ فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ**).

زمین را پهن کرده‌ایم - و برای زنده گی مردمان آماده ساخته‌ایم- و چه آماده کننده گان خوبی بوده‌ایم.

همان‌گونه که درگذشته گفتیم، خداوند این زمین را آماده فرموده است تاگهواره یی برای زنده گی باشد. فرش کردن، به سهل و ساده گی، آسایش، آرامش، توجه و عنایت اشاره دارد، زمین تهیه دیده شده است و آماده گردیده است تا پرورشگاه مهیا و مجهزی باشد، هر چیزی در آن با دقت مقدر و مقرر گردیده است و به اندازۀ لازم و مقدار بایسته و شایسته تهیه دیده شده است، تا زنده گی در آن میسر شود و تضمین گردد:

(**فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ**).

چه آماده کننده گان خوبی بوده‌ایم.!

(**وَمِنْ كُلِّ شَيءٍ خَلَقْنَا زَوْجَينِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ**).

ما از هر چیز جفتی را آفریده‌ایم، تا این که شما -عظمت آفریدگار را- یاد کنید.

این حقیقت شگفتی است و پرده از قانون خلقت در این زمین و چه بسا در این هستی برمی‌دارد. چه تعبیر سخن، قانون خلقت زوجیت را تنها به‌کره زمین اختصاص نمی‌دهد، زوجیت در زنده‌ها آشکار و پدیدار است؛ ولی واژه

«شیء» یعنی چیز، شامل غیر زنده‌ها نیز می گردد. تعبیر سخن مقرر می‌دارد که اشیا به سان احیا، یعنی چیزها همانند زنده‌ها بر اساس زوجیت آفریده شده‌اند.

(وَلَقَدْ خَلَقْنَا الإِنْسَانَ مِنْ سُلالَةٍ مِنْ طِينٍ). ما انسان را از عصاره یی از گل آفریده‌ایم.

این نص به مراحل و مراتب پیدایش بشری اشاره می کند، ولی آن را معلوم و محدود نمی‌نماید. می‌رساندکه انسان از مراحل و مراتب پیاپی زنجیره یی گذشته است تا از گل به انسان تبدیل شده است. چه‌گل سرچشمه نخستین، یا مرحله پیشین است، و خلقت انسان از نطفه شدن واپسین مرحله است... این حقیقتی است‌که از قرآن بدان پی می‌بریم، و مصداق آن را از نظریه‌های علمی نمی‌جوئیم، نظریه‌هائی که از پیدایش انسان، یا پیدایش زنده‌ها سخن می گویند.

قرآن این حقیقت را بیان می‌دارد تا جولانگاهی برای تدبر و تفکر در مخلوقات خدا باشد و در باره کوچ دور و درازی اندیشه شود که از گل آغاز گردیده است و به انسان ختم شده است، و انسان در پیدایش پیاپی زنجیره یی خود از آن گل ساخته و پرداخته گردیده است، قرآن به تفصیل این پیدایش پیاپی زنجیره یی نمی پردازد، چون این چیز هدف قرآن در اهداف بزرگ خود نیست، ولی نظریه های علمی می کوشد نردبان معینی را به اثبات برساند که خاص این پیدایش و بالش و تحول و ترقی است، تا حلقه‌های زنجیره یی را به یکدیگر وصل سازد که میان گل و انسان قرار دارد. این نظریه‌ها در این تلاش به خطا هم می‌رود و به خطا هم نمی‌رود. گاهی اشتباه می کند و زمانی اشتباه نمی کند، در بارهٔ این حلقه‌هایی که قرآن به شرح و بسط آنها نپرداخته است و بلکه سکوت‌گزیده است. ما را نسزد که حقیقت ثابتی راکه قرآن مقرر و بیان می‌دارد،که حقیقت زنجیره‌ای است، با تلاشهای علمی یی که در راه پژوهش حلقه‌های این زنجیره انجام می پذیرد، تلاشهائی که گاهی به خطا می رود و زمانی به حق اصابت می کند و امروز چیزهائی را اثبات می نماید و فردا آنها را مردود و نامقبول اعلام می دارد، هر زمان که ابزارها و وسیله‌های پژوهش و راه‌های آن توسط انسان صورت می گیرد و پیشرفت پیدا می کند.

قرآن گاهی به اختصار از این حقیقت صحبت می دارد و می گوید: (... وَبَدَأَ خَلْقَ الإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ).

... آفرینش انسان اول را از گل آغازیده است. (سجده/۷)

بدون این‌که به مراحل و مراتبی اشاره شودکه انسان آنها را پشت سر نهاده است و از آنهاگذشته است. در این باره تفصیل بیشتر را باید از خود این نص جست، نصی‌که اشاره می کند به این‌که: (مِنْ سُلالَةٍ مِنْ طِينٍ).

از عصاره یی از گل.

قرآن به این انسان حرمت و کرامت می‌دهد و مقرر می‌دارد و بیان می‌نماید که نفخه یی از روح متعلق به الرحمن که بدین انسان دمیده شده است، از عصارهٔ گل انسان را ساخته است و این ویژه گیها را بدو بخشیده است‌که در پرتو آنها

انسان انسان شده است و با حیوان فرق و جدائی پیداکرده است. در اینجا است که دیدگاه اسلام فرق کلی با دیدگاه مادیگرایان دارد... خداوند راستگوترین گویندگان است.[۴]

این است اصل پیدایش جنس بشری از عصارهٔ گل آفریده گردیده است... ولی افراد انسان بعد از آن، راه دیگری جدا از راه نخستین را پیموده اند که شناخته و معلوم همگان است: (**ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ**).

سپس او را به صورت نطفه یی درآورده و در قرارگاه استوار (رحم مادر) جای می‌دهیم.

و در آیهٔ دیگری الله تعالی ﷻ می فرماید: (**فِي قَرَارٍ مَكِينٍ**). در قرارگاه استواری (که رحم مادر است).

این قطره آب در رحم قرار می گیرد، رحمی که میان استخوانهای لگن خاصره جایگزین است، و در پناه آن استخوانها، از تکانهای جسم و از فشارها و موجها و از لرزشها و تنشهای فراوانی که به پشت و شکم اصابت می کنند، محفوظ و مصون می‌ماند.

تعبیر قرآنی نطفه را مرتبه یی از مراتب پیدایش انسان می‌شمارد و آن را پس از وجود یافتن، انسان محسوب می‌دارد.

از نطفه به خون بسته زالوگونه تبدیل می‌شود، بدان هنگام که گامت نر مرد با گامت مادهٔ زن می‌آمیزد و این آمیزه به جداره رحم می‌چسبد و در آغاز کار نقطهٔ کوچکی است که از خون مادر تغذیه می کند.

از خون بسته زالوگونه به قطعه گوشتی بدان شکل و اندازه که جویده شود تبدیل می‌شود، بدان هنگام که این نقطه آویزه رحم بزرگ می‌شود، و به تکه یی از خون غلیظ به هم آمیخته یی تحول پیدا می کند.

این آفریده در آن خط سیر ثابت به پیش می‌رود و از آن مسیر منحرف نمی‌شود و بر نمی گردد و حرکت منظم و مرتب آن سستی نمی گیرد و با آن نیروی نهان در سلول که از قانون جاری و ساری مدد و یاری می گیرد به راه خود ادامه می‌دهد و با دست تدبیر و تقدیر الهی مسیر معلوم خویش را می‌سپرد... تا مرحلهٔ استخوانبندیها می‌آغازد: (**فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا**). و این تکه گوشت جویده را به سان استخوانهای ضعیفی در می آوریم.

آن‌گاه مرحله پوشیدن استخوانها با گوشت فرامی‌رسد: (فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا). و بعد بر استخوان گوشت می‌پوشانیم.

در اینجا انسان حیران می‌شود در برابر کشفی که قرآن از آن پرده برافکنده است و حقیقتی را در تشکیل جنین بیان داشته است که با این دقت شناخته نشده است؛ مگر در این اواخر پس از آن‌که دانش جنین‌شناسی تشریحی پیشرفت کرده است. و آن این که سلولهای استخوانها جدا از سلولهای گوشت است و ثابت گردیده است که سلولهای استخوانها نخست در جنین تشکیل می‌شوند و حتی دیده نشده است یک سلول از سلولهای گوشت تشکیل شود مگر بعد از پیدایش سلولهای استخوانها و تشکیل و تکمیل استخوان بندی جنین، این حقیقتی است که نص قرآنی آن را می نگارد و مسجل می‌دارد: (**فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا**).

و این تکه گوشت جویده را به سان استخوان ضعیفی درمی‌آوریم، و بعد بر استخوان گوشت می‌پوشانیم. پاک و منزه خدای بس دانا و بس آگاه است. (ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ).

از آن پس او را آفرینش تازه یی بخشیده و - با دمیدن جان به کالبدش- پدیده دیگری خواهیم کرد.

این است انسان با ویژه گیهای جداگانه و خاص خویش. جنین انسان شبیه جنین حیوان است در مراحل رشد اندامهای بدن؛ و لیکن جنین انسان به آفریدهٔ جدا گانه یی تبدیل می‌شود و به آفریده متمایزی تحول پیدا می کند که استعداد ترقی و تعالی را دارد؛ ولی جنس حیوان در مرتبه حیوان می ماند و بی‌بهره از ویژه گیهای ترقی و تعالی و کمال است که جنین انسان، ممتاز بدانها است. جنین انسان بهره‌مند از ویژه گیهای معینی است ویژه گیهائی که انسان را بعدها در مسیر بشری رهنمود می کنند و راه می‌برند. جنین انسان در آخرین مراحل جنینی خود «آفرینش دیگری» پیدا می کند. در صورتی که جنین حیوان در مرحله حیوانی متوقف می‌شود، چون بهره‌مند از آن ویژه گیها نیست. بدین سبب جنین حیوان ممکن انسان و حیوان در پیدایش حیاتی خود شبیه و همگونند؛ ولی بعدها حیوان در مکان حیوانی خود می‌ماند و از حیوان درنمی گذرد و سر برنمی‌زند. امّا انسان از حیوان سر برمی‌زند و پدیدهٔ دیگری می‌شود و پذیرای کمالی می گردد که برای او تهیه و آماده گردیده است. انسان بدین کمال دسترسی پیدا می کند با استفاده از آن ویژه گیهای جداگانه و خاصی که خالق طبق طرح معینی و با هدف مشخصی آن ویژگیها را بدو بخشیده است؛ نه این که از راه ترقی و تحول که صورت پذیرفته است، نوع حیوان به نوع انسان تبدیل شده باشد.[۵]

(فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ). مقام والا و مبارك الرحمن است که بهترین اندازه‌گیرنده گان و سازنده گان است.

کسی در سراسر گستره هستی جز خداوند نیست که بیافریند. واژهٔ «احسن» در اینجا برای تفضیل و برتری نیست؛ بلکه برای حسن مطلق و زیبائی سره درکار آفرینش یزدان جهان است.

«فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ»... والامقام خدایی است که در سرشت انسان آن قدرتی را سرشته است و به و دیعت نهاده است که بتواند در این مراحل حرکت کند برابر قانون و سنتی که دگرگون نمی گردد، منحرف نمی‌شود، و تخلف نمی‌پذیرد و عقب نمی‌افتد، تا انسان را می‌رساند به مرتبه یی از مراتب کمال بشری که برای او با دقیق‌ترین نظم و نظام ممکن، مقدر و معین گردیده است.

روش تدریس: سؤال و جواب، توضیح، تشریح و مباحثه

مواد ممد درسی

وقت	فعالیت ها
۵دقیقه	بعد از موضوعات مقدماتی با طرح چند سؤال درس گذشته را چنین ارزیابی می نماید کی میتواند بگوید: ۱- فقها در بحث از علم فقه چند مدرسه دارند.

	۲- چرا برخی از فقها به تألیف کتب پرداختند که منهج فقها و متکلمان را جمع می کند. - بعد از شنیدن جوابات عنوان درس جدید
۲۵ دقیقه	(مصادر شریعت اسلامی) را روی تخته نوشته و معلومات مختصر در بارۀ موضوع درس ارایه می نماید و برای شاگردان هدایت میدهد تا درس جدید را به صورت دقیق و خاموشانه مطالعه نموده و نکات بسیار مهم درس راکه نمی دانند با خود یاد داشت نمایند. - در عین حال عناوین جانبی درس را روی تخته نوشته و با استفاده از آنها درس را تشریح میکند. • کتاب الله جَلَّ جَلَالُهُ • کتاب الله مرجع دلائل تشریع اسلامی است • همۀ کتاب الله مرجع احکام نیست • تعریف کتاب الله • شیوه های اعجاز قرآن کریم • قرآن قطعی الثبوت است. و در آخر به سؤالات یاد داشت شدۀ شاگردان جوابات قناعت بخش میدهد. - از چند شاگرد میخواهد تا هر کدام یک عنوان درس را شرح کند. - برای شاگردان در صورت امکان وقت میدهد تا در بارۀ تعریف کتاب الله باهم مباحثه نموده و بعد نتیجۀ آنرا بیان نمایند. - شاگردان را به دو دسته تقسیم نموده برای شان هدایت میدهد تا از هم دیگر سؤال نمایند و خود در عین حال جوابات اشتباه را جهت اصلاح نزدش یاد داشت می نماید.
۱۰ دقیقه	**خلاصه** - قرآن کتابی است که بر رسول الله ﷺ نازل گردیده و به شکل متواتر نقل شده و هیچ شک و شبهه یی در آن وجود ندارد قرآن کلام الله است و مجموعۀ لفظ و معنا ست. - قرآن به تواتر به ما نقل شده است - قرآن از زیادت و نقصان محفوظ است - قرآن معجزه است **ارزیابی** جهت اطمینان خویش با استفاده از سؤالات کتاب درسی با طرح چند سؤال شاگردان را ارزیابی می کند.
۵دقیقه	**کارخانه گی** شاگردان در بارۀ اینکه قرآن معجزه است نظریات خود را بنویسند و ساعت بعدی با خود بیاورند.

درس: بیست و نهم

عنوان: احکام قرآن

صفحه: ۱۰۳- ۱۰۶

وقت: (سه ساعت درسی)

اهداف: شاگردان باید

- انواع احکام قرآن کریم را به صورت درست بدانند.
- چگونگی بیان شدن احکام در قرآن را بیان کرده بتوانند.

حل فعالیت

قرآن کریم را ورق بزنید و بعضی از آیات احکام را مشخص ساخته، نوع حکمی را که آیه به آن تعلق می گیرد، بیان کنید:

آیه :(**يوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنْثَيَيْنِ فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِنْ لَمْ يكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيةٍ يوصِي بِهَا أَوْ دَينٍ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا** (۱۱))

این آیت شریف در بیان احکام میراث ذکر شده است.

روش تدریس: سؤال و جواب، مطالعه خاموشانه، تشریح و مباحثه

مواد ممد درسی

جریان درس

وقت	فعالیت ها
۵ دقیقه	بعد از موضوعات مقدماتی با طرح چند سؤال درس گذشته را چنین ارزیابی میکند: ۱- هدف از نقل بالتواتر چیست؟ ۲- آیا روایات نقل شده به طریق آحاد، قرآن است یا نه؟ ۳- کتاب را تعریف کنید.
۲۵ دقیقه	- بعد از شنیدن جوابات عنوان درس جدید (احکام قرآن) را روی تخته نوشته و در مورد معلومات مختصر ارایه می نماید. - برای شاگردان هدایت میدهد تا درس را خاموشانه مطالعه نموده و نکات مهم آنرا نزد خود یاد داشت نمایند.

- معلم محترم با استفاده از وقت عناوین جانبی درس را روی تخته نوشته و با استفاده از عناوین جانبی درس را برای شاگردان تشریح می نماید و با حوصله مندی به سؤالات و نکات یاد داشت شدۀ شاگردان جواب میدهد.

- دسته اول احکام قرآن
- دسته دوم
- دسته سوموچگونگی بیان شدن احکام در قرآن

- از چند شاگرد میخواهد تا هر کدام به نوبۀ خود یک عنوان را شرح نماید

- برای شاگردان هدایت میدهد تا در مورد موضوعات (عبادات، احکام خانواده، احکام معاملات، احکام جنایات و عقوبات، احکام متعلق به قضاء و شهادت و سوگند، احکام مربوط به صدور حکم، احکام متعلق به رفتار دولت با دولت های دیگر) بین هم بحث کنند و خود نظم را بر قرار داشته بعضی نظریات را جهت شرح بیشتر نزد خود یاد داشت میکند.

خلاصه درس

- قرآن کریم احکام بسیار زیاد وگونا گون را در برمی گیرد که آنرا به سه دسته تقسیم می کنیم:

۱- احکام متعلق به عقیده؛ مانند: ایمان به الله، ملائکه، کتابها.....

۲- احکام مربوط به تهذیب و تقویه نفس که به نام احکام اخلاقی یاد میشود.

۳- احکام عملی که به اقوال وافعال مکلفین تعلق می گیرد بیان همه احکام شرعی در قرآن کریم وجود دارد اما احکام را به سه طریقه بیان می کند ۱- ذکر قواعد و مبادی عمومی تشریع ۲- بیان احکام به صورت مجمل ۳- بیان احکام به شکل تفصیلی.

ارزیابی جهت اطمینان خویش با استفاده از سؤالات کتاب درسی با طرح چند سؤال شاگردان را ارزیابی میکند.

کار خانه گی

شاگردان در بارۀ بیان احکام به شکل تفصیلی نظریات خود را در کتابچه ها نوشته ودرساعت بعد آنرا در صنف بیان کنند.

درس: سی ام

عنوان: سنت نبوی

صفحه: ۱۰۷- ۱۱۱

وقت: (سه ساعت درسی)

اهداف:

شاگردان باید:

- سنت نبوی را به صورت درست بدانند.
- حجت بودن سنت را دقیق بیان کنند.
- انواع سنتی که نزد اصولیان برآن عمل میشود را درک کرده وبه دیگران بیان کرده بتوانند.

دانش لازمی

مصدر دوم تشریع اسلامی بعد از قرآنکریم در زمان پیامبرﷺ سنت آنحضرتﷺ است، اگردر زمان حیات حضرت محمدﷺ واقعهٔ یی پیش می آمد که در مورد آن موضوع حکمی در قرآن نمی بود رسول اللهﷺ انتظار می کشید تا حکمی از جانب خداوندﷻ در مورد صادر شود. اگر آیه یی نازل می شد مطابق آن حکم را صادر می کرد و اگر آیه یی نازل نمی شد؛ معنایش این بود که خداوندﷻ این حکم را به نظر پیامبرﷺ گذاشته است و پیامبرﷺ مطابق اجتهاد خودش حکم قضیه را صادر می کرد.

سنت به سه قسم است:

۱ – سنت فعلی ۲ – سنت قولی ۳ – سنت تقریری.

۱- سنت فعلی: عبارت از افعال پیامبرﷺ است؛ مانند: طریقهٔ ادا کردن نماز های پنجگانه، و طریقهٔ ادای مناسک حج وضو کردن و مسح بالای موزه و امثان اینها.

۲_ سنت قولی: عبارت از احادیثی است پیامبرﷺ در مناسبت های مختلف و موضوعات جداگانه آن را گفته باشد؛ مانند این فرموده حضرت محمدﷺ: (لاضرر ولاضرارفی الاسلام) در اسلام ضرر رساندن و نتیجهٔ عکس العمل ضرر رساندن ضرر نیست.

۳_ سنت تقریری: عبارت از تقریراتی است که پیامبرﷺ در مورد فعل یا عملی که از صحابهٔ کرام در محضر شان صادر شده سکوت نموده یا آنرا تأیید نموده است. چنانچه آنحضرتﷺ زمانی که معاذبن جبلؓ را به یمن می فرستاد فرمود: میان خصمین به چه چیز حکم خواهی کرد؟ معاذؓ گفت: به کتاب الله و اگر در کتاب الله نیافتم به سنت رسول خدا و اگر در سنت هم نیافتم به اجتهاد خود حکم خواهم کرد. در این جا پیامبرﷺ نظرمعاذؓ را مورد تأیید قرار داد و حمد خدا را به جا آورد و همچنان حضرت بی بی عایشه صدیقه رضی الله عنها روایت می کند: « زمانی که حبشی ها نیزه بازی می کردند من از بالای شانه رسول اللهﷺ آنها را نگاه می کردم و آن قدر این منظره را تماشا کردم که خسته شدم و آن حضرت مرا از این کار منع نکرد.»

جمع آوری و تدوین سنت(حدیث)

در دوره سوم تشریع اسلامی هم زمان در همه شهرهای اسلامی جمع آوری حدیث شریف آغاز شد، وعده یی زیادی از علمای بزرگوار به فکر جمع و تدوین حدیث شریف شدند، امیرالمومنین عمر بن عبد العزیز در آغاز قرن دوم هجری به نماینده و قاضی خود در مدینهٔ منوره (ابوبکر بن جزم) نوشت که احادیث رسول اللهﷺ را بنویس؛ زیرا من خوف از بین رفتن علوم و علما را دارم و به همین ترتیب به تمام عاملین و والیان خود در شهر های مهم اسلامی دستور جمع آوری حدیث را صادر کرد. این موضوع را ابو نعیم در تار یخ اصفهان و امام مالک در موطا ذکر کرده است.

اولین کسانی که به جمع آوری و نوشتن حدیث آغاز کردند: امام مالک بن انس در مدینه منوره، عبد الملک بن عبد العزیزابن جریج در مکه معظمه، سفیان ثوری در کوفه، حماد بن سلمه و سعید ابن ابی عروبه در بصره، هشیم ابن بشیر در واسط، عبدالرحمن اوزاعی در شام، معمربن اسدد در یمن، جریران عبد الملک و عبدالله ابن مبارک در خراسان بودند.

کتاب های مشهور حدیث:

۱- کتاب موطا

۲- مسند امام احمدبن حنبل رحمه الله علیه

۳- صحیح البخاری

۴- صحیح مسلم

۵- سنن ابی داود

۶- سنن ترمذی

۷- سنن ابن ماجه

۸- سنن نسایی

روش تدریس: سؤال و جواب، مطالعهٔ خاموشانه، تشریح و گروهی

مواد ممد درسی

وقت	فعالیت ها
۵ دقیقه	بعد از موضوعات مقدماتی با طرح چند سؤال درس گذشته ارزیابی می کند. - بعد از شنیدن جوابات عنوان درس جدید (سنت نبوی) را روی تخته نوشته و سؤالاتی را در رابطهٔ به عنوان درس از شاگردان مطرح می نماید و اگر آنها معلومات نداشته باشند در مورد معلومات مختصر ارایه می نماید. -برای شاگردان هدایت میدهد تا درس جدید را خاموشانه مطالعهٔ نمایند.
۲۵ دقیقه	در عین حال عناوین جانبی درس را روی تخته نوشته و با استفاده از آنها درس را برای شاگردان تشریح می نماید. • تعریف سنت.

- حجت بودن سنت.
- برخی از دلائل قرآنی برحجیت سنت در تشریع اسلامی.
- تلاش علما در حفظ سنت
- انواع سنتی که نزد اصولیان برآن عمل می شود.

- از چند شاگرد میخواهد تا هر کدام یک عنوان جانبی را مختصراً تشریح نماید.

- نکات مهم نوشته شده را بالای چند شاگرد توضیح می نماید

- شاگردان را به دو گروپ تقسیم می میکند و برای شان هدایت میدهد تا در بارهٔ حجت بودن سنت بین هم مشوره کرده و نتیجهٔ آنرا بیان نمایند

۱۰ دقیقه

خلاصه درس

- سنت در لغت به معنای طریقه و روش است و در اصطلاح علمای اصول فقه عبارت است از: اقوال و افعال وتقریرات رسول الله ﷺ

- فقها اتفاق نموده اند بر این که سنت، اصلی مهمی از اصول تشریح اسلامی است، قرآن کریم در بسیاری موارد احکام تشریحی را به اجمال ذکر کرده و پیامبر اکرم ﷺ آن را با اقوال و افعالش تفسیر نموده است

- سنت وحی است و پیامبر اکرم چیزی جز حق نمی گفت و جز حق را تأیید نمی کرد

- بدون شک این علم (علم حدیث) دین است پس خوب دقت کنید و ببینید که دین تان را از چه کسی می گیرید.

- اصولیان سنت شریف را به دو بخش تقسیم کرده اند.

- سنتی که سندش به پیامبر اکرم وصل شده است.

- سنتی که سندش به پیامبر اکرم وصل نشده است.

ارزیابی جهت اطمینان خویش با استفاده از سؤالات کتاب درسی شاگردان را ارزیابی میکند.

کارخانه گی شاگردان در بارهٔ سُنتی که سندش متصل است نظریات خود را نوشته و آنرا ساعت بعد با خود آورده و در صنف بیان کنند.

درس: سی و یکم

عنوان: اجماع

صفحه: ۱۱۲- ۱۱۵

وقت: (سه ساعت درسی)

اهداف: شاگردان باید

- حجیت اجماع را به صورت درست بدانند.
- مراتب اجماع را بیان کرده بتوانند.
- فواید اجماع مرکب را درک کرده و به دیگران رسانده بتوانند.

دانش لازمی

- اجماع:

برای اجماع مستند شرعی ضروری است چون در بارۀ دین حرف زدن بدون علم و بدون دلیل سخن گفتن از خواهشات نفسانی و خطای قطعی است که جواز نداشته و واقع نمی گردد.

سند اجماع گاه از کتاب الله است و گاه از سنت رسول اللهﷺ؛ مانند: اجماع بر حرام بودن نکاح جده ها و فرزندان تا هر حدی که پایان آید که سنداش این قول خداوندﷻ است:

{حرمت علیکم امهاتکم و بناتکم} نساء **۲۳** «حرام شد بر شما (ازدواج) با مادران و دختران تان».

اجماع در اینجا بر این منعقد است که مراد از امهات (مادران) در آیۀ کریمه اصول زنان است که شامل جده ها میشود تا هر حدی که بالاباشد. و اینکه مراد از بنات (دختران) که شامل دختران صلبی و فرزندان اولاد میشود تا هر حدی که پایان آیند.

دوم سند اجماع برسنت رسولﷺ بر دادن سدس (شش یک) برای جده (مادر کلان) در میراث است، زیرا رسول اللهﷺ برای جده سدس را داده بود([1]).

حل فعالیت

سنت قولی: سنت قولی احادیثی را گویند که رسول اللهﷺ در مناسبت های مختلف و موضوعات جداگانه آن را گفته باشد؛ مانند: این قول رسول اللهﷺ (لاضرر ولا ضرار فی الاسلام) در اسلام ضرر رساندن و تحمل ضرر نیست)

و در حدیث دیگری می فرماید:(**أَلا أُنَبِّئُكُمْ مَنِ الْمُسْلِمُ؟ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ، وَأُنَبِّئُكُمْ مَنِ الْمُؤْمِنُ؟ مَنْ أَمِنَهُ الْمُؤْمِنُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَدِمَائِهِمْ، وأُنَبِّئُكُمْ مَنِ الْمُهَاجِرُ؟ مَنْ هَجَرَ السَّيِّئَاتِ وَهَجَرَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ**)

[1] _ دکتور عبدالکریم زیدان الوجیز فی اصول الفقه ص) ۱۷۵

ترجمه: آیا من شما را از مسلمان واقعی خبر ندهم؟ کسی است، که مسلمانان از زبان او و در امن باشند، من شما را از مؤمن واقعی خبر میدهم، کسی است که مؤمنان او را امین نفس و خون خود بدانند،من شما را از مهاجر واقعی خبر میدهم، کسی است که از منکرات و محارم الله پرهیز کند.

روش تدریس: سؤال و جواب، مطالعۀ خاموشانه، مباحثه، تشریحی و توضیحی

مواد ممد درسی

وقت	فعالیت ها
۵ دقیقه	بعد از موضوعات مقدماتی با طرح چند سؤال درس گذشته را ارزیابی می کند.
۲۵ دقیقه	عنوان درس را روی تخته نوشته و برای شاگردان هدایت میدهد تا درس را خاموشانه مطالعۀ نمایند و هرگاه به کدام مشکلی برمی خوردند آنرا با خود یاد داشت نموده و در اخیر سؤال نمایند. - با استفاده از وقت عناوین جانبی درس را روی تخته نوشته و هر یک را برای شاگردان تشریح می نماید. ● تعریف اجماع. ● حجیت اجماع. ● فایدۀ اجماع در اموری که در بارۀ اش نص وجود دارد. ● اهل اجماع. ● مراتب اجماع. ● نقل اجماع و مثالهای از اجماع. - موضوعات مهم درس را برای شاگردان میدهد تا بین خود در مورد مباحثه نمایند. - بعد از پایان مباحثه شاگردان با کمک و همکاری شما به سؤالات همصنفان خود جواب میدهند. - جهت اطمینان خویش از شاگردان میپرسد که از موضوع مراتب اجماع و اجماع مرکب چی برداشت کردید نتیجۀ آنرا به طور خلاصه کی بیان کرده میتواند.
۱۰ دقیقه	**خلاصه** - اجماع در لغت عزم و اتفاق را گویند و در اصطلاح اصول عبارت است از اتفاق مجتهدین این امت در یکی از عصرها روی یک امر شرعی - رسول اکرمﷺ فرموده اند امتم بر گمراهی اجماع و اتفاق نخواهند کرد؛ پس معلوم شد آنچه امت بر آن اجماع کند حق است و پیروی حق واجب می باشد

	- اهل اجماع در امرو اجتهادی همان مجتهدانی از امت محمدﷺ اند که از دانش و فقه در بارهٔ احکام دین برخور دار بوده و در خصوص واقعهٔ یی که حکم به خاطر آن استنباط می گردد اهل خبره هستند - اجماع مراتبی دارد، قوی ترین آن اجماع منصوص صحابهٔ است. - نوع دیگری از اجماع هم وجود دارد و آن اینکه همهٔ فقها در عصری از اعصار در مورد یک حکم اختلاف نظر داشته باشند؛ اما اگر همراه با اختلاف روی کدام اصل هم اتفاقی صورت نگرفته باشد نظر هیچ این است که اجماع وجود ندارد. **ارزیابی** جهت اطمینان خویش با استفاده از سؤالات کتاب درسی با طرح چند سؤال شاگردان را ارزیابی می کند.
۵ دقیقه	**کارخانه گی** نسبت به مطالب درس برای شاگردان وظیفه میدهد.

درس: سی و دوم

عنوان: قیاس

صفحه: ۱۱۶- ۱۲۰

وقت: (دو ساعت درسی)

اهداف: شاگردان باید

- قیاس را در لغت و اصطلاح به صورت درست بدانند.
- ارکان قیاس را درست فهمیده و آنرا شرح کرده بتوانند..
- فواید ارکان قیاس را درک کرده به دیگران بیان کرده بتوانند.

دانش لازمی

قیاس در لغت به معنای اندازه گیری یک چیز با چیز دیگر می باشد؛ چنانچه گفته شود: **{قست الارض بالمتر}** یعنی (زمین را با متر اندازه کردم) و به معنای تسویه و برابری نیز اطلاق می شود؛ مانند: این قول**{قست هذا الورق بهذا الورق}** یعنی: این کاغذ را با آن کاغذ برابر کردم.

اما منظور از قیاس در اصطلاح علمای اصول فقه عبارت از الحاق یک واقعۀ به واقعۀ دیگر در حکمی است که در آن نص وارد گردیده است. الحاق یک واقعۀ به واقعۀ دیگر در حکم از جهت برابری هر دو واقعۀ در علت حکم منصوص علیه صورت می گیرد،یعنی علت یک حکم هرگاه در یک واقعۀ منصوص علیه درک گردد وقایع دیگر که دارای علل مساوی آن باشند در حکم نیز با وی برابر می باشند چون هر جا که علت موجود باشد حکم نیز موجود می گردد.

طور مثال: حرمت نوشیدن شراب یک واقعۀ است و حکم آن به نص:

{يا أَيهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ}

ترجمه: ای مؤمنان جز این نیست که خمر(شراب) و قمار و نشانه های معبودان باطل و تیرهای فال پلید است از کردار شیطان؛ پس احتراز کنید از وی، تا رستگار شوید.

ثابت شده است علت این حکم (حرمت) از اله هوش و اسکار است بناءً در هر چیزی که این علت موجود باشد یعنی نوشیدن آن سبب از اله عقل گردد حکم آن نیز مانند حکم شراب (حرمت) می باشد.

موضوع و غرض قیاس:

موضوع و غرض قیاس: یافتن احکام فروعات که نصوص شرعی از بیان آن ساکت مانده است به واسطه اصول منصوصه به علت استنباط از معانی نصوص تا این که فروعات در حکم اصل شامل شود.([1])

۱_ اصل: آن واقعهٔ یی که در مورد آن نص وارد شده به نام اصل یاد میشود و این اصل را به نام های مقیس علیه، محمول علیه و مشبه به نیز یاد می کنند.

۲_ فرع: آن واقعهٔ یی که در مورد آن حکم نص موجود نباشد و آن واقعهٔ از لحاظ حکم به اصل قیاس شده باشد به نام فرع یاد می شود و فرع را به نام های مقیس، محمول و مشبه نیز یاد می کنند.

۳_ حکم: آن حکم شرعی که در بیان آن نص وارد گردیده به نام حکم یاد می شود؛ مانند: دادن زکات و خواندن نماز.

۴_ علت: آن وصف که حکم اصل مبنی بر آن است، بنابر موجودیت این وصف در فرع حکم از اصل به فرع انتقال می یابد به نام علت یاد می شود؛ مانند: حرمت نوشیدن شراب اصل است، سبب این اصل (حرمت) نص: **{يا أَيهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيسرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ}**

ترجمه: ای مؤمنان جز این نیست که خمر(شراب) و قمار و نشانه های معبودان باطل و تیرهای فال پلید است از کردار شیطان؛ پس احتراز کنید از وی، تا رستگار شوید.

که بر تحریم آن دلالت می کند می باشد علت تحریم آن اسکار و از اله عقل است، دو شابه خرما (نبیذتمر) فرع است که هیچ نص حکم آنرا بیان نکرده است؛ اما این دوشاب شراب از لحاظ علت مساوی است که هر دوی آنها مسکر هستند، بنا بر این: حکم تحریم که در شراب بود، عین حکم در دوشاب خرما (نبیذ تمر) نیز ممنوع قرار می گیرد([2]).

---

[1]_ رمضان خالد حسن معجم اصول الفقه ص)۲۲۶

[2]_ تاریخ التشریع الاسلامی ص): ۲۲۶

روش تدریس: سؤال و جواب، تشریح و توضیح، مباحثه و مسابقه

مواد ممد درسی

وقت	فعالیت ها
۵ دقیقه	- بعد از موضوعات مقدماتی با طرح چند سؤال درس گذشته را ارزیابی می کند. - بعد از شنیدن جوابات عنوان درس (قیاس) را روی تخته نوشته ودر مورد برای شاگردان معلومات مختصر میدهد. برای شاگردان هدایت میدهد تا درس جدید را خاموشانه مطالعهٔ نموده و نکات مهم درس را با خود یاد داشت نمایند.
۲۵ دقیقه	- معلم محترم عناوین جانبی درس را روی تخته مینویسد و با استفاده از آن درس را برای شاگردان تشریح نموده و به سؤالات آنها جواب قناعت بخش ارایه میکند. • تعریف قیاس. • حجیت قیاس • ارکان قیاس - درس جدید را توسط چند شاگرد تشریح می نماید. - معلم محترم از چند شاگردان میخواهد تا هر کدام یک موضوع را شرح. برای شاگردان چند دقیقه وقت میدهد تا در مورد مفاهیم درس از هم دیگر سؤال نمایند.
۱۰ دقیقه	**خلاصه درس** - قیاس در لغت به معنای تقدیر (اندازه کردن) و مساوات است و در اصطلاح دادن حکم منصوصی به واقعهٔ غیر منصوصی به اساس علت مشترک را قیاس گویند - واقعهٔ را فرض کنید که در بارهٔ حکم آن نصی وجود ندارد حال شما این واقعهٔ را می گیرید و بر واقعهٔ یی که در بارهٔ حکم آن نص آمده است ملحق می سازید (قیاس می کنید) - جمهور فقها و از جمله ائمه چهارگانه به این نظر اند که قیاس حجت شرعی و عمل بر آن واجب می باشد و دلائلی نیز دارند که بدین قرار است: ۱. کتاب الله ﷻ ۲. سنت رسول الله ﷺ ۳. آثار ۴. اجماع - اصل حکم آن نص یا اجماعی آمده – فرع – در بارهٔ حکم آن نص و یا اجماعی وجود ندارد. **ارزیابی** جهت اطمینان خویش با استفاده از سؤالات کتاب درسی شاگردان را ارزیابی میکند.
۵ دقیقه	**کارخانه گی** شاگردان مفهوم حکم و علت را در کتابچه های خود بنویسند و آنرا در صنف بیان کنند

درس: سی و سوم

عنوان: دلائل اختلافی

صفحه: ۱۲۱

وقت: (سه ساعت درسی)

اهداف: شاگردان باید

- مفهوم درس د لائل اختلافی را به صورت درست بدانند.
- مثال های استحسان را بیان کرده بتوانند.
- مثال های استحسان را درک و به دیگران بگویند.

دانش لازمی: استحسان

استحسان یکی از دلایل فقهی است که در حجت بودن آن علمای اختلاف نظر دارند که از نظر عدهٔ یی آنان استحسان دلیل شرعی می باشد که توسط آن احکام ثابت می گردد؛ ولی بعضی از علما آنرا به حیث دلیل شرعی نمی شمارند و احکام فقهی را به واسطه آن ثابت نمی دانند از جمله فقهای اسلامی علمای مذهب حنفی در عمل کردن به استحسان شهرت دارند که در اکثر کتب فقهی حنفی عبارات از قبیل (**الحكم في هذه المسألة قياساً كذا واستحساناً كذا**) دیده می شود، آنان استحسان را یکی از انواع قیاس شناخته به حیث دلیل آنرا مورد استفاده قرار میدهند، و در صورت تعارض آن باقیاس جلی، استحسان را در صورت قوت اثر باطنی آن، نسبت به قیاس جلی مرجح دانسته و قیاس جلی را در برابر آن ترک می نمایند، از اینجاست که استحسان را قیاس خفی نامیده که اکثراً نظر به قوت تأثیر آن نسبت به قیاس جلی اولویت دارد.

امام بزدوی یکی از علمای اصول فقه میگوید: امام ابوحنیفه (رح) در عمل کردن به استحسان از همه پیش قدم است و شاگرد امام ابوحنیفه (رح) محمد شیبانی در این باره می گوید: اصحاب امام در مورد قیاس با وی منازعه می کردند هر گاه امام صاحب در مورد کدام مسأله عبارت (استحسن) را استعمال می نمود، دیگران با وی همراه نمی شدند.

علمای مذهب مالکی و حنبلی نیز عمل کردن به استحسان را تأیید و آنرا به حیث یک دلیل شرعی می شناسند، امام مالك (رح) در مورد گفته است: استحسان از ده حصه علم نه حصه آنست، ولی امام شافعی (رح) عمل به استحسان را نپذیرفته و در بارهٔ آن چنین اظهار نظر کرده است: (من استحسن فقد شرع) یعنی کسیکه عمل به استحسان مینماید در حقیقت شرع جدیدی را وضع کرده است.

مثال استحسان

داخل شدن حق مسیل، شرب مرور در وقف زمین زراعتی، به این طور که اگر شخصی یک قطعه زمینی زراعتی را وقف نماید افراد و یا مؤسسه که این زمین به نام آنها وقف شده است، مستحق رفتن، و آبیاری آن زمین نیز میشوند، و این حق نیز به آنها وقف شده است، که این حق را به اساس استحسان و یا قیاس خفی به دست آورده میتوانند، اصل اینست که وقف را به بیع قیاس کرده بر اینکه خروج ملك در آن است؛ تقاضای قیاس وقف بر بیع دلیل آن واضح و معلوم است. (قیاس جلی) اینست که موقوف علیهم حق مرور مسیل و شرب را ندارد؛ زیرا به صراحت در وقت وقف کردن از طرف واقف به آن اشاره نشده است؛ اما تقاضای قیاس وقف بر اجاره اینست که موقوف علیهم از این حقوق باید مستفید باشند، تا هدف وقف که نفع مادی به موقوف علیهم و ایصال ثواب به وقف است برآورده شود.

استحسان نزد شوافعی

۱_نتیجهٔ فکری است که بادلیل سرو کاری ندارد.

۲_ استحسان خارج از چوکات قیاس، اجماع و نص صورت می گیرد.

۳_عمل به استحسان نزد شوافعی درست نیست.

استحسان نزد احناف

۱. عملی که استوار بر دلیل است میباشد.
۲. محض فرآوردهٔ عقلی نیست.
۳. با یکی از مصادر سه گانه: قیاس، اجماع و نص تماس می گیرد.
۴. عمل به استحسان درست است.

اختلاف بین احناف و شوافعی در مورد استحسان حقیقی میباشد.

روش تدریس: سؤال و جواب، تشریح، مباحثه

مواد ممد درسی

جریان درس

وقت	فعالیت ها
۵ دقیقه	- بعد از موضوعات مقدماتی با طرح چند سؤال درس گذشته را ارزیابی می کند. بعد از شنیدن جوابات عنوان درس را روی تخته مینویسد. برای شاگردان هدایت میدهد تا درس جدید را خاموشانه مطالعهٔ نمایند. در عین حال عناوین جانبی درس را روی تخته نوشته و هر یک را جداگانه و مفصل برای شاگردان تشریح می کند.
۲۵ دقیقه	• استحسان. • مذهب. • صحابی.

	• صحابی نزد محدثین. • حجیت مذهب صحابی. از چند شاگرد میخواهد تا هر کدام یک عنوان را به طور مختصر تشریح نماید. برای شاگردان هدایت میدهد تا هر شاگرد با هم جوار خود تبادل نظر کند.
۱۰ دقیقه	خلاصه - دلائل اختلاف آن است که فقها در بارهٔ شان اختلاف دارند که آیا مصدر تشریح اسلامی شده می تواند یاخیر - استحسان در لغت نیکو پنداشتن یک چیز را گویند و در اصطلاح فقها در مورد تعریف آن با هم اختلاف دارند نزد احناف به دو معنای اطلاق می شود ۱- قیاس خفی یی که در مقابل قیاس جلی واقع شده است ۲- دلیل خاصی که در مقابل قیاس ظاهر واقع شده و اقتضا کرده است تا از قاعده کلی استثنا شود فرق نمی کند که دلیل نص باشد یا اجماع و یا ضرورت استحسان نزد شافعی ها آن است که مجتهد با عقلش آن را نیکو پنداشته است بدون آن که بانص یا اجماع و یا قیاس بر آن استدلال کند در نزد آنها علم به استحسان جایز نیست مذهب صحابی: همان فتوایی است که صحابی در موردی صادر کرده و یا در بارهٔ کدام حادثه شرعی قضاوتی کرده است که نصی در آن باره نیامده و اجماعی حاصل نشده است. - شاگردان بین هم حجیت مذهب صحابی رابه شیوهٔ سؤال و جواب کار کرده و بعداً این عملیه را در مقابل صنف عملا کار نمایند، یعنی یک شاگرد سؤال و شاگرد دیگر جواب بدهد البته انتخاب شاگردان به شکل داوطلبانه می باشد **ارزیابی** در اخیر جهت اطمینان خویش با طرح چند سؤال شاگردان را ارزیابی می کند. **کارخانه گی** شاگردان نظر خود را در باره مذهب صحابی نوشته و روز بعد با خود داشته باشند.
۵ دقیقه	

درس: سی و چهارم

عنوان: دلائل اختلافی (۲)

صفحه: ۱۲٤

وقت: (سه ساعت درسی)

اهداف:

شاگردان باید

- مصالح مرسله را درست خوانده و مفهوم آنرا بدانند.
- مصلحت معتبر را بیان شرح کرده بتوانند.
- موضوع انواع عرف را درک کرده و به دیگران بگویند.
- به اهمیت عرف صحیح در زنده گی خود پی ببرند.

دانش لازمی

مصلحت مرسله و یا مطلقه در اصطلاح علمای اصول فقه، مصلحتی است که شارع در بارهٔ آن حکم را ذکر نکرده، دلیل شرعی بر اعتبار و یا لغو آن ننماید، و مصلحت را از آن جهت مرسله و یا مطلقه می نامند که به اعتبار و یا لغو (جواز وعدم جواز) مقید نگردیده باشد؛ مانند: اعمار بندی خانه ها، منع طبیب نادان از تداوی مردم، منع کردن مفتی نادان از فتوا دادن، جزا دادن متهم به جرم.

هدف بزرگ شریعت اسلام تحقق مصالح عامهٔ انسانیت است؛ چنانچه مشروعیت حدود و قصاص و نظام عقوبات {جزا ها} برای تحقق مصالح مردم میباشد.

مصالح مرسله عبارت از مصالحی است که در شریعت کدام نص معین به جواز و بطلان آن موجود نباشد؛ ولی حفظ آن، مقصود شرعی بودن آن از کتاب الله یا سنت و یا اجماع دانسته می شود، و در متابعت آن در بین علما اختلافی وجود نداشته باشد و اگر با مصلحت دیگر در تعارض و منافات واقع گردد آنگاه امام مالك (رح) عمل را برآن مقدم میداند در حالیکه آیمه دیگر باوی مخالف اند؛ مانند: اینکه: زنی که شوهر آن مفقود گردیده است وقتی خبرآن از زبانها افتیده و با فراموشی سپرده شود و زن سالها انتظار بکشد خبر مرگ وزنده گی شوهر آن معلوم نگردد، در چنین حالت زن از مجرد بودن متضرر میگردد، امام مالك رحمهٔ الله علیه حکم میکند بر اینکه بعد از گذشت چهار سال از انقطاع خبر شوهر زن می تواند با شخص دیگری ازدواج نماید و به این ترتیب مصلحت زن را بر مصلحت شوهر غائب ترجیح میدهد.

روش تدریس: سؤال و جواب، مباحثه، تشریح و توضیح

مواد ممد درسی

جریان درس

وقت	فعالیت ها
۵ دقیقه	- بعد از موضوعات مقدماتی با طرح چند سؤال درس گذشته را ارزیابی می کند. بعد از شنیدن جوابات عنوان درس را روی تخته می نویسد؛ و برای شاگردان هدایت میدهد تا درس را خاموشانه مطالعۀ نموده و نکات مهم آنرا نزد خود یاد داشت کنند.
۲۵ دقیقه	_ عناوین جانبی درس را روی تخته نوشته و هر یک را برای شاگردان تشریح میکند. • مصالح مرسله. • انواع مصلحت. • استحصاب. • استحصاب مقلوب. • حجیت استحصاب. • عرف. • انواع عرف و حکم آن. اگر کدام سؤالی ایجاد شده بود معلم محترم آنرا حل می کند. - معلم محترم نکات مهم درس؛ چون: • مصلحت معتبر • مصلحت مرسله • عرف عملی • عرف قولی • عرف صحیح • عرف فاسد را که در جریان تشریح درس روی تخته نوشته توسط شاگردان تشریح می نماید. - توضیحات لازم باید به قسم نوت برای شاگردان داده شود و آنها مکلف اند تا این توضیحات را در کتابچه های خود بنویسند. **خلاصه**
۱۰ دقیقه	- مصلحت در لغت به معنای منفعت و ضد مفسده است و مرسله به معنای مکلفه است و مصلحت مرسله

	در اصطلاح اصولیان مصلحتی است که کدام دلیل شرعی دال بر اعتبار و یا الغای آن وجود ندارد - مصلحت سه نوع است: الف – مصلحت معتبر ب – مصلحت ملغی قرار گرفته ج – مصلحت مرسله. - استصحاب: در لغت اعتبار دادن به مصاحبت و همراهی است و در اصطلاح اصولیان حکم کردن در بارهٔ یک چیز به همان تا زمانی که دلیلی بر تغییر آن اقامه گردد. عرف در لغت به معنای یک کار مألوف و پسندیده است و در اصطلاح چیزی است که مردم عرف خود ساخته و بر آن روان اند عرف به دو نوع است: ۱- عرف صحیح ۲- عرف فاسد. **ارزیابی** جهت اطمینان خود با استفاده از سؤالات کتاب درسی شاگردان را ارزیابی می کند.
۵ دقیقه	**کارخانه گی** شاگردان در بارهٔ عرف و عادت یک مقاله بنویسند که از ده سطر کمتر نباشد.

درس: سی و پنجم

عنوان: راه های استدلال از نصوص

صفحه: ۱۲۸- ۱۳۲

وقت: (سه ساعت درسی)

اهداف:

شاگردان باید

- راه های استدلال از نصوص را درست خوانده و مفهوم آنرا بدانند.
- حکم خاص را با مثال آن بیان کرده بتوانند.
- اهمیت حکم نهی را درک کرده و به دیگران گفته بتوانند.

دانش لازمی

تعریف خاص: خاص لفظی است که برای یک معنای معلوم به طریق انفرادی وضع و تعیین شده باشد.

کلمۀ (لفظ) در تعریف جنس است؛ شامل لفظ معنای دار و بی معنای، هر دو بوده، خواه برای معنای وضع و تعیین شده باشد و یا نشده باشد که لفظ (موضوع و مهمل) هر دو را در بر می گیرد و با قید (وضع) در تعریف خاص، لفظ مهمل از تعریف خارج می گردد؛ زیرا لفظ مهمل دارای معنای نیست، قید (معلوم) در تعریف لفظ (مشترک) را از تعریف خاص بیرون میسازد؛ زیرا لفظ (مشترک) برای یک معنای وضع نگردیده؛ بلکه برای معانی متعدد وضع گردیده است که مقصد متکلم از آن معانی متعدد معلوم نمی باشد، برعکس لفظ خاص برای یک معنای که مقصد متکلم برای مخاطب از آن واضح است معلوم و تعیین شده است، قید (انفراد) یعنی به یک معنای بودن در تعریف خاص به خاطر بیرون شدن لفظ (عام) از تعریف است؛ زیرا لفظ عام اگر چه برای معنای معلوم وضع شده؛ مگر معنای معلوم عام، منفرد از افراد نبوده، بلکه در ضمن افراد متعدد متحقق می شود.

اقسام لفظ خاص:

لفظ خاص در ذات خود به سه قسم تقسیم شده که عبارت اند از: ۱- خاص الجنس۲- خاص النوع۳- خاص الفرد

۱- **خاص الجنس:** عبارت از آن لفظ خاصی است که از لحاظ جنس خاص بوده گرچند مصداق های آن متعدد باشد؛ مانند: لفظ (انسان) که از لحاظ معنای خود به (حیوان ناطق) دلالت داشته از سایر حیوانات خاص می باشد؛ اگر چه مصداق های آن بر افراد زیاد صدق میکند و شامل دو نوع(مرد و زن) می باشد که هر یک از این دو نوع دارای افراد متعدد است.

۲- **خاص النوع:** عبارت از آنست که نوع آن از لحاظ معنای خاص بوده؛ اگر چه دارای افراد متعدد باشد؛ مانند: لفظ (رجل) که از لحاظ معنای خاص است؛ زیرا شامل نوع دیگر انسان که عبارت از (زن) است نمی باشد.

۳- **خاص الفرد:** آنست که از لحاظ معنای و مصداق هر دو تعدد و کثرت نداشته باشد؛ مانند: لفظ (احمد، محمود، محمد، سکینه) و غیره؛ زیرا هر یک از الفاظ مذکور صرف بریک فرد معین دلالت داشته و احتمال تعدد و کثرت را ندارد.

روش تدریس: سؤال و جواب، مطالعهٔ خاموشانه، تشریح، مسابقه

مواد ممد درسی کارت های مسابقه در صورت امکان

وقت	فعالیت ها
۵ دقیقه	-بعد از موضوعات مقدماتی با طرح چند سؤال درس گذشته را چنین ارزیابی می کند. ۱_ کی میتواند مصلحت مرسله را در لغت و اصطلاح با یک مثال تعریف کند؟ ۲_ انواع مصلحت کدام است؟ ۳_ حجیت استحصاب را کی بیان کرده میتواند.
۲۵ دقیقه	۴_ انواع عرف را به اعتبار صحت و فساد کی بیان کرده میتواند؟ - معلم محترم بعد از شنیدن جوابات عنوان درس جدید(راه های استدلال از نصوص) را روی تخته نوشته و برای شاگردان هدایت میدهد تا درس را خاموشانه مطالعهٔ نمایند. با استفاده از وقت عناوین جانبی درس را روی تخته می نویسد. • خاص ودلالتش. • مطلق. • حکم مقید. • امر. • نهی. • عام و دلالتش. با استفاده از عناوین درس را برای شاگردان تشریح نموده بالای بعضی نکات ترکیز بیشتر مبکند. -از چند شاگرد میخواهد تا هر کدام به نوبه خود یک عنوان را تشریح کند.
۱۰ دقیقه	**خلاصه** - نصوص قرآن و سنت به زبان عربی وارد شده است احکام زمانی ازین نصوص به گونهٔ درست فهمیده می شوند که مقتضی اسلوب لغت عرب و طرق دلالتش بر احکام رعایت گردد. تعریف خاص: خاص در لغت به معنای منفرد است و در اصطلاح لفظی است وضع شده برای دلالت بر

	معنای واحد و دور از ملاحظه افراد - خداوند متعال در کفارهٔ قسم فرموده (فمن لم یجد فصیام ثلاثهٔ ایام) از لفظ (ثلاثه) از الفاظ خاص و قطعاً بر معنای خودش دلالت می کند و احتمال زیادت و نقصان ندارد و حکم وجوب سه روز روزه است. - حکم خاص: هرگاه در نص لفظ خاص آمده حکم آن به صورت قطعی به مدلولش ثابت می گردد. - مطلق آن است که بر یک فردی که لفظاً غیر مفید است دلالت کند؛ مثل: مرد وپرنده. **ارزیابی** جهت اطمینان خویش با استفاده از سؤالات کتاب درسی شاگردان را ارزیابی می کند. **کارخانه گی**
۵ دقیقه	شاگردان در باره موضوع خاص و حکم آن نظریات خود را در کتابچه نوشته و روز بعد با خود بیاورند.

درس: سی و ششم

عنوان: حکم شرعی

صفحه: ۱۳۳

وقت: (سه ساعت درسی)

اهداف:

شاگردان باید

- حکم شرعی را به صورت درست خوانده و مفهوم آنرا بدانند.
- انواع حکم شرعی را بیان نموده و شرح کرده بتوانند.
- اهمیت حکم شرعی را درک کرده و به دیگران بگویند.

دانش لازمی برای درس سی و ششم و سی و هفتم

از اینکه به طور مفصل وآنچه مورد نیاز است این درس در کتاب درسی تشریح شده است؛ لذا برای ازدیاد معلومات استاتید محترم میخواهم نکاتی دیگری که خالی از فایده نیست در این بخش ذکر نمایم.

مصادر احکام شرعی همانا دلایل شرعی است که احکام از آنها استخراج می شود، معنای لغوی دلیل (ارشاد و رهنمایی) است؛ رهنمایی به امر محسوس و یا امر معنوی، هر چه مفهوم اصطلاحی (دلیل) عبارت از آنچه نظر صحیح در آن به وصول حکم شرعی بینجامد، می باشد و صحت نظر و تأمل برای حصول حکم شرعی شرط است به طور مثال: (أقيموا الصلاة) دلیل شرعی برای فرضیت نماز بوده؛ زیرا تأمل درست در این آیه از لحاظ اینکه امر به ادای نماز است وسیله رسیدن به حکم شرعی شده است که آن حکم اثبات فرضیت نماز می باشد و تفصیل موضوع قرار ذیل است: آیه و (اقيموا الصلاة) امر به ادای نماز بوده و مطابق قاعده اصول فقه هر امر وجوب فعل مأمور به را افاده میکند؛ سپس در نتیجه گفته می توانیم که با در نظر داشت مقدمۀ فوق آیۀ مذکور افاده وجوب نماز را نموده است.

دلایل شرعی از لحاظ اتفاقی بودن و اختلافی بودن به دو قسم است.

۱- دلایل اتفاقی

۲- دلایل اختلافی

دلایل اتفاقی آن است که مورد تأیید و اتفاق جمهور فقها قرار گرفته باشد که آنها عبارت اند از: کتاب الله، سنت رسول الله ﷺ، اجماع مجتهدین امت محمد ﷺ و قیاس که از کتاب و سنت و اجماع امت استخراج شده باشد.

و منظور از دلایل اختلافی همان دلایلی است که دلیل بودن آن مورد اختلاف علما است به نزد برخی علما دلیل شمرده می شود و عده یی دیگری آنرا دلیل شرعی نمی شناسند و مشهور ترین دلایل اختلافی عبارت انداز: استحسان، مصالح مرسله، عرف، قول صحابی، استصحاب الحال، شریعت های امت های قبلی، و غیره.

روش تدریس: سؤال و جواب، مطالعهٔ خاموشانه، تشریح و گروپی

مواد ممد درسی در صورت امکان مواد برای کار گروپی

جریان درس

وقت	فعالیت ها
۵ دقیقه	- بعد از موضوعات مقدماتی با طرح چند سؤال درس گذشته را چنین ارزیابی می کند. ۱- کی میتواند بگوید که: حکم خاص چیست؟ ۲- معانی اصطلاحات ذیل را با مثال کی بیان کرده میتواند؟
۲۵ دقیقه	أ. مطلق. ب. مقید. ج. امر. د. نهی. - بعد از شنیدن جوابات در بارهٔ حکم شرعی معلومات مختصر ارایه می نماید. - عنوان درس (حکم شرعی) را روی تخته نوشته و برای شاگردان هدایت میدهد تا درس جدید را خاموشانه مطالعهٔ نموده و نکات مهم آن را نزد خود یاد داشت نمایند. - معلم محترم با استفاده از وقت عناوین جانبی درس را را روی تخته نوشته و از چند شاگرد میخواهد تا درس جدید را به صورت مختصر با استفاده از عناوین جانبی که روی تخته نوشته شده است با رعایت نوبت تشریح نمایند. • تعریف حکم • حکم نزد فقها • انواع حکم • واجب برای شاگردان چند دقیقه وقت میدهد تا در مورد مفاهیم درس با دقت کامل فکر کند وخود را آماده به ارایه جواب نمایند.

۱۰ دقیقه	**خلاصه** درس را چنین خلاصه می کند: - حکم در لغت منع راگویند و از همین رو به قاضی حاکم گفته می شود؛ زیرا که او از ظلم منع می کند. ودر اصطلاح حکم نزد جمهور اصولیان عبارت است از خطاب خداوند به گونهٔ اقتضا یا تخییر ویا وضع که متعلق به افعال مکلفین می باشد - خطاب خداوند: خطاب درلغت سخن بین دونفر است وآنچه که مقصد از آن افهام است اطلاق می شود ودرین جا مراد همین است. - احکام شرعی به دو بخش تقسیم می شود: ۱- احکام تکلیفی ۲- احکام وضعی. احکام تکلیفی خطاب الله است که به افعال مکلفین تعلق میگیرد. **ارزیابی** معلم محترم جهت اطمینان خویش با استفاده از سؤالات کتاب درسی شاگردان را ارزیابی می کند.
۵ دقیقه	**کارخانه گی** شاگردان در بارهٔ احکام تکلیفی نظریات خود را بنویسند و روز بعد با خود بیاورند.

درس: سی و هفتم

عنوان: حکم شرعی (مندوب)

صفحه: ۱۳۷- ۱۴۰

وقت: (سه ساعت درسی)

اهداف:

شاگردان باید

- درس را به صورت درست خوانده و مفهوم آنرا بدانند.
- مندوب، مکروه و حرام را بیان نموده و آنرا در کتابچه های شان بنویسند.
- اهمیت درس را درک کرده و آنرا به دیگران برسانند.

دانش لازمی

مندوب در لغت دعوت به سوی یک کار مهم را گویند و معنای مندوب مدعوالیه « طرف آن دعوت شده» است. چنانچه شاعر می گوید

لایسألون أخاهم حین یندبهم للنا ئبات علی ما قال برهاناً

(برادر شان را پرسان نمی کنند وقتیکه ایشان را طلب کند نظر به مشکلات و مصیبت های که بروی رخ داده با وجود آنکه گفتارش مبنی بر دلیل هم باشد)

و در اصطلاح آن است که شارع فعل آنرا بدون الزام طلب نماید تا اینکه فاعل آن مورد مدح قرار گرفته به آن ثواب داده میشود، و تارک مندوب مذموم قرار نگرفته و به وی عقاب و عذاب نیز داده نمی شود.

مندوب را (سنت، نفل، مستحب، تطوع، احسان و فضیلت) نیز گویند؛ این الفاظ قریب المعنای هستند که اشاره به مفهوم مندوب می کنند و عبارت از راجح بودن غیر الزامی فعل میباشد.

مندوب را به این جهت مندوب نام نهادند که شارع طرف آن دعوت کرده است.

مستحب: به این خاطر گویند که شارع آنرا دوست دارد.

نفل: به این جهت نام نهاده شده است که زائد از فرض بوده و در ثواب هم ازدیاد شدنی است.

تطوع: از این سبب گویند که صاحب آن یعنی انجام دهنده یی آن کار خیر را انجام داده است.

فضیلت: از این لحاظ مسمی شده است که فعل آن بر ترک اش فضیلت و برتری دارد.([1])

[1] – رد المختار لابن عابدین صفحه ۹۱ جلد ۱.

روش تدریس: سؤال و جواب، تشریح، توضیح و مباحثه

مواد ممد درسی

جریان درس

وقت	فعالیت ها
۵ دقیقه	- بعد از موضوعات مقدماتی درس گذشته را با طرح چند سؤال ارزیابی می کند. - معلم محترم قبل از آغاز درس سؤالاتی در بارۀ مندوب، مکروه و محرم از شاگردان نموده و به جوابات شان توجه جدی می کند. اگر اشتباهی وجود داشت خود آنرا اصلاح میکند. - عنوان درس (مندوب) را روی تخته می نوشته و برای شاگردان هدایت می دهد تا درس جدید را خاموشانه مطالعۀ نمایند.
۲۵ دقیقه	- با استفاده از وقت عناوین جانبی درس جدید را روی تخته نوشته و هر یک را برای شاگردان تشریح می کند. ۱- تعریف مندوب ۲- مراتب مندوب ۳- مکروه ۴- محرم (حرام) ۵- حکم وضعی ۶- سبب ۷- شرط ۸- مانع. - از شاگردان در مورد عناوین نوشته شده سؤالاتی را مطرح کنید، باید هر شاگرد معلومات خویشرا طور تشریحی ارایه کند. - به شاگردان هدایت می دهد تا در مورد موضوع درس که (مندوب) است با هم مباحثه کرده و نتیجه را چند تن ایشان در مقابل صنف بیان نمایند.
۱۰ دقیقه	**خلاصه** - مندوب در لغت انجام دادن یک کار مهم است و در اصطلاح مندوب عملی است که انجام دهنده اش ثواب داده می شود و تارکش عقاب ندارد؛ گاهی به خاطر ترک بعضی از انواع مندوب، مستحق ملامتی و سرزنش می گردد و مندوب مراتبی دارد - مکروه در لغت به معنای (مُبغَضُ) و بد پنداشته میشود و در اصطلاح نزد جمهور آن است که تارکش ثواب داده میشود و انجام دهنده اش مستحق عقاب نمی شود؛ مکروه نزد احناف دو نوع است ۱- مکروه تنزیهی ۲- مکروه تحریمی - محرم (حرام) در لغت به معنای ممنوع است و در نزد جمهور آن است که تارکش ثواب داده می شود و فاعلش مستحق عقاب می گردد **ارزیابی** مطابق سؤالات کتاب درسی شاگردان را ارزیابی می کند.
۵ دقیقه	**کارخانه گی** شاگردان در باره سبب نظریات خود را بنویسند و بعداً بیان نمایند

درس: سی و هشتم

عنوان: فتوا

صفحه: ۱۴۲- ۱۴۵

وقت: (دو ساعت درسی)

اهداف:

شاگردان باید

- درس را به صورت درست خوانده و مفهوم آنرا بدانند.
- حکم فتوا را بیان و شرح کرده بتوانند.
- اهمیت فتوا و جایگاه والای آنرا درک کرده و به دیگران بیان کرده بتوانند.

روش تدریس: سؤال و جواب، تشریح، مباحثه، گروهی

مواد ممد درسی

جریان درس

وقت	فعالیت ها
۵ دقیقه	- بعد از موضوعات مقدماتی با طرح چند سؤال درس گذشته را چنین ارزیابی می کند. ۱- معنای لغوی و اصطلاحی مندوب چیست؟ ۲- مکروه تنزیهی و مکروه تحریمی در نزد احناف از هم چی فرقی دارند؟
۲۵ دقیقه	۳- حکم وضعی چیست؟ بعد از شنیدن جوابات عنوان درس جدید (فتوا) را روی تخته می نویسد و برای شاگردان هدایت میدهد تا درس جدید را خاموشانه مطالعهٔ نموده و نکات مهم آنرا؛ چون: (مفتی، مستفتی، شروط مفتی) را نزد خود یاد داشت کنند. - با استفاده از وقت، عناوین جانبی را روی تخته نوشته و هر یک را برای شاگردان تشریح می کند. • تعریف فتوا • اهمیت فتوا و جایگاه والای آن. • حکم فتوا. • شروط فتوا.

	- از چند شاگرد می خواهد تا هر کدام یک عنوان جانبی درس را تشریح نماید. - به شاگردان هدایت میدهد تا دربارهٔ موضوع اهمیت فتوا و جایگاه والای آن باهم مباحثه کرده و بعداً چند تن ایشان برداشت خود را برای دیگران بیان نمایند. **خلاصه**
۱۰ دقیقه	- فتوا در لغت از مقولهٔ افتاه فی الامر قضیه را به او روشن ساخت گرفته شده است و در اصطلاح عبارت است از: خبردادن حکم خداوند به استناد دلیل برای کسی که در مورد قضیه یی سؤال کرده است. - فتوا اهمیت و جایگاه والای دارد به همین خاطر خداوند چون ذات علیم و خبیر است این امر مهم را بر عهده خود گرفته فرموده است: (**یستفتونک قل الله یفتیکم**) - اولین کسیکه این منصب شریف را برعهده گرفت سید المرسلین بود او از جانب خداوند با وحی متینش فتوا میداد. **ارزیابی** جهت اطمینان خویش با استفاده از سؤالات کتاب درسی شاگردان را ارزیابی می کند. **کار خانه گی**
۵ دقیقه	شاگردان در بارهٔ حکم فتوا که واجب است نظریات خود را بنویسند و ساعت بعد با خود بیاورند.